دانشگاه پیام نور

شناخت ادبیات دفاع مقدس

برای دانشجویان کارشناسی ارشد ادبیات پایداری

مؤلفان

دکتر حسین یزدانی ـ دکتر مصطفی گرجی

بسم الله الرحمن الرحیم

گروه زبان و ادبیات فارسی دانشگاه پیام نور

فهرست

فصل اول: کلیات و تعاریف ۵
مقدمه ۶
۱-۱. نگاهی به انقلاب اسلامی ۶
۱-۲. جنگ ، ادبیات انقلاب اسلامی و تحولات ادبیات جنگ ۷
۱-۳. تعریف ادبیات جنگ ۸
۱-۴. وجه نام گذاری دفاع مقدس ۹
۱-۵. ادبیات دفاع مقدس و تفاوت آن با ادبیات پایداری دیگر ملل ۱۱
۱-۶. تقسیم‌بندی‌های ادبیات جنگ ۱۵
۱-۷. پیشینه ادبیات جنگ ۱۷
۱-۸. نظریه ادبیات مقاومت و ربط وضعیت آن با ادبیات دفاع مقدس ۱۸
فصل دوم: ادبیات انقلاب اسلامی و دفاع مقدس ۲۴
۲-۱. اوضاع سیاسی- اجتماعی جامعه ۲۵
۲-۲. سال‌های جنگ (۱۳۵۹-۱۳۶۷) ۲۷
۲-۳. تبیین چند ویژگی ادبیات انقلاب اسلامی ۳۰
۲-۴ تعریف شعر انقلاب ۳۲
۲-۵. شاعر انقلاب کیست؟ ۳۴
فصل سوم ادبیات داستانی دفاع مقدس ۳۶
۳-۱. سیر رمان بعد از انقلاب اسلامی ۱۳۵۷ ..... ۳۷
۳-۲. شاخصهٔ اصلی دفاع مقدس با تأکید بر حوزهٔ ادبیات داستانی دفاع مقدس ۴۲
۳-۳.بحثی درباره عنوان‌شناسی (ادبیات دفاع مقدس) جنگ و ۴۷
۳-۴. رویکردهای ادبیات داستانی جنگ با تاکید بر داستان‌های انسان‌محور ۵۹
۳-۵. خاطره نویسی، تحلیلی جامعه شناختی در هنر و ادبیات جنگ ۷۰
۳-۶. نویسندگان برگزیده ۷۷
فصل چهارم: ادبیات منظوم دفاع مقدس ۱۱۳
۴-۱. معرفی قالب‌های شعری: ۱۱۴
۴-۲.تحلیل پیوندهای موسیقی و مضمون در شعر جنگ ۱۴۴
۴-۳. شاعران برگزیدهٔ دفاع مقدس ۱۶۰
فهرست منابع ۱۶۷

پیش گفتار

پیروزی انقلاب اسلامی ایران در ۲۲ بهمن ۱۳۵۷ کـه بـا زعامـت امـام خمینـی «ره» و همیاری ملت ایران حاصل آمد فضای جدیدی برای هنرمندان، شاعران و نویسندگان ایجاد کرد و طولی نکشید که در ۳۱ شهریور ۱۳۵۹ چنگی ناخواسـته بـر ملـت ایـران تحمیل شد و شور و هیجان مبارزهٔ با متجاوزان در ادیبان و هنرمندان باعث خلق آثـار هنری و ادبی بدیعی گردید آن چنان که با نوای رزمندگان در سنگر پایداری و دفاع از کیان انقلاب و ایران و لبیک شهیدان به دعوت حق عجین گشـت و بـدین ترتیـب افق تازه‌ای در ادبیات معاصر با نام ادبیات انقلاب اسلامی و دفاع مقدس گشوده شد.

آنچه در پـیش روی داریـد مجموعـهٔ مقـالاتی اسـت کـه از نویسـندگان و محققـان معاصر در حوزهٔ شناخت ادبیات دفاع مقدس منتشر شده است.

فصل اول: کلیات و تعاریف

گروه زبان و ادبیات فارسی دانشگاه پیام نور

مقدمه

۱-۱. نگاهی به انقلاب اسلامی

انقلاب‌ها و تحولات در قالب گفتمان انقلابی، رهیافت و رویکردهای انسان‌ها و نگاه و تلقی آنان را نسبت به جهان، جامعه و خویشتن را تغییر می‌دهد. دگرگونی‌های فرهنگی، سیاسی، اقتصادی و ... وجه مشترک انقلاب‌های بزرگ جهان بوده است. رخداد انقلاب اسلامی ایران، در جهان دین‌گریز و بلکه دین‌ستیز قرن بیستم، نشانه بحران جدی در جریان غالب سکولاریزه‌کردن حیات فردی و اجتماعی انسان‌ها به شمار می‌رود. هر چند فوری‌ترین اثر پیروزی انقلاب اسلامی تغییر نظام سیاسی بود؛ روشن است که بدون پایه‌ها و مبانی فکری متقن و استوار، وقوع چنین تحول عظیمی ناممکن بوده است. به عبارت دیگر، "انقلاب فکری" مقدمه و زیربنای قیام ملت ایران، علیه نظام استبدادی شاهنشاهی است. بنا براین بدیهی بود که پس از استقرار نظام جمهوری اسلامی، نیز این تحول فکری رو به گسترش، بستر رشد شکوفایی هر چه بیشتر را طلب کند و برای نظام جمهوری اسلامی، چالش های فکری و فرهنگی، از مهم ترین آوردگاه های تقابل اندیشه پویا و مولد انقلاب اسلامی با سایر اندیشه ها محسوب می‌گردد.(دارابی، ۱۳۹۰: ۱۵) انقلاب اسلامی ایران واقعه ای بزرگ و تحولی بنیادین و آرمانی در عرصه های مختلف و در روابط بین الملل و سیاست‌های منطقه و جهان و جامعه ایران ایجاد کرد که بررسی و تحلیل ابعاد و زوایای مختلف این تحولات در عرصه های فرهنگی، هنری و ادبی نیاز به تامل و پژوهش و تحقیقات گسترده دارد. در این میان تحولات ادبی حاصل چنین انقلاب و گفتمان انقلابی، از اهمیت خاصی برخوردار است و تحلیل تحولات ادبی به وجود آمده در پی این رخداد نیز، در طول تاریخ سی و چند ساله این انقلاب محل بحث‌های فراوان بوده است. در یک نگاه کلی ادبیات انقلاب اسلامی به مجموعه آثاری اطلاق می‌شود که با زبان و بیانی هنرمندانه به باورها، هنجارها، ارزش‌ها، نگرش ها، شخصیت‌ها و رخدادهای انقلاب اسلامی در بازهٔ زمانی شکل‌گیری انقلاب اسلامی (۱۳۴۲) تا کنون مستقیم یا غیرمستقیم

می‌پردازد و تفکر و فلسفه حاکم بر آن منطبق با آرمان های انقلاب اسلامی است. مراد از انطباق با آرمان های انقلاب، اعتقاد به مبانی فکری فلسفی اسلام و تشیع (توحید، معاد، رسالت و امامت، انتظار موعود ...)، معنویت پیوند واقع‌گرایی و آرمان‌گرایی، پاسداشت هویت فرهنگی دینی و ملی، باور به ارزش‌های اعتقادی – انقلابی (آزدگی، استقلال، ایثار، شهادت و...) است. در عرصهٔ ادبیات ، ظهور تفکری نو بر پایه این مبانی، در حوزه نظم و نثر، بنای مکتب ادبی را پایه‌ریزی کرد. که می‌توان آن را مکتب ادبی انقلاب اسلامی نامید. ادبیات داستانی پس از انقلاب اسلامی، مخاطبانی را با خود همراه ساخت که مخاطبان خاموش داستان و داستان‌خوانی در دوره معاصر بودند. این خوانندگان بر پایهٔ آموزه‌های دینی، پیش از انقلاب، مخاطب جدی ادبیات داستانی محسوب نمی‌شدند. موانعی چون اخلاق‌گرایی، عقل‌مداری، جهان‌بینی و اعتقاد به ایدئولوژی و تقدس‌گرایی، آنها را از ادبیات سیاه‌نویس، عریان‌نویس، هرزه‌نویس و تقدس‌زدا و سکولار جدا می‌ساخت. تحولات سیاسی، دیدگاه‌های فکری و رخدادهای اجتماعی، بر ادبیات داستانی تاثیر گذاشت و رویکردهای متفاوتی را در ادبیات پدید آورد. چنین تغییراتی به تناوب، خاستگاه اصیل سیاسی و دینی انقلاب اسلامی را در آثار داستانی برجسته ساخت. (شاکری ،۱۳۹۱:۲۹) (به نقل از شکردست، ۱۳۹۴)

۱-۲. جنگ ، ادبیات انقلاب اسلامی و تحولات ادبیات جنگ

پدیدهٔ جنگ، عامل حرکت، تحول و زایش در فرهنگ، زبان، سنت و باورها است. ر حوزهٔ ادبیات، ظهور و حضور جنگ و تبعات آن در آثار ادبی، ادبیات جنگ را پدید می‌آورد. بنابراین ادبیات جنگ در حوزه نظم و نثر شامل شعر، داستان، نمایشنامه و ... است. در پژوهش حاضر منظور از ادبیات داستانی جنگ، آثار داستانی است که درباره جنگ ایران و عراق پدید آمده است . بنا براین هر نوع پدیده عام دیگر نظیر درگیری‌های قومی، حوادث تروریستی و آثار پدیدآمده درباره آنها از شمول این حقیق خارج است.

در سال ۱۳۵۹ با شروع جنگ تحمیلی، مسئله جنگ در ادبیات داستانی معاصر ایران مطرح شد و پرداختن به جنگ و تبعات اجتماعی، انسانی، سیاسی و اقتصادی آن راه‌های نوینی را پیش پای نویسندگان قرار داد و بسیاری از آنها نسبت به جنگ و پیامدهای آن بی‌اعتنا نماندند

و در طی این سال‌ها جنگ تحمیلی و دفاع مقدس که بخشی از تاریخ معاصر ایران است در ادبیات داستانی جلوه ویژه‌ای یافت.

چرایی نوشتن از جنگ موجب چگونگی نوشتن درباره آن شد و بنابر نگاهی که نویسندگان به مسئله و موضوع جنگ و پیامد های آن سرانجام، جنگ یک ویژگی حقوقی دارد. حتی برخی جنگ را یک قرارداد دانسته‌اند. از این نظر جنگ به معنای واقعی وجود ندارد، مگر آنکه با قواعدی که جنبه مشخص و یا حقوقی رسمی یا عرفی دارد اداره شود. م. کوینسی که جامعه‌شناس جنگ است، با عنایت به همین ویژگی جنگ را« شرط قانونی‌یی می‌داند که به دو یا چند گروه متخاصم فرصت می‌دهد تا نزاعی را با نیروهای مسلح صورت دهند.» (بوتول،۳۲: ۱۳۸۰) .

گاستون بوتول نیز در کتاب جامعه‌شناسی جنگ ضمن عرضه چند تعریف از صاحب‌نظران دربارهٔ جنگ ، تعریف ذیل را پیشنهاد می‌کند:

« جنگ مبارزه مسلحانه و خونین بین گروه‌های سازمان‌یافته است. بعضی این تعریف را بسیار کلی و برخی دیگر آن را بسیار محدود خواهند یافت. به هر ترتیب جنگ شکلی از خشونت است که خصلت اساسی گروه‌های درگیر و روش‌های به کار رفته در آن، نظم و سازمان‌یافتگی است. به علاوه جنگ از نظر زمانی و مکانی محدود است و مقید به قواعد حقوقی‌یی است که بر حسب زمان و مکان بسیار متغیرند . آخرین ویژگی جنگ خونین بودن آن است. بنابراین، جنگ سرد جنگ، جنگ نخواهد بود» (همان :۳۳)

۱-۳. تعریف ادبیات جنگ

با نظر به آنچه در تعریف جنگ بیان شد تا اندازه‌ای می‌توان گفت ادبیات جنگ چیست. در این پژوهش منظور از ادبیات داستانی جنگ آثار داستانی است که درباره جنگ - به آن معنا که در تعریف گاستن بوتول گذشت پدید آمده‌اند. بنا براین هر نوع پدیده عام دیگر (از قبیل داستان‌های مربوط به برخی حوادث تروریستی، درگیری‌های قومی و جدایی‌طلبانه) که مد نظر نویسندگان مختلف است از شمول این تحقیق خارج خواهد بود.

درباره آثار داستانی که درباره جنگ پدید می‌آید، عناوین متفاوتی کار می‌رود؛ از جمله: ادبیات جنگ، ادبیات پایداری، ادبیات مقاومت و ادبیات دفاع مقدس هر کدام از این عناوین را می‌توان به بخش هایی از داستان هایی که درباره ادبیات جنگ پدید آمده اطلاق کرد.

در ادامه به بررسی این عناوین متفاوت می پردازیم.

در بررسی های علمی این پدیده (ادبیات داستانی با موضوع جنگ) ، آنچه از آن بحث می شود جنگ است. هر چند هر جنگی یک مهاجم دارد و یک مدافع. به عبارت دیگر جنگ از زاویه دید هر کدام از طرفین به گونه های متفاوت تعبیر و تفسیر می شود و بدون شک مدافع، حق دارد از دفاع ، پایداری و مقاومت و نیز تحمیل جنگ سخن بگوید ؛ زیرا در هر حال اوست که آسیب دیده است. چنان که روال تاریخی جنگ هشت ساله ما نیز نشان داد، ایرانیان در این سال ها در حال دفاع بوده اند و سرانجام سیاسی جنگ نیز اثبات کرد که عراق متجاوز و آغازگر جنگ بوده است. بخش اعظمی از این ادبیات نیز ضمن اینکه در خدمت این دفاع بوده است، با خلق تصاویر اصیل دینی (به ویژه آموزه های مذهبی شیعی) در پی اثبات حقانیت ماهیت و هویت انقلاب اسلامی است.

با این همه ادبیاتی که در چنین وضعیتی پدید آمده، چه ستایشگر دفاع یا جنگ باشد یا مذمت کننده آنها؛ چه ادبیات مهاجم باشد یا ادبیات مدافع، در کلیت خود ادبیات جنگ نامیده می شود. ادبیات جنگ یک اصطلاح پذیرفته شده در تقسیم‌بندی های انواع ادبی است. بنا براین، آنچه در حوزه انواع ادبی در موضوع جنگ نوشته می شود، ادبیات جنگ است و نوع نگاه های متفاوت، رویکردهای متقاوت پدید می آورد.

در ایران، گاه نوع نگاه به جنگ و استفاده از تعابیری چون «ادبیات مقاومت، ادبیات پایداری یا ادبیات دفاع مقدس» سبب شده است به جای ادبیات جنگ، جنبه هایی از آن (مقاومت، دفاع و پایداری) ملاک تعریف قرار گیرد و منتقدان به جای تعریف ادبیات جنگ در پی تعریف ادبیات مقاومت باشند. قطعا برخی از آثار در همین باره پدپده آمده است. اما باید دید آیا این تعریف و نام گذاری می‌تواند همه آثار را در بر بگیرد یا نه؟ با گزینش عبارتی نظیر ادبیات مقاومت، تکلیف آثار دیگری که موضوعشان درباره جنگ است، اما به جنبه های دیگری جز مقاومت و پایداری می پردازد چیست؟ این نوع نوشته ها را در چه تقسیم بندیی می‌توان لحاظ کرد؟ برای پاسخ به این پرسش باید دید چرا ما عبارات ادبیات دفاع مقدس یا ادبیات مقاومت را به کار برده ایم؟

۱-۴. وجه نام گذاری دفاع مقدس

جنگ هشت سالهٔ عراق با ایران و پیامدهای آن زمینهٔ نگارش هزاران اثر شده است که در این

آثار نویسندگان به موضوعاتی چون تاریخ عملیات‌ها، گزارش رخدادها، جغرافیای جنگ، بازتاب‌های جهانی، سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی جنگ، نقش مردم، رسانه‌ها، فرماندهان، رزمندگان و سیاستمداران در طول جنگ و همهٔ مسائل درون و بیرون آن پرداخته‌اند.

در این میان آثاری نیز نگاشته شد که به آن‌ها، ادبیات دفاع مقدس می‌گویند. این عنوان به مجموعه آثاری گفته می‌شود که ارزش‌ها، رخدادها، ابعاد و جلوه‌های هشت سال دفاع مقدس و بازتاب و حوادث پیوسته به این هشت سال را با زبانی هنرمندانه (ادیبانه) بیان کرده‌اند. بر اساس این تعریف ادبیات دفاع مقدس دو دوره دارد:

۱- دورهٔ نخست شامل همهٔ آثار ادبی است که در طول هشت سال دفاع مقدس آفریده شده است. این آثار منظوم و منثور به لحاظ ساختار، درون‌مایه و مقاطع دفاع هشت ساله، قابل تقسیم‌بندی است.

۲- دورهٔ دوم به آثاری اطلاق می‌شود که پس از پایان جنگ تا به امروز آفریده می‌شوند.

عنوان ادبیات دفاع مقدس با تکیه بر دو واژهٔ «دفاع و مقدس» باعث می‌شود فقط آثاری زیر این چتر قرار گیرند که جنبهٔ دینی و قدسی و پیوستگی با فرهنگ اسلامی وجه ممتاز و متمایز آن‌ها باشد.

هر چند می‌توان با اندکی تسامح، دامنهٔ ادبیات دفاع مقدس را به مجموعه‌ی آثار نظم و نثر گذشته که در فضای فرهنگ دینی به مبارزه با بیداد، تجاوز، اختناق داخلی و خارجی پرداخته‌اند، گسترش داد اما کرانه‌مند کردن و انحصار آن به سال‌های هشت‌گانهٔ جنگ تحمیلی عراق و پیامدهای آن، علمی‌تر و پذیرفتنی‌تر بوده و امکان مطالعهٔ دقیق‌تر این دوران را فراهم آورده است (سنگری، ۲۸:۱۳۸۹).

جنگ هشت ساله را به دلایل زیر می‌توان دفاع مقدس نامید:

۱- ما آغازگر نبودیم این، تنها ادعای ما نیست، بلکه در پایان یک حکم مقبول بین‌المللی روشن کرد که صدام متجاوز و مهاجم بوده است. بنابراین، عنوان دفاع و پایداری، عنوان پذیرفته شده‌ای است که از جانب:

الف) مجامع جهانی

ب) واقعیت بیرونی

ج) تجربه‌های بعدی

د) مدارک و اسناد

حمایت می‌شود. به این اعتبار می‌توان «دفاع هشت ساله» را «دفاع مقدس» نامید.

۲- «دفاع» ما به سبب شواهد و قرائن زیر، مبتنی بر باورها و اعتقادات و ارزش‌های دینی و به ویژه باورهای شیعی بود:

الف) شعارها، نام عملیات‌ها، زمان‌های خاص، جلوه‌ها، و شعائر درون جبهه حکایت از این ارزش‌ها و باورها داشت.

ب) دفاع، جزئی از انقلاب اسلامی ـ نه پدیده‌ای عارضی ـ بود، بلکه ماهیّت انقلاب اسلامی بودن نظام حاکم، سبب جنگ شده بود.

ج) همه‌ی مظاهر و مؤلّفه‌های دفاع مدافعان، صبغه و نمود دینی داشت، مانند وصیت‌نامه‌ها، پیشانی بندها، مزار نوشته‌ها، مراسم قربانیان و آثار به جا مانده از شهدا (مهر، تسبیح و...).

د) از همه مهم‌تر انگیزه‌های اصلی رزمندگان، دین و باور دینی و پذیرش رهبری دینی بوده است. به استناد این دلایل و پیوستگی دین با امور قدسی می‌توان گفت این جنگ، دفاع مقدس بوده است.

با این مقدمات مقبول، عنوان «دفاع مقدس» رساترین عنوان است و بنابراین عناوین فرعی چون هنر دفاع مقدس، سینمای دفاع مقدس و ادبیات دفاع مقدس قابل توجیه و خدشه ناپذیر است.

پس «ادبیات دفاع مقدس» به ادبیاتی اطلاق می‌شود که دربارهٔ مقاومت و ایستادگی و دفاع مبتنی بر ارزش‌های دینی و الهی است. این ادبیات، ادبیات «ضد جنگ» هم هست، چون اساسا، دفاع، ضد جنگ است. بنابراین، ادبیات ضد دفاع مقدس را نمی‌توان ادبیات ضد جنگ نامید و این، مرز ظریف و دقیق و باریکی است که بسیاری از تحلیلگران یا گویندگان بدون رعایت حریم معنایی، این واژه‌ها را به کار می‌گیرند. ادبیات جنگ غیر دفاع مقدس را نیز نمی‌توان ادبیات ضد دفاع مقدس نامید (سنگری، ۲۱:۱۳۸۹).

۱-۵. ادبیات دفاع مقدس و تفاوت آن با ادبیات پایداری دیگر ملل

ادبیات دفاع مقدس از متن ادبیات انقلاب اسلامی سر برآورده و بالیده است. در ادبیات پایداری دیگر ملت‌ها که تجربه‌هایی از جنس «جنگ» را چشیده و دیده‌اند، در حوزهٔ محتوا و درون‌مایه تفاوت‌هایی با ادبیات دفاع مقدس احساس می‌شود.

۱- تاریخ ادبیات دیگر ملت‌ها در جنگ اغلب بر «ناسیونالیسم» و «روح وطنی» تکیه دارد. مثلاً ادبیات ویتنام بر ناسیونالیسم ویتنامی، ادبیات فرانسه بر تاریخ و روح تمدن فرانسوی، و شعر مقاومت روسیه بر «انسان روسی و سرزمین روسیه» تکیه دارد (نامه‌ی پژوهش، ص۳۳). اما در ایران تکیه گاه، «ایدئولوژی و مذهب» است که با نگرش نو و هنجارهای جدید فکری در حوزهٔ دین و مذهب (یعنی هم زمان با شکست هنجارهای سیاسی و اجتماعی و حرکت به سمت نظامی هنجارمند. هنجارشکنی در ادبیات ـ در قلمرو محتوا ـ اتفاق می‌افتد) همراه است.

۲- دغدغه‌های خالقان اثر ادبی در ادبیات پایداری ملت‌های دیگر غالبا آوارگی، تراژدی شکست، کم رنگ شدن احساس تعلق آوارگان و تبعیدیان است اما در ادبیات پایداری ایران (دفاع مقدس)، امید به پیروزی، آرمان جهانی و تقدیس جان‌باختگان دیده می‌شود.

۳- ادبیات پایداری دیگر ملت‌ها اغلب آفاقی است و ادبیات دفاع مقدس، عمدتاً انفسی وپیوسته با بن مایه‌های عرفانی؛ یعنی حضور روشن و پررنگ ادبیات عرفانی در آثار ادبی دفاع مقدس محسوس و مشهود است. در ادبیات پایداری «ملیت»، حرف اول را می‌زند، و در ادبیات دفاع مقدس هویت دینی بر هویت ملی غلبه دارد و اگر هویت ملی مطرح شود، تبعی است از هویت دینی (سنگری، ۲۲:۱۳۸۹).

دو عامل در گزینش عنوان ادبیات دفاع مقدس و ادبیات مقاومت موثر بوده اند:

۱- تعبیر رایج در جامعه از جنگ : جنگ هشت ساله بر کشور و ملت ایران تحمیل شده است . بررسی تاریخی پدیده جنگ نشان می دهد که ایرانیان در این سال ها مدافع بوده اند و کشور عراق متجاوز و آغاز گر جنگ بوده است. چنان که امام خمینی (ره) بارها فرموده اند:

« ایران برای خدا قیام کرده است، برای خدا ادامه می دهد و جز دفاع ، جنگ ابتدایی با هیچ کس نخواهد کرد.»

«الان اینها هجوم کردند به اسلام وما باید دفاع کنیم» صحفیه نور،(ج ۱۰۹:۱۳)

"جنگ ما دفاع است، هجوم نیست"(همان ج ۱۷ :۲۳۱).

« ما از کشور خود دفاع می کنیم ؛ دفاعی که عقلاً و شرعاً واجب است» (همان ، جلد۱۳: ۱۱۱).

بنا براین در جامعه ایران همواره بر تحمیلی بودن جنگ و فضیلت دفاع در برابر دشمن

غاصب تاکید شده است. از این رو دفاع و مقاومت در جامعه ما ارزش داشته است. زیرا از یک سو نگرش دینی ما جنگ طلبی و ویرانگری را نکوهش کرده است و از سوی دیگر در حالی که برخی از کشور های جهان، پس از پیروزی انقلاب اسلامی، ایران را کشوری آشوبگر جلوه می دادند، ضرورت داشته بر برائت از جنگ و تحمیلی دانستن آن و اهمیت دفاع و مقاومت در برابر کشور متجاوز تاکید شود.

۲- وجود تعبیر«ادب المقاومه» در جهان عرب؛ به ویژه در میان فلسطینیان: « ادب المقاومه» آثار ادبی ای است که در جهان عرب پدید آمده است این آثار به مقاومت، پایداری و ایستادگی مسلمانان در برابر اسرائیل می پردازد. (درباره ادبیات مقاومت و پایداری ر.ک. کنفانی ،۱۳۶۲نیز سنگری ۱۳۷۷ ؛ آیینه وند،۱۳۷۰). در ایرن نیز این تعبیر با رهیافت های نظری آن، پذیرفته شد و منتقدان بدان توجه کردند و بسیاری از آنها آثار پدید آمده درباره جنگ را ادبیات پایداری، ادبیات مقاومت، ادبیات دفاع مقدس و ... نامیدند. در نظام استعاری ادبیات جنگ نیز موارد بسیاری وجود دارد که ارتش متجاوز عراق به ارتش رژیم اشغالگر قدس تشبیه می شود. همچنین بسیاری از شعارهای جنگ درباره آزادی قدس بوده است همین شباهت ها موجب شده که تلقی مسلمانان مبارز فلسطینی از ادبیات جنگ در ایران نیز رواج یابد(ر.ک. کوثری ، ۱۳۷۷: ۱۱۳). بنا براین ادبیات مقاومت در عین اینکه با بخش های بسیاری از ادبیات جنگ همخوان است، عنوان جامعی نیست. زیرا آثار دیگری را که زمینه های پیدایش متفاوتی دارند نیز شامل می شود. برای مثال بخشی از ادبیات معاصر ایران که درباره مبارزات سیاسی پیش از انقلاب است در تقسیم بندی ها ذیل ادبیات مقاومت قرار گرفته است.

گاه فضای فرهنگی جامعه سبب شده تبلیغات فراوانی شود تا جنگ از دیدگاه گروهی خاص مثبت و مقدس نشان داده شود و به تبع آن عده ای خود را ضد جنگ معرفی کنند. مثلا وقتی ما می گوییم ادبیات جنگ، از آن ادبیاتی را اراده می کنیم که در مضمون و محتوا به یک جنگ خاص - صرف نظر از دفاعی یا تهاجمی بودن- بپردازد. اما همین ادبیات به یکباره در فضای تبلیغی به « ادبیات ضد جنگ » تبدیل می شود. انگار که جنگ برای یک گروه همچون یک آرمان ارزشمند است و گروهی دیگر با اطلاق «ضد جنگ» خود را از این نگاه بری می کند.

از زوایای دیگری نیز می‌توان به موضوع نگاه کرد یکی اینکه این نام (ادبیات جنگ) از

ماهیت تخصصی موضوع سرچشمه گرفته است؛ یعنی از منظر پژوهش ادبی، جنگ ، در مقام بررسی های علمی و تاریخی فقط یک « موضوع » است و نباید زشت و زیبایی یک موضوع ، پژوهش درباره آن را تحت الشعاع قرار دهد؛ دوم اینکه جنگ از معدود واژگانی است که بار مثبت ومنفی خود را در ترکیب اضافی و از زاویه نگاه فرهنگ های متفاوت بومی به دست می آورد؛ به این ترکیب ها نگاه کنید:

قهرمان جنگ، مرد جنگ، سینمای جنگ، هنر جنگ، رئیس جمهور جنگ، جنگ تحمیلی

در این ترکیب ها واژه ای که با جنگ ترکیب می شود تعیین کنند. بار مثبت یا منفی است، بنا براین در فرهنگ بومی ما، کاربرد ادبیات جنگ و نگاه فارغ از برخی رهیافت ها به آن ، نافی آرمان های انقلابی و اسلامی نخواهد بود. (ر.ک. صرت الله صمدزاده در: « یاداشت اول»

و حتی از برخی از داوری های نابجا درباره ادبیات داستانی در حوزه دفاع مقدس پیشگیری خواهد کرد.

مباحث ایدئولوژیک، موقعی ارزش واقعی خود را نمایان می کنند که در فرآیند اطلاع رسانی درست و دقیق در کنار سایر موضوعات قرار بگیرند. در واقع ما با تغییر عنوان ، شعاع دایره جنگ را محدود و محدودتر می کنیم و از متون ادبی انتظار باز تاب تعریف خاصی از جنگ را داریم.

رضا امیر خانی از نویسندگان و منتقدان ادبیات داستانی در این باره می گوید:

«... می‌توانیم اشکال کنیم به عنوان که چرا ادبیات جنگ ؟ چرا نگوییم ادبیات دفاع مقدس؟ یا ادبیات مقاومت؟ یا ادبیات پایداری؟ نگاهم به هیچ رو یک نگاه اتیمولوژیک نیست. اینکه دفاع مقدس را جنگ بنامیم یا مقامت یا پایداری نه یک روز از تاریخ حماسه می کاهد، نه یک واقع به وقایع جنگ اضافه می‌کند تغییر اسامی، مراد از معانی را تغییر نمی دهد. چه بگوییم جنگ و چه بگوییم دفاع مقدس، مردامان از معنا یکی است. توجه کنیم که در هشت سال اول جنگ، می گفتیم:ادبیات جنگ؛ در هشت ساله دوم می گفتیم: ادبیات دفاع مقدس و در هشت سال بعدی ادبیات مقاومت و یا پایداری... و فقط این نکته را جهت تقریب اذهان به حقیقت عرض می کنم که دوره های مدیریت در این ملک گویا هشت ساله است...» (روزنامه شرق، هارشنبه ۹ دی ۱۳۸۳).

بنا براین، لحاظ کردن مرزبندی های غیر منطقی دردایره نام، فقط تنگ کردن عرصه کار

پژوهش است. با این نگاه طبیعی است که در محدوده ادبیات، اهمیت وجه پسوند و پیشوند یا تغییر عنوانی که برای جنگ قائل می شویم اصراری است بر حفظ وجوه دیگر جنگ که البته در مناظر دیگری غیر از ادبیات قابل طرح است.

پس می‌توان گفت هر چند عنوان «ادبیات دفاع مقدس یا ادبیات مقاومت و ادبیات پایداری» درباره بسیاری از آثاری که درباره جنگ پدید آمده همخوان است و قطعاً درباره این آثار کاربردی صحیح و منطقی است، آثار بسیار دیگری را که در موضوعات دیگری از جمله انتقاد از جنگ یا مذمت آن و... پدید آمده در بر نمی‌گیرد.

بنابراین، ادبیات جنگ هم شامل آن دسته از آثاری است که مستقیم به توصیف رزمندگان، حماسه‌ها، بازآفرینی ارزش‌های دینی و انقلابی و وقایع و صحنه‌های جنگ می‌پردازد و هم شامل آثاری است که در آن تاثیر جنگ بر تمام وجوه زندگی مردم مطرح شده است و از سوی دیگر شامل آثاری است که در آن انتقاد از جنگ جایگاه مهمی دارد.

در تمام دنیا وقتی جنگی اتفاق می‌افتد، آثار اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی بر زندگی مردم به جا می‌گذارد. منظور از ادبیات جنگ، آن بخش از ادبیات است که اثرگذاری جنگ را بر زندگی مردمان تعریف کند. مثلاً پرداختن به زندگی کسی که آواره شده، زادبوم خود را از دست داده و باید در فضاهای غریب زندگی کند و ناگزیر خود را با اوضاع موجود تطبیق دهد، نوعی از ادبیات جنگ است. نوشتن از کوچ و بی‌خانمانی‌ای که با جنگ به وجود آمده و یا کودکی که از مدرسه رفتن محروم می‌شود نیز همه و همه ادبیات جنگ است. بنابراین منظور از ادبیات جنگ، شرح و حدیث زندگی مردمانی است که جنگ ناخواسته بر آنان تاثیر می‌گذارد. ادبیات جنگ در پی مردم است، نه گروه خاصی. حال ممکن است ترس و واهمه و اعتراضاتی نیز دنبال شود که برای هر انسان وجود دارد و واکنشی کاملاً طبیعی است؛ چون واکنشی انسانی است. بنابراین، ادبیات جنگ در هر وجه و رویکردی و از هر منظری، در فضایی که ویرانی بر آن حاکم است، در پی نیاز به میل زندگی آبادانی است.

۱-۶. تقسیم‌بندی‌های ادبیات جنگ

برای ادبیات جنگ بسته به هدف تقسیم‌بندی‌های مختلفی عرضه شده است. براساس نوع متن، ادبیات جنگ به چهار نوع ذیل تقسیم می‌شود:

۱. داستان (رمان، داستان بلند، داستان کوتاه)؛

۲. شعر؛

۳. نمایشنامه؛

۴. خاطره؛

همچنین بنا بر موضوع و موقعیت حوادث نیز ادبیات جنگ را به دسته‌های ذیل تقسیم کرده‌اند:

۱. آثار مربوط به جبهه (ادبیات جبهه)؛

۲. آثار مربوط به پشت جبهه (ادبیات پشت جبهه)؛

۳. آثار مربوط به مقاومت و پایداری (ادبیات پایداری یا مقاومت). (ر.ک. سنگری، ۱۳۷۷)؛

۴. آثار مربوط به مهاجران و اردوگاه‌نشینان (ادبیات اردوگاهی)؛

۵. آثار مربوط به مهاجرت (ادبیات مهاجرت یا تبعید)؛

۶. آثار مربوط به اسارت (ادبیات اسارت یا ادبیات بازداشتگاهی) (ر.ک. سرهنگی، ۱۳۷۷).

به نظر می‌رسد تقسیم‌بندی فوق که بنا بر موضوع و موقعیت حوادث صورت گرفته، دقیق و گویا نیست. چنانکه گاه نمی‌توان مرز مشخصی بین آثاری که در این تقسیم‌بندی قرار گرفته‌اند مشخص کرد؛ زیرا ممکن است یک اثر در دسته‌های متفاوتی جای گیرد. همچنین با نظر به آنچه در صفحات پیشین در تعریف ادبیات جنگ بیان شد، همه این عناوین ذیل ادبیات جنگ جای می‌گیرند.

بنابر درونمایه مطرح در داستان‌ها و جهت‌گیری نویسنده یا روایت و نوع نگاه به جنگ نیز رویکردهای متفاوتی برای ادبیات داستانی جنگ مطرح شده است. از جمله تقسیم آثار جنگ به دسته زیر:

۱. داستان‌های منفی‌نگر؛

۲. داستان‌های مثبت‌نگر؛

۳. داستان‌های تلفیقی از دو دیدگاه بالا (حنیف، ۱۳۷۸ و ۱۳۸۶).

نوع دیگری از تقسیم‌بندی ادبیات جنگ براساس دوره تاریخی است. از این رو ادبیات جنگ می‌تواند به دو دوره تقسیم شود:

۱. ادبیات زمان جنگ؛

۲. ادبیات پس از جنگ؛

هر کدام از این دو دوره نیز می‌تواند تقسیماتی داشته باشد. در تحقیق ما تقسیم‌بندی اخیر در مدنظر قرار گرفته است. پس از آن داستان‌ها نقد و تحلیل شده‌اند و براساس تحلیل‌ها رویکردهای متفاوت ترسیم شده است.

۱-۷. پیشینه ادبیات جنگ

الف- ادبیات جنگ

برای نویسندگان همواره جنگ‌ها دستمایه‌ای ارزشمند تلقی می‌شود تا از طریق آن بخشی از حیات انسانی را به تصویر و نقد بکشند. سهم قابل توجهی از شاهکارهای ادبی جهان با موضوع جنگ خلق شده است. در نیمه دوم قرن بیستم، جهان شاهد بزرگ‌ترین جنگ‌های تاریخ بشر بود. جنگ‌هایی وسیع و طولانی که جان میلیون‌ها انسان را گرفت و ویرانی‌های جبران‌ناپذیر و گسترده‌ای بر جای نهاد. پیش و پس از آن جنگ‌ها، بارها و بارها جنگ‌های بزرگ و کوچک‌تر هم به بهانه‌ای قومی، ملی و استقلال‌طلبانه رخ داد. درباره این جنگ‌ها آثار داستانی متعددی به زبان‌های مختلف نوشته شده است که به برخی از مهم‌ترین آنها اشاره می‌شود:

تولستوی در اثر بی‌نظیرش جنگ و صلح با الهام از جنگ‌های روسیه و فرانسه روایتی از جنگ ناپلئون و الکساندر را تصویر می‌کند. گی دوموپاسان از جنگ پروس و فرانسه روایت می‌کند. ارسنت همینگوی در وداع با اسلحه و داستان‌های دیگری از جنگ‌های بزرگ جهانی و نبردهای داخلی اسپانیا سخن می‌گوید.

همچنین می‌توان از رمان امید آندره مالرو، اگر جنگ ادامه یابد از هرمان هسه، برادرکشی از نیکوس کازانتزاکیس، بیگانه وقتی رسید به اسپانیا از هاینریش بل، در غرب خبری نیست از اریش ماریار مارک، شکست از امیل زولا، نشان سرخ دلیری از استیون کرین، مرگ کسب و کار من است از روبرومل... و ده‌ها اثر دیگر نام برد که نویسندگانش با دستمایه قرار دادن جنگ، تصویری از انسان ستیزه‌گر و صلح‌جو را به نمایش گذاشته‌اند.

ب- ادبیات جنگ در ایران

در تاریخ زبان و ادبیات فارسی آثار بسیاری درباره جنگ‌ها و نبردهای سلسله‌های تاریخی نوشته شده است. بسیاری از پژوهشگران به نمونه‌های بسیاری از این دست اشاره کرده‌اند (ر.ک. رحمدل، ۱۳۸۵: ۸۵-۶۵). اما ادبیات داستانی جنگ که در این پژوهش نیز به آن

پرداخته می‌شود، نوپاست و پس از شروع جنگ تحمیلی به وجود آمده است. تقریباً از همان ماه‌های نخست جنگ ادبیات جنگ نیز پدید آمد. نویسندگان بسیاری با گرایش‌ها و رویکردهای مختلف جنگ را موضوع داستان‌های خود قرار دادند. حتی جنگ سبب شد نویسندگان بسیاری پدید آیند. داستان‌های کوتاهی از محسن مخملباف در مجموعه داستان دو چشم بی‌سو، دعای مرغ آمین از سیروس طاهباز و شش تابلو از عبدالحی شماسی از نخستین داستان‌های جنگ هستند (میرعابدینی، ۸۸۹:۱۳۷۷). تاکنون نزدیک به ۲۰۰ رمان و ۲۰۰۰ داستان کوتاه درباره جنگ نوشته شده است که معرفی و خلاصه آنها در کتاب‌شناسی‌های که در این باره پدید آمده و در دسترس است (در این باره ر.ک. برومند، ۱۳۸۴ و فراست، ۱۳۸۴؛ حداد، ۱۳۷۲ و ۱۳۷۴).

۱-۸. نظریه ادبیات مقاومت و ربط وضعیت آن با ادبیات دفاع مقدس

با طرح نظریه‌ی تعهد و التزام در ادبیات و گسترش آن در جوامعی که دستخوش تحولات عمده‌ی سیاسی، اجتماعی و فرهنگی بودند، شیوه‌ی تازه‌ای در زبان و ادبیات جهان، به ویژه ایران، پیدا می‌شود. شیوه‌ای برخاسته از اصول ادبیات ملتزم ولی با قدری تفاوت در عناصر زبانی و محتوایی، که آن را «ادبیات مقاومت» نامیده‌اند.

اما برای آنکه ثابت شود عنصر تعهد و التزام در ادبیات، به ویژه ادبیات مقاومت ایران چه اهمیتی دارد، لازم است به معیارهای اسلامی که پیوند جدایی‌ناپذیر با ادبیات متعهد ایران دارد نیز توجه نماییم.

بزرگ‌ترین معیار ما، چه در فرهنگ دینی، چه ملی، چه تاریخی و کهن، چه اجتماعی و نو، چه اخلاقی و چه زیباشناختی برای نقد کلام ادبی، بالاخص کلام منظوم، «قرآن» است.

در قرآن کریم یک بار کلمه‌ی «شعرا» آمده است: و الشعراء یتبعهم الغاوون. الم ترانهم فی کل واد یهیمون. وانهم یقولون مالا یفعلون. الا الذین آمنوا و عملوا الصالحات و ذکروا الله کثیراً. یعنی و شاعران را مردم جاهل گمراه پیروی می‌کنند. آیا ننگری که آن‌ها خود به هر وادی حیرت سرگشته‌اند و آن‌ها بسیار سخن می‌گویند که یکی را عمل نمی‌کنند. مگر آن شاعران که اهل ایمان و نیکوکار بوده و یاد خدا بسیار کردند».

و واژه «شعر» یک بار در قرآن آمده: و ما علمناه الشعر و ما ینبغی له. ان هو الا ذکر و قرآن مبین. یعنی: و ما محمد(ص) را شعر نیاموختیم و شایسته او نیست، بلکه قرآن ذکر خدا و آیات روشن اوست.

و کلمه‌ی «شاعر» چهار بار در قرآن مطرح شده است: بل قالو اضغاث احلام بل افتریه بل هو شاعر یعنی: گفتند قرآن خواب و خیال است و محمد(ص) شاعری است که این کلمات را خود بافته است. و یقولون أإنا لتارکوا آلهتنا لشاعر مجنون. یعنی: و می‌گویند آیا ما برای خاطر شاعر دیوانه‌ای دست از خدایان خود برداریم. أم یقولون شاعر نتربص به ریب المنون. یعنی: یا می‌گویند که محمد(ص) شاعری است که ما مرگ او را انتظار داریم. و ما هو بقول شاعر قلیلاً ما تومنون. یعنی: و قرآن نه سخن شاعری است، گرچه اندکی مردم هشیار بدان ایمان آورند.

همان‌گونه که مشخص است، نظر قرآن به شعر و کلام ادبی، دو وجه دارد: شعر و کلام تهی و بی‌ارزش گمراه‌کننده و شعر و کلام مبتنی بر دین و دارای هدف و جهت مقدس؛ به همین دلیل، شعر و ادب تحت تاثیر تفاسیر و تعالیم و برداشت‌های قرآن کریم، جهت پیدا کرد و در باب شعر و شاعری باید و نباید مطرح شد و همین بایدها و نبایدها یعنی شعر متعهد. چنانکه صاحب چهار مقاله می‌گوید: »شاعر باید سلیم الفطره، عظیم الفکره، صحیح الطبع، جید الرویه، دقیق النظر باشد و در انواع علوم، متنوع باشد و در انواع رسوم، مستطرف. زیرا چنانکه شعر در هر علمی به کار همی شود، هر علمی در شعر به کار همی شود. و چون شعر را بدین درجه نباشد تاثیر او را اثر نبود وپیش از خداوند خود بمیرد» و همچنین نظامی گنجوی در مخزن‌الاسرار، شعر را زمانی موثر می‌داند که از زبان شرع سروده شود:

پیش و پسی بست صف کبریا　　پس شعرا آمد و پیش انبیاء
چون سخنت شهد شد ارزان مکن　　شهد سخن را مگس افشان مکن
تا نکند شرع تو را نامدار　　نامزد شعر مشور زینهار
شعر تو را سدره نشانی دهد　　سلطنت ملک معانی دهد
شعر تو از شرع بدانجا رسد　　کز کمرت سایه به جوزا رسد
شعر برآرد به امیریت نام　　کالشعراء امراء الکلام

و عطار گفته است:

شعر و عرش و شرع از هم خاستند　تا دو عالم زین سه حرف آراستند

از نظر شاعران و اندیشمندان بزرگی همچون نظامی و عطار، شعر متعهد شعری است که از

راه شریعت بر دل شاعر مومن وارد شود و مایه‌ی زیور و زینت عالم هستی گردد. یعنی شاعر واقعی کسی است که چون زبان به سخن می‌گشاید چیزی جز ذکر خدا نمی‌گوید و تا زمانی که این تعهد و التزام را همراه دارد. مشمول کسانی است که خداوند در قرآن فرموده است: الا الذین آمنوا و عملو الصالحات و ذکر و الله کثیراً.

براساس آنچه گفته شد، فرض اول نظریه‌ی ادبیات مقاومت اثبات می‌شود که «ادبیات مقاومت، نوعی از ادبیات متعهد و ملتزم است».

اما «عناصر ادبیات مقاومت» کدامند؟ فرض ما بر این است که عناصری که پایداری و مقاومت را در طول تاریخ مبارزات ملت‌ها رقم می‌زنند، می‌توانند به عنوان عناصر ادبیات مقاومت به حساب آیند. بنابراین باید نگاهی کوتاه به عناصر مقاومت برانگیز ملتها، به ویژه در صد سال اخیر، داشته باشیم.

تاریخ نشان می‌دهد که در جوامع بی‌دغدغه و آرام که تحت فشار حاکم و یا تهاجم بیگانگان قرار ندارند، نمی‌توان نشانی از ادبیات مقاومت گرفت؛ به عبارت دیگر، پرورش و باروری این نوع ادبیات در این‌گونه جوامع بسیار ضعیف است. به همین دلیل، در تاریخ کشور ما نیز هر جا که مردم قدرت عرض اندام داشته‌اند و جامعه ما از سوی نیروهای خارجی یا عوامل مستبد داخلی تحت فشار قرار گرفته، می‌توان علائم ظهور ادبیاتی را با بار مقاومت دید. خود آیین شیعه به خاطر زندگی پرمخاظره و مبارزه‌ی طولانی برای رسیدن به حاکمیت، چنین زمینه‌ای داشته و می‌توان بروز این نوع ادبی را در ادعیه و زیارت‌ها و مراثی و نوحه‌ها و امثال اینها، که نوعاً ادب شفاهی هستند، دید. مثلاً تعابیر قابل توجهی از مقاومت و مبارزه در زیارت عاشورا و دعای ندبه وجود دارد که به عشق و دلدادگی و خونخواهی امام حق، در طول قرن‌ها خوانده شده است.

در تاریخ ادبی ایران، قائل شدن پیشینه‌ای پرحجم برای ادبیات مقاومت، شاید خطا باشد؛ چرا که در گذشته، اگر نگوییم هیچ، اما کمتر به مردم فرصت ظهور داده شده است. و این یعنی کمبود یکی از مهم‌ترین عوامل و عناصر ادبیات مقاومت. منابع تاریخی موجود هم در این زمینه کمک قابل توجهی به ما نمی‌کنند؛ چرا که بیشتر آن‌ها رسمی هستند و در جهت خواست حا کمان وقت تالیف شده‌اند و علاوه بر این‌ها، محدود بودن فرهنگ نوشتاری به نهاد دولت تنها وسیله موثر برای بقای اجتماعی این نوع ادبی را از بین برده است. اما هر قدر در تاریخ معاصر ایران به طرف زمان حال پیش می‌آییم، نقش مردم و ظهور آن‌ها در صحنه‌های اجتماع،

و به تبع آن، پیدایش ادبیات مقاومت را به هنگام تعدی‌ها، یورش‌ها و تهاجمات بیگانه و در خلال نهضت‌های مردمی روشن‌تر می‌بینیم.

شاید بتوان ادعا کرد که اولین نشانه‌های ادبیاتی را که به انگیزه‌ی مقاومت مردم آفریده شده است باید در خلال جنگ‌های پردامنه‌ی ایران و روس، که در نیمه‌ی اول قرن سیزدهم هجری رخ داد، مشاهده و بررسی کرد. در این دوره، با دو چهره‌ی ادبی روبرو هستیم که به لحاظ ماهیت و کارکرد، کاملاً با هم متفاوتند: چهره اول، ادبیاتی بود که از جانب شعرا و نویسندگان دربار پیدا شد. منابع موجود این دوره، کارکرد این‌گونه‌ی ادبی را در خارج از محدوده‌ی دربار تایید نمی‌کنند، چرا که هرگز به میان مردم راه پیدا نکرد تا از این طریق گسترش و قوام یابد. «شاهنشاهنامه‌ی فتحعلی خان صبا» یا نثر «عبدالرزاق دنبلی در مآثر سلطانیه» در محافل خاص و گوشه‌های کتابخانه‌ها باقی ماندند و مورد اقبال عام قرار نگرفتند. اما چهره‌ی ادبی دیگری که در این جنگ‌ها به وجود آمد، به تعبیری منشاء مردمی داشت؛ یعنی از طرف علمای دین و اندیشمندان متشرع، که از مقبولیت عامه برخوردار بودند، آفریده شد. به همین دلیل، فتوای شیخ جعفر نجفی (کاشف الغطاء) که با لحنی حماسی و آهنگین در «جهادیه قائم‌مقام بزرگ» منعکس شد، مردم را به‌خصوص در آذربایجان به هیجان واداشت و آنان را به رویارویی با روس‌های متجاوز در ماورای ارس تشویق کرد.

«ادبیات ایران در آغاز دوره‌ی مشروطیت، به ضرورت زمان و شرایط آن عصر، اندک اندک به طرف مردمی شدن حرکت کرد و توانست شکل سیاسی و اجتماعی به خود بگیرد و در خدمت معنویات و اهداف مردم قرار گیرد و... پس از انقلاب اسلامی، شاعران و نویسندگان و به طور کلی، اهل قلم بایستی خود را با انقلاب و رهبر کبیر و اهداف آن همسو می‌کردند و ذوق و استعداد و خلاقیت و توان خود را در جهت رشد و شکوفایی اهداف بلند الهی انقلاب قرار می‌دادند و یا ناگزیر باید راهی دیگر را انتخاب می‌کردند. به زبان دیگر، صف شعرا و نویسندگان ولایی با غیرولایی از یکدیگر جدا شد. بسیاری از شاعران و نویسندگان ولایی برای تقویت این نظام و به منظور ادای دین به این نظام مقدس و تبیین و تثبیت ارزش‌های والای آن با تمام توان و اخلاق وارد صحنه شدند و در مواقع حساس و به مناسبت‌های مهم، خنجر زبان و قلم را از نیام سکوت بیرون کشیده، صحیفه روزگار را از آثار روشن و متعهد و توحیدی خودبارور ساختند. به هر حال، صراحت بیان، بی‌پیرایگی زبان و طرح حقایق و مسائل مهم در کمال آزادی، یکی از ویژگی‌های اساسی شعر انقلاب است. شعر

انقلاب شعری محجوب و در عین حال ستیهنده و طوفانی است. شعر انقلاب، شعر خشم و خروش و مقاومت و مبارزه است، شعر اعتراض و فریاد، شعر زندگی و مردانگی است. توفان انقلاب و سیل خروشان ادبیات پویا، ادبیات فراگیر، ادبیات مقاومت، ادبیات شیعی و عاشورایی و کربلایی، اندیشهّهایی چون هنر برابر هنر را به نهانخانه‌ی نظریه های ادبی سپرد و ادبیات را در خدمت تعالی انسان درآورد و به شعر آبرو بخشید و شهیدان یکی از جانمایه‌های ارزشمند ادبیات، به‌خصوص شعر شدند»

از آنچه گذشت عناصر مفروض در ادبیات مقاومت نیز اثبات می‌شود که عبارتند از: «مردم» و «پیشروان فکری جامعه».

لازمه‌ی تعهد و التزام در ادبیات، هدفمندی آن است، بنابراین نمی‌توان ادبیات مقاومت ایران را ادبیاتی غیرهدفمند دانست، ولی جهت‌گیری‌ها و نوع اهداف ادبیات مقاومت ایران را باید در بررسی دیگری بیان کرد و حاصل این بررسی را در تعریف ادبیات مقاومت قرار داد.

با عنایت به این‌که ادبیات انقلاب اسلامی در ایران، نمونه و مصداق بارزی از ادبیات مقاومت به شمار می‌رود، برای تعیین و تشخیص اهداف ادبیات مقاومت ایران لازم است به اهداف ادبیات انقلاب اسلامی توجه شود:

«در طی دوره‌های مختلف پس از انقلاب [اسلامی]، شعر و ادبیات تنها کاری که می‌توانست بکند، منعکس ساختن شور و احساس حاکم بر جامعه بود و البته صحنه‌ها به اندازه‌ای شگفت و عظیم بودند که تخیل شاعر را به تعطیل می‌کشاندند. جنگ از مهم‌ترین حوادثی بود که بسیاری از شاعران را به بیان شگفتی‌ها و قهرمانی‌های سپاهیان اسلام، سوق داد. اشعار این دوره از انقلاب روح حیات و سرزندگی را در انسان می‌دمد و خواب غفلت و ناهوشیاری را از دیدگان می‌رباید.»

«ادبیات ما در انقلاب شکوفا شد، مخصوصاً در جنگ هشت ساله به بار نشست. در این دفاع مقدس چه چیزها بروز کرد و چه حالات روانی مطرح شد.»

«در بعد هنر و ادبیات، شاعر و نویسنده و هنرمند مکتبی و انقلابی و متعهد، با سلاح برنده و پرتوان و کارآمد خویش در مسیر رسولان الهی گام می‌نهد و با شورآفرینی هنرمندانه به بیان حقایق می‌پردازد و با آموخته‌های مکتبی و انقلابی، آنچنان جان‌مایه‌ای به اثر خود می‌دهد که ضمن جلب مشتاقان، راه درست زیستن و مقابله با ظلم و فساد را نیز به آن‌ها می‌آموزد.»

«شکوفایی هنر جدید به سبب وجود انقلاب اسلامی و جنگ تحمیلی و پایمردی‌ها و

ایثارگری‌های دلاور مردان دشت‌های خون و قیام، مفاهیم و مضامینی نو به خود گرفت و شعرهای شهادت، ادبیات دفاع مقاومت، چکامه‌های ادبی در رزم و حماسه و دلاوری و استقامت سروده شد. هنرمندان متعهد کوشیدند تا ادبیات مقاومت را در طول سال‌های پس از پیروزی انقلاب اسلامی و دفاع مقدس، در زمینه‌ی شعر، سرود، نمایشنامه، داستان‌های کوتاه و بلند، نقاشی، فیلم و... به وجود آورند.»

بررسی‌های محققان نشان می‌دهد که اهداف موجود در ادبیات مقاومت با اهداف نهضت‌های مردمی و دینی ارتباط مستقیم دارد و سیر ادبیات متعهد ثابت می‌کند که ادبیات مقاومت در راه پرهیز از ادبیات تخدیری و بی‌هدفی، به سوی تکامل ادبیات برای رسیدن به اهدافی که متوجه کمال مادی و معنوی انسان‌هاست به پیش می‌رود. بنابراین می‌توانیم تعریفی برخاسته از فرضیات اثبات‌شده‌ی این تحقیق، از ادبیات مقاومت به گونه‌ی ذیل ارائه دهیم:

تعریف:

ادبیات مقاومت، نوعی از ادبیات متعهد و ملتزم است که از طرف مردم و پیشروان فکری جامعه در برابر آنچه حیات مادی و معنوی آن‌ها را تهدید می‌کند به وجود می‌آید و هدفش جلوگیری از انحراف در ادبیات، شکوفایی و تکامل تدریجی آن است. (بصیری، ۱۳۸۸: ۲۰-۲۶)

در این تعریف عناصری وجود دارد که هر کدام قابل بحث و تعمیم و بررسی بیشترند: «تعهد و التزام»، «مردم و پیشروان فکری جامعه»، «حیات مادی و معنوی»، «جلوگیری از انحراف در ادبیات» و «شکوفایی و تکامل تدریجی ادبیات».

در فصول بعد سیر تحول شعر متعهد را بررسی می‌کنیم و نشان می‌دهیم که چگونه زمینه‌های شعر مقاومت فراهم شد تا این شعر با همه‌ی ویژگی‌هایش در عهد معاصر به ظهور برسد.

فصل دوم: ادبیات انقلاب اسلامی و دفاع مقدس

گروه زبان و ادبیات فارسی دانشگاه پیام نور

۲-۱. اوضاع سیاسی- اجتماعی جامعه

پیروزی انقلاب اسلامی

به طور کلی «انقلاب نوعی اقدام جمعی است که مستلزم فرآیند بسیج، ساختار قدرت و رابطه‌ی بین این دو است. انقلاب در بحبوحه وضعیتی مبنی بر حاکمیت چندگانه پدید می‌آید. وضعیت انقلاب هنگامی ایجاد می‌شود که مدعیان با طرح ادعاهای خاصی نسبت به کنترل بر دولت وارد عرضه شوند، بخش گسترده‌ای از جمعیت نسبت به این ادعا متعهد می‌شوند، ائتلاف‌هایی میان مدعیان و اعضای حکومتی شکل گیرد و دولت قادر یا مایل به سرکوب این دعاوی نباشد. (معدل، ۱۳۸۲، ۲۰)

آبراهامیان در توضیح شرایط اجتماعی سیاسی ایران و علل انقلاب مردم می‌نویسد: در سه سال آخر عمر رژیم، به علت تشکیل حزب رستاخیز و همچین افزایش بسیار چشمگیر قیمت نفت، تنش های سیاسی شدیدتر شده بود. با پنج برابر شدن ناگهانی درآمدهای نفتی، انتظارات مردم بالا رفت و در نتیجه شکاف میان وعده‌ها، ادعاها و دستاوردهای رژیم از یک‌سو و انتظارات و دستاوردهای مردم از سوی دیگر عمیق‌تر شد... . چهارده سال پس از انقلاب سفید، هنوز در ایران نسبت پزشک به بیمار بسیار اندک، میزان مرگ و میر کودکان بالا و نسبت تخت‌های بیمارستانی به جمعیت بسیار پایین بود. ۶۸ درصد بزرگسالان بی‌سواد بودند... . نسبت معلم به شاگرد در مدارس دولتی رو به کاهش بود... . و از لحاظ درصد افراد دارای تحصیلات عالی، ایران همچنان یکی از ضعیف‌ترین کشورهای خاورمیانه بود... . در آستانه انقلاب، ۴۲ درصد از خانواده‌های تهرانی مسکن مناسبی نداشتند و تهران با بیش از چهار میلیون جمعیت، علی‌رغم درآمدهای زیاد نفتی هنوز سیستم فاضلاب، مترو و حمل و نقل عمومی نداشت... . بدتر این‌که قشر پایین طبقه کارگر به ویژه کارگران ساختمانی، دستفروش‌ها، کارکنان کارخانه‌های کوچک و کارگران موقت که مشمول طرح‌های بیمه و برنامه‌های مشارکت در سود نبودند، از مزایای برنامه‌های رفاه اجتماعی بهره‌مند نمی‌شدند... . نارضایتی‌های ایجاد شده به واسطه این نابرابری‌های قومی و طبقاتی تا اوایل دهه ۱۳۵۰ پنهان ماند. اما هنگامی که پایه‌های حکومت پهلوی لرزید این نارضایتی‌ها چون سیل خروشانی از همه نقاط جامعه سر برآورد.» (۱۳۸۴: ۵۴۹ الی ۵۵۳ به اختصار)

این سیل خروشان مردمی، نیازمند فردی قابل اعتماد و مردمی بود تا هدایت آن را به عهده بگیرد. درواقع، «رهبری هوشمندانه امام خمینی و نقش ایشان در وحدت‌بخشی میان نیروهای گوناگون اجتماعی، نیز از عوامل غیرقابل انکار در پیروزی انقلاب بود. رهبران مذهبی و روحانیون شیعه از جایگاه ممتازی در میان مردم برخوردارند و معمولا ارتباط مستمر و وثیقی با توده مردم دارند؛ به طوری که حتی لیبرال‌ها هم از دوره مشروطه تا انقلاب اسلامی به این نتیجه رسیده بودند که بدون حمایت روحانیان از طرح‌های آنان معمولاً اجرای این طرح‌ها با موفقیت و اقبال عمومی همراه نیست. چنان‌که یکی از دلایل شکست نهضت ملی نفت و دکتر مصدق نیز گسست روحانیت از آن بود. شبکه ارتباطی قوی و گسترده روحانیت با مردم و رجوع و اعتماد توده‌های مردم به آن‌ها در ایران پیشینه‌ای دیرینه دارد. شخصیت کاریزماتیک امام خمینی به همراه زهد و پارسایی و قاطعیت ایشان سبب شد که همه نیروهای مذهبی و غیرمذهبی مخالف رژیم از سال ۴۲ به بعد پشت سر ایشان قرار بگیرند. امام از ابتدا شیوه مبارزه‌ای ساده و قاطع را انتخاب کرد. او از ابتدا هدف خود را در اجرا و ادای تکالیف شرعی قرار داد. «او می‌گفت: ما صرفاً به تکلیف شرعی والای خود عمل می‌کنیم یا پیروز می‌شویم یا کشته می‌شویم که در هر صورت پیروزیم.» (محمدی، ۹۹:۱۳۷۰)

انقلاب اسلامی در ۱۲ بهمن ۱۳۵۷ به پیروزی نزدیک شد، اما همچنان جنگ و خونریزی ادامه داشت. «بنیاد شهید انقلاب اسلامی بعدها یک بررسی درخصوص کشته‌شدگان انقلاب از سال ۱۳۴۲ تا سال ۱۳۵۷ انجام داد که نتایج آن منتشر نشد. براساس این بررسی، طی یازده ماه- یعنی از آبان ۱۳۵۶ تا بهمن ۱۳۵۷ در مجموع ۲۷۸۱ نفر در حوادث انقلابی جان خود را از دست داده‌اند. اکثر قربانیان نیز از تهران و به ویژه محله‌های کارگرنشین جنوب شهر بوده‌اند؛ اما ضربه نهایی به رژیم در تاریخ ۲۲-۲۰ بهمن بر اثر حمله گارد شاهنشاهی به پادگان نیروی هوایی در نزدیکی میدان ژاله وارد شد. مردم از همه مناطق به طرف پادگان نیروی هوایی شتافتند و با پشتیبانی فداییان و مجاهدین با نیروهای گارد شاهنشاهی درگیر شدند. به دنبال این حوادث، سران ستاد ارتش اعلام بی‌طرفی کرد ند و نیروهای خود را در پادگان‌ها نگه داشتند... . صحنه پایانی این نمایش، بیانیه تاریخی بود که بعد از ظهر ۲۲ بهمن‌ماه ۱۳۵۷ از رادیوی تهران پخش شد: «این صدای ایران است، صدای راستین ایران، صدای انقلاب اسلامی.» دو روز درگیری خیابانی، فروپاشی یک دودمان ۵۳ ساله و همچنین پادشاهی ۲۵۰۰ ساله را تکمیل کرد.» (آبراهامیان، ۱۳۸۹: ۲۸۷ و ۲۸۸)

۲-۲. سال‌های جنگ (۱۳۵۹-۱۳۶۷)

پایه‌های انقلاب اسلامی با رای ۹۹ درصدی «آری» مردم به جمهوری اسلامی در ۱۲ فروردین ۱۳۵۸ محکم شد. در همان سال انتخابات مجلس خبرگان برگزار شد و به تبع آن، قانون اساسی نیز تصویب گردید.

در شهریورماه سال ۱۳۵۹ صدام حسین به ایران حمله کرد. آبراهامیان در این باره می‌نویسد: «این جنگ را صدام حسین- به احتمال زیاد برای بازپس‌گیری کنترل بر آبراه حیاتی اروندرود- آغاز کرد و هشت سال به درازا کشید. ایران از خردادماه ۱۳۶۱ نیروهای عراقی را از کشور به عقب راند و سپس با شعار «جنگ جنگ تا پیروزی» و «راه قدس از کربلا می‌گذرد» در خاک عراق پیشروی کرد. ایران در ادامه جنگ به نبرد گروهی و همچنین استراتژی بسیج سراسری متوسل شد که درواقع یادآور جنگ اول جهانی بود... (همان: ۳۰۱ الی ۳۰۳ به اختصار). در طول جنگ هشت ساله افراد زیادی به شهادت رسیدند. تعداد بی‌شماری مجروح و معلول جنگی شدند و افراد غیرنظامی فراوانی بر اثر بمباران شهرها توسط رژیم عراق جان خود را از دست دادند. عده زیادی نیز دچار ناراحتی‌های عصبی و اختلالات روحی شدند. جنگ و آثار و پیامدهای درازمدت فراوانی به همراه داشت و دارد که مجال پرداختن به آن‌ها در اینجا نیست.

لذا به طور کلی، شرایط اجتماعی جامعه در طول این جنگ که به مدت هشت سال طول کشید، از دو جهت قابل بررسی است: از یک طرف شرایط روحی و روانی مردم و از سوی دیگر فشارهای اقتصادی ناشی از تحریم‌ها.

قبادزاده در توضیح اوضاع اجتماعی پس از انقلاب اسلامی بر این عقیده است که: «در طول دهه اول عمر جمهوری اسلامی فضای متعادلی وجود داشت و هماهنگی بالایی میان ارزش‌ها و واقعیات محیطی به وجود آمده بود. اصولی نظیر ساده‌زیستی، شهادت، گذشت، ایثار و... ارزش‌های حاکم را تشکیل می‌دهند و در محیط نیز فضا کاملاً مطابق با این ارزش‌هاست. اگر شهادت یک ارزش است، جبهه‌ای وجود دارد که افراد می‌توانند در آن برای رسیدن به ارزش خود جانفشانی کنند. اگر ساده‌زیستی ارزش است، اکثریت مطلق مردم در آن قالب زندگی می‌کنند و حتی مسوولین مملکتی در تمام سطوح به آن احترام می‌گذارند و افراد فقیر به هیچ عنوان احساس غریبی نمی‌کنند. جنگ و وجود امام خمینی از مهم‌ترین

پایه‌های مشروعیتی نظام محسوب می‌شدند که این اهمیت نیز ناشی از بعد مذهبی آنها بود.» (۱۳۸۱: ۶۴ و ۶۵). وی در ادامه بر این باور است که: «در دهه نخست ساده‌زیستی مهم‌ترین نمود ارزش‌های حاکم بر جامعه بود و همه سعی داشتند در نهایت سادگی زندگی کنند، حتی کسانی که از ثروت و رفاه نسبی برخوردار بودند تظاهر به ساده‌زیستی می‌کردند.» (همان)

از نظر فرهنگی، فرهنگ اسلامی و به تبع آن ارزش‌های اسلامی جایگاه ویژه‌ای در میان ایرانیان داشت. «در چارچوب بحث فرهنگ در ایران می‌توان به سه نوع فرهنگ متمایز اشاره کرد که در کنار یکدیگر هویت ایرانی را می‌سازد: فرهنگ اسلامی، فرهنگ ملی، فرهنگ مدرن یا غربی. ارزش‌ها نیز به سه دسته ارزش‌های مذهبی، ارزش‌های ملی و ارزش‌های مدرن تقسیم می‌شوند. از بین این سه دسته ارزش، ارزش‌های مذهبی اهمیت فوق‌العاده‌ای دارند و ریشه اکثر ارزش‌های موجود در جامعه را می‌توان در دین و آموزه‌های دینی پیدا کرد.» (همان: ۷۵-۷۸)

در این دوره، شور و نشاط ناشی از انقلاب و پیروزی مردمی، روحیه‌ی انقلابی و اسلامی مردم را بیشتر کرده بود. باهنر در این باره می‌نویسد: »مردمی که در جریان تند انقلاب و در کوران و طوفان پرخروش آن قرار می‌گیرند، احساساتی برانگیخته و عواطفی پرشور دارند... برخورد تند با دشمن و بلاها و سرشکستگی‌ها و ظلم‌هایی که از دشمن به انسان رسیده و طعم زبونی‌ها و اسارت‌ها و خفقان‌ها و شکنجه‌هایی که از دست دژخیم دیده است، آنچنان خشم انسانّها را برانگیخته می‌کند که تمام نیروی نهانی بسیج می‌شود و تمام قدرتی که در ژرفای روح انسان‌ها نهفته است آشکار می‌شود...» (۱۳۷۴: ۲۲۰) به همین دلیل می‌توان این نفرت و کینه علیه دشمن و تشویق نیروهای رزمنده را در طول جنگ تحمیلی در میان اشعار شاعران برجسته این زمان مشاهده نمود. البته شایان ذکر است پدیده جنگ در اتحاد و همدلی مردم تاثیر بسزایی داشته است؛ چرا که مساله وطن و حفظ آن مطرح می‌شود و گاه حتی نیروهای خنثی و بی‌طرف نیز با نیروهای موافق، همسو می‌شوند. چنان‌که محمدی بر این باور است که «در اکثر انقلاب‌های بزرگ و موفق دنیا زمانی که مخالفین خارجی از انحراف و یا شکست انقلاب از طریق ایجاد تفرقه و حمایت و یا هدایت ضد انقلابیون داخلی مایوس شدند به یک برخورد نظامی مستقیم دست می‌زنند که البته در اکثر این برخوردها نتیجه معکوس کسب می‌کنند زیرا که جنگ خارجی موجبات انسجام جامعه و حمایت بیشتر از قدرت سیاسی جدید را فراهم آورده و فشار بر سیستم را کاهش می‌دهد.» (۱۳۷۰: ۵۲ و ۵۳)

از سوی دیگر، شرایط د اخلی جامعه و فشارهای ناشی از جنگ و تحریم، زندگی را برای مردمی که با اتکا به نیروی ایمان در مقابل دشمن ایستادگی می‌کردند، تا حدی دشوار و سخت کرده بود. درودیان شرایط جامعه در آن روزها را چنین بیان می‌کند: «گزارش‌های منتشره نشان‌دهنده افزایش مشکلات و سختی‌های روزافزون در زندگی قشرهای وسیعی از جامعه بود که عمدتاً از درآمد ثابت برخوردار بودند و در تامین مایحتاج خود، به ارزاق کوپنی و ارزان متکی بودند. درواقع، در دوران سخت بی‌برقی، جیره‌بندی بنزین، بازار سیاه کالاهای اساسی، افزایش قیمت‌ها و تورم؛ نیروهای داوطلب مردمی برای اجرای عملیات، جذب و سازماندهی می‌شدند.»(۱۳۷۶: ۱۷۱) اما «وقوع جنگ، رشد و گسترش دولت را به اشکال مختلف به همراه داشت. وزارت اقتصاد به منظور تأمین نیازهای اولیه مردم کالابرگ‌های سهمیه‌بندی [با نام کوپن] برای کالاهای اساسی صادر کرد، نظام نظارت بر قیمت‌ها را برقرار کرد، تعاونی‌های مصرف تشکیل داد و نهایتاً واردات به کشور را محدود کرد.» (آبراهامیان، ۱۳۸۹: ۳۰۸)

درواقع، شرایط سخت سیاسی و تحریم که از سوی دولتمردان کشورهای دیگر، ایران را تحت فشار قرار می‌داد، یکی از علل مهم نایاب شدن و یا کمیاب شدن کالاهای مورد نیاز مردم بود. درودیان درباره فعالیت‌های امریکا چنین می‌نویسد: «وزیر دفاع وقت امریکا با پذیرش تلویحی شکست امریکا در درگیری با ایران اعلام کرد: بهترین راه پایان بخشیدن به ستیزه‌جویی ایران، اجرای برنامه تحریم سازمان ملل در مراودات ایران است.» (۱۳۷۶: ۱۸۷). از سوی دیگر، امیراحمدی و پروین نیز درباره تاثیر شرایط سخت سیاسی بر زندگی مردم بر این باورند که: «تاثیرات بحران قیمت نفت، باعث وخامت بیشتر سطح زندگی ایرانیان و دسترسی کمتر به مواد غذایی کمیاب و کالاهای مصرفی شده بود.» (۱۳۸۱: ۲۱۰)

چنانکه پیش از این اشاره شد جنگ مانع از همکاری و همدلی مردم نگردید؛ بلکه حس میهن‌پرستی را در آن‌ها قوی‌تر نمود. درواقع «در دهه اول انقلاب مجموعه‌ای از نهادها برای تامین رفاه اجتماعی و عمومی جامعه به وجود آمدند. جنگ با عراق همانند بحران گروگانگیری در حکم نوعی تجدید قوای چشمگیر برای جمهوری اسلامی بود. این وقایع نوعی وضعیت اضطراری ملی به وجود آورد که در آن حتی افراد مردد نسبت به حکومت هم آماده پشتیبانی از دولت بودند، جنگ عملاً به یک نبرد انقلابی ملهم از مذهب و میهن‌پرستی تبدیل شد.» (آبراهامیان، ۳۰۸:۱۳۸۹)

در هر صورت با وجود تمام مشکلات سیاسی، اقتصادی و... در جامعه آن روزها، تحولات

عظیمی از جمله تحول فرهنگی به وجود آمد. از نظر فرهنگی، توجه به ارزش‌ها و آموزه‌های دینی و فرهنگ شیمی بیش از پیش گردید. روحیه ایثار و مقاومت در برابر سختی‌ها، جلوه آشکاری یافت که در ادبیات و به ویژه شعر این زمان می‌توان این مولفهّا را به وضوح مشاهده کرد. (به نقل از ایشانی، ۱۳۹۴: ۲۷-۳۲)

۲-۳. تبیین چند ویژگی ادبیات انقلاب اسلامی

پیدایش و رواج ادبیات انقلاب اسلامی در فرهنگ فکر و حوادث قبل از انقلاب ریشه دارد و نمی‌توان نویسندگان شاعران و مجموعه آفرینشگران آثار ادبی مربوط به انقلاب اسلامی را در دو طرف یک خط قرار داد و گفت ادیبان، نویسندگان و شاعران پیش از انقلاب و پس از انقلاب بلکه بسیاری از آنان هم پیش از انقلاب اثر ادبی آفریدند هم پس از انقلاب و در میان آنان چهره های زیادی را می‌توان یافت که هم پیش از انقلاب به طرفداری از آن به آفرینش آثار ادبی پرداختند و هم پس از آن از میان چهره ها می‌توان شاعرانی مانند طاهره صفارزاده، علی موسوی گرمارودی یا چهره های فرهنگی و ادبی و روشنفکرانی مثل استاد مطهری، استاد دکتر شفعیی کد کنی، دکتر شریعتی، استاد محمد رضا حکیمی و حتی کسانی مانند استاد محمدتقی جعفری و دیگران را یاد کرد. کسانی که نویسنده داستان یا متن های ادبی بودند و نیز، هم پیش و هم پس از انقلاب همسو با مبانی انقلاب اسلامی مطلب نوشتند از جمله پرویز خرسند و رضا رهگذر، گلاب دره ای ، سیروس طاهیاز، شمس آل احمد، میثاق امیر فجر و دیگران.

ادبیات فارسی در مقایسه با ادبیات سایر مللی که انقلاب داشته اند، تاثیر بیشتری از انقلاب اسلامی گرفته است. مثلا در انقلاب فرانسه، عمدتا ادبیات شفاهی و رخدادهای اجتماعی متاثر شده بود و در فرایند وقوع انقلاب و نهضت ادبیات چندان دگرگون نشد. ادبیات فارسی، پس از انقلاب اسلامی تحول اساسی یافت.

چند ویژگی مهم این ادبیات عبارتند از:

۱- پیوند با ادبیات کلاسیک و توجه به میراث های ادبی ایرانی و اسلامی

۲- بازآفرینی میراث های ایرانی و اسلامی در آثار نویسندگان نظیر دکتر علی شریعتی،

شهید مرتض مطهری، آیت الله طالقانی. برخی آثار و تعلیمات و آموزه های استاد محمد تقی جعفری، علامه طباطبایی ، استاد محمد تقی شریعتی و برخی آثار جلال آل احمد ، سمین دانشور، اشعار موسوی گرمارودی، شفعیی کدکنی ، طاهر صفارزاده و محمد رضا حکیمی؛ این آثار زمینه ساز پیروزی انقلاب و شکل گیری ادبیات انقلاب به شمار می آیند.

نویسندگان انقلاب ههم به مسائل اجتماعی توجه داشتند و هم به گنجینه های میراث های ادبی اسلامی نظر دوخته بودند و تقریبا باز خوانشی از میراث های اسلامی و انقلابی را عرضه و تدوین می کردند که هم جنبه میراثی داشت و هم انقلابی. یعنی در آثار ادبیات انقلاب، انقلابی بودن معارض و مخالف میراث داشتن نیست ، بلکه بر عکس معتقد است میراث ایرانی اسلامی از قرآن گرفته تا نهج البلاغه تا ادبیات کلاسیک از اشعار ناصر خسرو و حتی فردوسی، حافظ و دیگران به ویژه شاعران نسل انقلاب مشروطه ظرفیت و توانایی بالقوه تغذیه روح انقلابی و افرینش ادبیات انقلابی را دارد.

۳- زمینه و پیشنه های انقلاب ها و نهضت اجتماعی ادبی فرهنگی سیاسی و انقلابی ۱۵۰ ساله اخیر حتی شکست و تجربه های مربوط به رخدادها و جنگ های بزرگ و تخاضم هایی که در عرصه ایران رخ داده بود و طبعا در ادبیات فارسی عصر جدید و معاصر ایران باز تاب یافته بود، از قبیل جنگ های ایران و روس و پس از آن، قوام مراحل نهضت و جنبش و انقلاب مشروطیت و به دنبال آن مقاومت های انقلابی در برابر دیکتاتوری رضا شاه و در پی آن شکوفایی و سقوط جنبش ملی شدن و کودتای مجدد پسر رضا شاه و مقاومت های پیاپی جامعه در برابر دیکتاتوری محمدرضا شاه و قیام های مسلحانه . یا غیر مسلحانه در برابر آن به خصوص قیام امام خمینی در سال های ۴۱ و ۴۲ و رویش آثاری از جمله سرگذشت کندوهای آل احمد سو و شون دانشور، اشعار شاعران مبارز دنباله روی شعر مشروطیت و به دنبال آن نیما و اخوان و حتی بخش هایی از اشعار سهراب سپهری که در حقیقیت نشان دهنده نوعی ترس و وحشت از تکنولوژی، صنعت، قدرت و پناه بردن و به نوعی عرفان انزواگرا بود و در برابر آن عرفان انقلابی شفیعی کدکنی ، علی شریعتی و صفارزاده از این دست بروز و ظهور نمود ها و نمادهای هستند که خود به خود شکل گیری بخش عظیمی از پایه هایی از ادبیات انقلاب را رقم زده اند.

۴- تاثیر بلامنازع جنبش های انقلابی و نیز اعتراضی و تحول خواه جهانی در شکل گیری

ادبیات انقلاب اسلامی از جمله اصل رخداد و پیامدهای انقلاب فرانسه و ادبیاتی که مرتبط با آن پدید آمده بود مثل بینوایان ویکتور هوگو، یا آثار دیگر و در عرصه ادبیات جهانی که به نوعی مقاومت و ایستادگی را القا می کرد و الهام بخش انقلابیون ما بود.
مثل پیرمرد و دریا اثر همینگوی یا آثار مربوط به جنگ ویتنام و کوشش های تاریخی - ادبی اوریا نا فالاچی در کتاب زندگی، جنگ و دیگر هیچ، ادبیات اعتراضی روس و نو خواهی و تحول خواهی تولستوی، چخوف و ماکسیم گورکی و پوشکین و حتی برخی آثار آرمان خواهانه مثل جک لندن و آثار مر بوط به نهضت های جهانی مثل آثار گاندی و داستایوسکی مثل برادران کارامازوف.
۵- باز تاب رخدادهای عمیق پس از انقلاب اسلامی در ادبیات مثل آثار پدید آمده درباره جنگ و بر خلاف بسیاری انقلاب های جهان، به یک نظام عادی و متعارف تبدیل نشد، بلکه به صورت نظامی در حال تحول و مواجه با حوادث و رخداد های بزرگ در آمد. حتی حوادث قومی داخلی و درگیری و منازعات عقیدتی با چپهای کمونیسم یا برخی جریان های مسلحانه معارض و به ویژه تحمیل جنگ، عراق علیه ایران و پشتیبانی کشورهای دیگر از رژیم صدام و مخصوصا طولانی شدن جنگ به توسعه و گسترش بعد حماسی در ادبیات انقلاب اسلامی کمک کرد و از طرفی نویسندگان ادبیات بر آمده از جنگ، خواه به دلیل انعکاس مقاومت و روحیه شهادت طلبانه برای دفع تجاوز و دفاع از مهین و آرمان های انقلاب و خواه به دلیل جوهره زیبا شناسی و از ادبیات عاشورا و میراث های عرفانی ادبیات کلاسیک بهره گرفتند و ادبیات جنگ در پیوند با مباحث، آرمان ها و دغدغه های انقلاب ، به نوعی ادامه ادبیات انقلاب اسلامی واقع شد.

۲-۴ تعریف شعر انقلاب

شعر انقلاب اسلامی با ویژگی های محتوایی و درون مایه ای خویش شناخته می شود زیرا در این گونه شعر هیچ قالب شعری -اعم از قالب های کلاسیک و نو- تخطئه یا برجسته یا برتر از دیگر قالب ها شناخته نمی شود. شعر انقلاب اسلامی شعری است که در آن نگرش ها، ارزش ها ، باور ها و هنجار های اسلامی هم خوان با انقلاب اسلامی، مستقیم و غیر مستقیم حضور داشته و در عصر انقلاب اسلامی سروده شده باشد. پس مبتنی بر این تعریف باید دو عنصر یا مولفه کلیدی در شعر انقلاب اسلامی - هم زمان باشد تا شعر انقلاب

اسلامی نامیده شود.

۱- حضور ارزش ها و هنجار های انقلاب اسلامی مانند شهید و شهادت . عدالت خواهی ، ستم ستیزی، انسان دوستی، معنویت گرایی و ستایش ارزش ها و چهره‌های ارزش آفرین و ازرش گرای الهی - انسانی.

۲- در عصر انقلاب اسلامی، یعنی از سال ۱۳۴۲ به بعد (هم سو و همراه با نهضت امام خمینی و پیوست های آن) ، به طور عام، در عصر وقوع انقلاب اسلامی از سال ۱۳۵۷ تا کنون به طور خاص سروده شده باشد.

به دیگر زبان شعر باید چند ویژگی داشته باشد تا بتوان آن را شعر انقلاب اسلامی نامید:

- شعر باشد ، ویژگی های اصولی و اساسی و عناصر شعری را دارا باشد.
- نمود ها و نمادهای انقلاب اسلامی در آن باشد.
- ارزش ها و هنجار های اسلامی در آن باشد.
- در عصر انقلاب اسلامی سروده شده باشد.

گروه زبان و ادبیات فارسی دانشگاه پیام نور

۲-۵. شاعر انقلاب کیست؟

با پذیرش این تعریف از شعر انقلاب ، شاعر انقلاب نیز مشخص خواهد شد آیا می‌توان هر شاعری را که در عصر انقلاب شعر سروده است شاعر انقلاب نامید؟ آیا چند سروده در باب مقوله های انقلاب و باورها و ارزش های مقبول انقلاب برای شاعر انقلاب نامیدن کسی کافی است؟

برای پاسخ به این پرسش ها و معلوم کردن شاعر انقلاب، همان گونه که پیش تر بحث شد، از تفکیک دو مقوله «شاعر عصر انقلاب» و « شاعر انقلاب» ناگزیریم شاعر انقلاب الزاما شاعر انقلاب نیست، اما شاعر انقلاب اسلامی شاعر عصر انقلاب هست. بر این اساس، سرودهایی که در عصر پیش از انقلاب سروده شده اند و باارزش های انقلاب اسلامی همسازی، همخوانی دارند شعر انقلاب محسوب می شود. اما شعر انقلاب اسلامی تلقی نمی شوند.

گاه در همین دوره انقلاب شاعرانی، تحت تاثیر فضا و موقعیت سروده دارند که برخی نمودها و ارزش های انقلاب اسلامی را دربر دارند. مثلا هشت سال دفاع مقدس، شاعرانی به برخی مسائل جنگ از منظر عاطفی یا دلبستگی ملی نگریستند که صرف داشتن یک یا چند سروده این شاعران - که برخی شاعران نامدار پیش از انقلاب نیز بوده اند - هرگز همخوان با جهت گیری شاعران انقلاب و ارزش های انقلاب نبوده است.

پس عنوان "شاعر انقلاب" به شاعرانی اطلاق می شود که رویکرد و جهت گیری کلی آنان در عمده سرودهایشان در عصر انقلاب اسلامی (از سال ۱۳۴۲ تا وقوع انقلاب اسلامی به ویژه ۱۳۵۷ تا کنون) با ارزش ها، هنجارها، باور ها و مبانی انقلاب اسلامی سازگار هست.

چنین شاعری اگر سرودهایی داشته باشد که واجد درون مایه پیش گفته نباشد ، باز هم شاعر انقلاب اسلامی به شمار می‌آید و شعر او شعر انقلاب اسلامی است مشروط بر اینکه با هویتی که از او شاعر انقلاب اسلامی ساخته است مطلق و کامل- تاکید می شود، مطلق و کامل - فاصله نگرفته باشد. این تعریف تجویزی و دستوری نیست. که نوعی تعریف علمی و منطقی است.

با این مقدمات، اگر شاعر انقلاب سرودهایی عاشقانه، عارفانه محض، مطایبه، دوستانه فردی ، فلسفی و اجتماعی، طنزآمیز و ... داشته باشد، که در تلقی نخستین شعر انقلاب اسلامی انگاشته نشود شعر انقلاب اسلامی است و او شاعر انقلاب اسلامی محسوب می شود معنی این سخن این است که جغرافیای محتوایی و معنایی شعر انقلاب اسلامی بسیار گسترده است و همه گونه های شعری را در بر می گیرد و شاعر انقلاب را نباید شاعری انگاشت که فقط در وصف انقلاب و ارزش ها و باورها و موضوعات متداول متعارف انقلاب شعر بگوید و به اصطلاح شعر او «انقلابی» باشد.

این نکته نیز گفتنی است که شاعر انقلاب هر چند در زمینه های اجتماعی و عاطفی و عاشقانه، عارفانه، طنز، فلسفی و ... شعر بگوید، می‌توان با دقت و ژرف کاوی در شعر او تفاوت شعر او را با دیگر شاعران دریافت. زیرا جهان بینی و نگرشی و بینش شاعر انقلاب در همه سروده ها یش قابل رصد است و ژرف ساخت شعر او آیینه و ترجمان باور های اوست، هرچند مستقیم و صریح از مضامین و مسائل انقلاب اسلامی سخن نگفته باشد. صاحب نظران و نقادان ادبی مبتنی بر دانش نشانه شناسی می‌توان نشانه هایی را در شعر او صید کنند که گواه «شاعر انقلاب بودن» او باشد.

فصل سوم ادبیات داستانی دفاع مقدس

گروه زبان و ادبیات فارسی دانشگاه پیام نور

۳-۱. سیر رمان بعد از انقلاب اسلامی ۱۳۵۷

پس از انقلاب اسلامی و فروریزی نظام شاهنشاهی ادبیات معاصر ایران به تدریج چنان مشخصات بارزی می یابد که می توان از آن به عنوان آغاز یک دوره تازه ادبی سخن گفت. دوره ای که ضمن داشتن پیوند با سنت داستان نویسی ایرانی رو به صناعت های نوین نگارش و مضمون های جدید دارد. تغییر نحوهٔ دیدن نسلی که از آتش انقلاب و جنگ و تبعات سیاسی و اقتصادی آنها گذشته است سبب تغییر حساسیت های ادبی می شود. همین تغییرهاست که ادبیات یک دوره را از ادبیات دیگر دوره ها متمایز می سازد. از همین دوره می توان از شکل گیری ادبیاتی با عنوان ادبیات انقلاب اسلامی یاد کرد. (میرعابدینی، ۱۳۷۷: ۱۷۰)

تعریف ادبیات داستانی دفاع مقدس

هر چند پیشینهٔ داستان نویسی در ایران به پیش از اسلام باز می‌گردد و در هزارهٔ درخشان ادبی موجود تا روزگار ما، داستان‌های منظوم و منثور چون شاهنامه، کلیله و دمنه، مرزبان‌نامه، خسرو و شیرین، مثنوی معنوی، ویس و رامین و منطق الطیر عطار و هزار و یک شب فراوان‌اند اما داستان نویسی به شیوه و سبک جدید در ایران متأثر از غرب است و عمری کم‌تر از یک صد سال دارد.

یکی از شاخه‌های ادبیات داستانی، ادبیات جنگ است که عمری به قدمت تاریخ انسان دارد، زیرا هیچ ملت و جامعه‌ای در تکوین و بقای خود به دور از ستیز و جنگ نبوده است و به قول فردوسی:

چنین بود تا بود گردون سپهر گهی جنگ و زهر است و گه نوش و مهر

در ادبیات جهانی، روایت جنگ نخست در هیئت سنگ نگاره‌ها چهره نمود و پس از آن بسیاری از آثار بزرگ ادبی یا مستقیماً داستان نبرد و جنگ است یا غیر مستقیم بدان پرداخته است؛ ایلیاد و ادیسه هومر یونانی و انه اید و برژیل رومی (ایتالیای امروزی) و رامایانا و مهابهارات هندی، رلاند فرانسوی و بهشت گمشده‌ی میلتون از آن جمله‌اند.

در ادبیات جهانی قرون اخیر بخشی از برجسته‌ترین آثار به ادبیات داستانی جنگ اختصاص دارد که از آن جمله «جنگ و صلح» لئون تولستوی، «دن آرام» میخاییل شولوخف روسی،

«وداع با اسلحه» و «زنگ‌ها برای که به صدا در می‌آید» ارنست همینگوی امریکایی، «رنگین کمان قوه جاذبه» از توماس پینچون انگلیسی، «خاموشی دریا» از ورکور فرانسوی و «در جبهه‌ی غرب خبری نیست» از اریش ماریا مارک آلمانی را می‌توان نام برد (سنگری، ۱۸۸:۱۳۸۹).

هر دوره‌ای، بازتاب آراء و عقاید و سرنوشت و امیدها و آرزوها و مشکلات مردم آن دوره است. ادبیات مقاومت، عموما در شرایط حساس اجتماعی و تاریخی به وقوع می‌پیوندد. یکی از مسائل مهم منعکس شده در ادبیات داستانی معاصر ایران، جنگ هشت ساله‌ی تحمیلی است. ادبیات تاریخ پنهان مردم است و در آن تنها به ظاهر اتفاقات پرداخته نمی‌شود. ادبیات داستانی بیان درونی شده مسائل تاریخی و اجتماعی است و هر پدیده‌ای را به صورت جزئی بیان می‌کند.

ادبیات داستانی دفاع مقدس نیز، پاره‌ای از این موشکافی‌ها و دقت در لایه‌های اندیشه‌ای و اجتماعی است که بازتاب به موقع حادثه‌ای مهم است ـ انقلاب اسلامی، مشروطیت ، ملی شدن نفت ـ مسائل مهمی در ادبیات دفاع مقدس می‌باشند که مایه‌ی الهی شدن و انسانی شدن این نوع شده‌اند. در این ادبیات، کم‌تر به مسائل ظاهری و یا چگونگی مبارزه پرداخته شده است و بیش‌تر دلایل مبارزه مطرح بوده است. این مسائل، هویّت خاصی به ادبیات داستانی دفاع مقدس بخشیده است. به جز برخی رمان‌های نخستین که بیش‌تربازگوکننده مظلومیّت ملت ایران و بی‌رحمی‌ها و خشونت‌های دشمن است، سایر رمان‌ها بیش‌تر بیان هویّت قدسی رزمندگان است. این مهم بیش از هر چیز در سیمای شخصیّت‌های داستانی و به ویژه شخصیّت‌های اصلی هویدا است.

در مجموع مضمون‌های زیر در ادبیات داستانی دفاع مقدس از آغاز تا کنون قابل بررسی است:

الف) رشادت و ایثار: در فضای داستان‌های دفاع مقدس، پاکبازی، از خود گذشتگی و فداکاری موج می‌زند. معمولاً این ایثارها به باورها و اعتقادات رزمندگان به ویژه «سرمشق بزرگ عاشورا» گره می‌خورد.

ب) شهید و شهادت و اسارت: یکی از رایج‌ترین مضامین ادبیات داستانی هستند که گاه داستان حول محور آن‌ها شکل می‌گیرد؛ شهادت همرزمان یا اسارت آنان و پیامدها و بازتاب‌های آن در بسیاری از داستان‌ها طرح و پیرنگ داستان محسوب می‌شود.

ج) تضاد جبهه و فرهنگ شهر (نوستالوژی جنگ): وطن مألوف در این داستان‌هاجبهه است و

شخصیت‌ها در این داستان‌هااز تضاد بین زندگی شهر و زیستن جبهه‌ای در رنج‌اند و در آرزوی بازگشت به جبهه‌اند. این ویژگی در شعر دفاع مقدس به ویژه در سروده‌های سال‌های ۶۵ تا ۷۵ نیز بسیار بارز و چشم‌گیر است و در داستان‌ها یکی از محورهایی است که داستان حول آن شکل می‌گیرد.

د) آسیب‌های اجتماعی ـ روانی: در این داستان‌ها، بازتاب خبر شهادت، اسارت یا جانبازی به مادران، همسران یا فرزندان، بازتاب مهاجرت و آسیب‌های مهاجرت و در بدری، تأثیر ویرانی، قتل عام و کشتار مردم و اشغال و حملات شهری از مضامین پرکاربرد هستند.

ه) بمباران و موشک باران: موضوعی است که نویسندگان داستان به آن و تبعات آن مانند اضطراب و ترس و ضایعات روانی مردمی پرداخته‌اند.

و) موج گرفتگی: موضوع موج‌گرفتگی هم تکیه گاه توضیح وضع دردناک رزمندگان و هم فرصتی برای ورود به زوایای روح رزمندگان و طرح دلتنگی‌ها و غربت زدگی آنان است.

مسائل خانوادگی و خانواده‌های رزمندگان: موضوع مشکلات ازدواج، مسائل پس از جانبازی یا اسارت ، ارتباط مردم با جانبازان و... در ادبیات داستانی جنگ، نمودو ظهور جدی دارد. گاه مسائل اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی رزمندگان، جانبازان و آزادگان نیز موضوع داستان است.

ضد جنگ: تردیدی نیست که ادبیات دفاع مقدس در ذات خود «ضد جنگ» است، چرا که مفهوم «دفاع» نفرت و پرهیز از جنگ و تلاش برای «رهایی از جنگ» است، اما مفهوم ضد جنگ در این مقال، به داستان‌هایی اطلاق می‌شود که نویسندگان آن‌ها، نقطه‌ی مقابل یا لااقل متفاوت نویسندگان ستایشگر قرار می‌گرفتند و بیش‌تر به جنبه‌های منفی می‌پرداختند. این گونه داستان‌ها در سال‌های دهه‌ی ۸۰ بیش‌تر دیده می‌شود (سنگری، ۱۹۲:۱۳۸۹).

زیربنای مقاومت رزمندگان

در رمان دفاع مقدس وحدت ملت بر اساس ارزش‌های دینی و تاریخی و حادثه‌ی انقلاب اسلامی است. این مایه زیربنای مقاومت رزمندگان است. زادگاه ادب مقاومت در بستر حوادث است و معمولا ناهمزیستی و مبارزه‌ی مردمی با استبداد داخلی یا هجوم خارجی در گسترده‌ترین شکل آن در بین پیروان یک مکتب و مذهب یا ملت به وجود می‌آید (کمری، ۴۵:۱۳۷۳).

دین اسلام مایه وحدت و پیروزی در دفاع مقدس بوده است. پیروزی در نظر رزمنده، غلبه بر دشمن نیست. بر نفس و عمل به تکلیف است و پیروزی بر دشمن فرع بر آن است. از این رو

در رمان دفاع مقدس هیجانات ظاهری و صحنه‌های تلخ و خشن، کم‌تر محور قرار گرفته‌اند و اصل بر اهداف دینی (مبارزه به خاطر اسلام، باور به عالم غیب، شهادت طلبی، الگوگیری از تاریخ اسلام به ویژه عاشورا) است:

یاران: «نمیذارم خون شهیدانمان پایمال بشه. این وظیفه‌ی همه است. باید تا آخرین قطره‌ی خونمان بجنگیم» (زمین سوخته، ص۱۷۹) (امیری خراسانی و حسن پور، ۳۵:۱۳۸۹).

مردمی بودن مبارزه

انقلاب اسلامی، ملتی را بر اساس باورهای دینی انقلاب انسجام و اتحاد بخشید و رهبری امام نیز این وحدت را محکم‌تر کرد. این مهم باعث حضور داوطلبانه‌ی مردم در جبهه‌های نبرد شد؛ چنان‌که رمان‌های جنگ کم‌تر حالت نظامی خالص و صِرف دارد و مبارزان از هر طبقه، قشر و منطقه‌ای هستند، بیش‌تر با عنوان امّتی اسلامی در برابر دشمن می‌ایستند. اگرچه جوان‌ها بیش‌تر توان مبارزه دارند، ولی اشتیاق مبارزه، خاص آنان نیست. این نکته، شاخه‌ی فرعی دیگری نیز دارد و آن مخالفت با دیگر انسان‌های بی‌تفاوت و بی‌توجه به جنگ است. مردم خواهان وحدت‌اند و از کسانی که جنگ را بهانه‌ای برای رسیدن به سرمایه داری و زر اندوزی قرار داده‌اند؛ بیزاری می‌جویند. حضور مردم، هم با انقلاب اسلامی و هم بارهبری امام پیوند دارد و جامعه‌ی انقلابی را نشان می‌دهد. ناصر در «سفر به گرای ۲۷۰ درجه» یک دانش آموز است و دیده بان در «شطرنج با ماشین قیامت» یک بسیجی نوجوان است (امیری خراسانی و حسن پور، ۳۷:۱۳۸۹).

جهاد توأم با عرفان مبارزان (عرفان جامعه)

رزمندگان، هویّتی دینی و مردمی دارند و با حال و هوایی عاشقانه می‌جنگند. مبارزه برای رزمنده در ظاهر هر جنگ خلاصه نمی‌شود. مبارزه در سطح ظاهری بر اساس تکلیف جهادی و اجتماعی است و در باطن بر اثر شوق و اشتیاق درونی به تهذیب نفس و معامله با خالق است. رزمنده جامع جهاد و عرفان است. او در لایه‌های ظاهری جنگ متوقّف نمی‌شود. نبرد او بر اساس توکّل و شوق به وصال است. جنگ برای او هدف نیست و هدف اصلی و قلبی، وصلی عاشقانه است.اما در جنگ تحمیلی هدفی دیگر وجود داشت که عشق به میهن و دفاع از ناموس و شرف و دین و آئین را نه که بی‌قدر کند بلکه بی‌رنگ می‌کرد و آن رضای خدا بود (مؤذنی، ۴۷۵:۱۳۷۳).

در نظر فرد عاشق، هیچ چیز برتر از وصال معشوق نیست و رزمنده‌ی عارف دفاع مقدس، اگر

چه در عرصه‌های تاریخی و اجتماعی فعال است، ولی از هدف مهم‌تر باز نمی‌ماند و عشق و عرفان مبنای حرکت اوست. آن‌چه از قرآن کریم استنباط می‌شود، این است که روحیه‌ی جهادی و حماسی، با اعتقاد و گرایش عرفانی هماهنگی و همسویی کامل دارد، زیرا در قرآن، روحیه‌ی حماسی جهادی نشأت گرفته از روحیه‌ی عرفانی است (قبادی، ۲۸۱:۱۳۷۳).

شهادت طلبی، یکی از جلوه‌های دیگر عرفان جامع است. این مسئله با هویّت دینی مبارزان و عرفان سرخ برگرفته از حادثه عاشورا در ارتباط است و توجه نویسندگان دفاع مقدّس را به مسائل روز و کشمکش متناسب با درون افراد در جهان معاصر، نشان می‌دهد.

معناپردازان واقعه‌ی عاشورا غالبا نگرش عرفانی به این حادثه را یکی از قرائت‌ها خوانده‌اند (کافی، ۳۰۷:۱۳۸۶). عرفان، باعث توجه به حالات درونی و معنوی رزمندگان می‌شود و از پرداختن به جنبه‌های صرفا نظامی و جنگی دور می‌دارد.

بیشتراوقات این حالت عرفانی در رابطه‌ای دوستانه جاری است و این ارتباط باعث تکامل معنوی می‌گردد. در رمان «شطرنج با ماشین قیامت» اثر حبیب احمدزاده، دیده‌بان سیر و سلوک معنوی خود را می‌گذراند و به تکامل می‌رسد و در این میان رابطه‌ی او با قاسم و نوع اتّفاقات، تداعی رابطه‌ی موسی و خضر و بیان مسئله‌ی صبر و توکّل است. دیده‌بان، با از دست دادن دیده‌ی ظاهری، به دیده‌ی باطنی دست می‌یابد. این مسئله، با نمادهای رمان مانند ساختمان هفت طبقه، مهندس (نماد علم‌گرایی و ظاهرپرستی)، گیتی نماد گناه و شر و دوربین و به ویژه بی سیم او که همیشه مبشّر حال و هوایی معنوی است، تکمیل می‌شود (امیری خراسانی و عسگرپور، ۳۹:۱۳۸۹).

وحدت و همدلی مبارزان

مبارزه در سایه‌ی وحدت در برابر دشمن، بر اساس عقیده واحد و نیز هویت عرفانی و عشق به خدا و بندگان او و روحیه‌ی تسامح و صفای قلبی باعث شده است، رزمندگان، رفتاری برادرانه و عاشقانه با هم داشته باشند و فضای جبهه، حالت قدسی و معنوی به خود بگیرد. وحدت نظر و عقیده، شوق همکاری برادرانه به رزمندگان بخشیده است. این هویّت صادقانه و دوستانه فرصت توجه به مشکلات را نمی‌دهد و بیش‌ترحال و هوایی معنوی و دوستانه و اخوانی حاکم است؛ آن‌چه در رابطه‌ی عرفانی نیز به وضوح در ارتباطی دو سویه وجود دارد.

در آثار دفاع مقدس به ندرت داستان‌هایی دیده‌ایم که جنبه‌های منفی جنگ را که تخریب و ویرانی و جنایاتی است که در جنگ رخ داده، منعکس کند. تمام نگرش‌ها به این سمت و این

جنبه از جنگ بود که قداستی در آهن وجود داشته است (حسن بیگی، ۲۷۶:۱۳۷۸).

دوستی‌های جبهه، عاشقانه و بی غرض است و در عین جنگ، فضایی مهربانانه و قدسی می‌آفریند و جبهه نقشی در پیوند عاطفی بین رزمندگان دارد. این مسئله در رمان «سفر به گرای ۲۷۰درجه» در رابطه ناصر با علی وجود دارد.

«علی بر می‌گردد طرفم و چشم می‌دوزد تو چشم‌هایم. می‌مانم او بیاید در آغوشم بگیرد. عینهو کودکی هستم که احتیاج به نوازش دارد. سرم را تکیه می‌دهم به شانه‌اش» (سفر به گرای ۲۷۰ درجه، ص۲۰) (امیری خراسانی، عسگرپور،۴۱:۱۳۸۹).

۳-۲. شاخصهٔ اصلی دفاع مقدس با تأکید بر حوزهٔ ادبیات داستانی دفاع مقدس

پیروزی در دفاع مقدس تنها با تکیه بر سلاح و امکانات مادی و دنیوی نبود، بلکه شاخصه‌ی اصلی و عامل مهم این رستاخیز نظامی قرن، اعتقاد قلبی و ایمانی مردم و رزمندگانی بود که با تمام توش و توان خود، کوشیدند تا ننگ اسارت و حقارت را از چهره‌ی تاریخی خود و کشور خویش بزدایند. آن‌ها با تکیه بر مبانی دینی و اعتقادی خود، به ویژه پیروی از الگوهای همیشه جاوید تاریخ خود، همچون انبیاء و اولیاء و اوصیاء و بخصوص قیام خونین عاشورا، توانستند شاهکار دفاعی قرن را رقم بزنند و برای همیشه ثابت کنند ملتی که شهادت را افتخار می‌داند، همیشه پیروز است (امیری خراسانی و عسگرپور، ۴۳:۱۳۸۹).

نخستین آثار داستانی که در این زمینه نوشته شد جنبه گزارشی داشت مانند لحظه های انقلاب اثر محمود گلابدره ای، یا گام به گام با انقلاب از اکبر خلیلی که خاطرات نویسندگان آن ها از ایام انقلاب است. آثار متعددی نیز با جنبه استنادی در افشای سیاه کاری های رژیم شاه پدید آمد. آنگاه نویسندگانی مانند ناصر ایرانی،□□اسماعیل فصیح، احمد محمود، محسن مخملباف، قاسمعلی فراست، جواد مجابی، رضا براهنی و... به موضع گیری نسبت به انقلاب در قالب رمان پرداختند.

در سال ۱۳۵۸ حوزه اندیشه و هنر اسلامی به کوشش جمعی از شاعران و نویسندگان تشکیل شد که بر نقش دین در هنر و ادبیات تاکید داشت و داستان نویسان تازه ای تربیت کرد□ این

نویسندگان با شروع جنگ تحمیلی در پایان تابستان ۱۳۵۹ ادبیات جنگ را پدید آوردند. مجموعه داستان های دو چشم بی سو (۱۳۶۳) نوشته محسن مخملباف و شش تابلو (۱۳۶۰) اثر عبدالحی شماسی، داستان بلند مرغ آمین (۱۳۶۰) از سیروس طاهباز و زمین سوخته (۱۳۶۳) اثر احمد محمود را می توان از نخستین آثار ادبیات جنگ دانست. از سال ۱۳۵۹ نوشتن داستان در مورد انقلاب کاستی گرفت و نگارش داستان در مورد جنگ آغاز شد که در سال ۱۳۶۹ به اوج خود رسید در طی این دهه نزدیک به ۱۶۰۰ عنوان داستان کوتاه در مجلات و مجموعه داستان ها و □□□ رمان و داستان بلند انتشار یافت تقریباً هیچ نویسنده ای نسبت به جنگ و پی آمدهایش بی تفاوت نماند به طوری که از ۱۳۵۹ تا ۱۳۷۳ بیش از ۲۵۸ نویسنده از زندگی روزانه در جبهه ها «عملیات نظامی» شکنجه در بازداشتگاههای دشمن «آشفتگی زندگی در مناطق غیرنظامی» جنگ شهرها و کشته ها و ویرانیها «آوارگی مردم جنگ زده» و تعارضهای پدید آمده میان مهاجران و مردم شهرهای مهاجر پذیر نوشتند (همان)□

بدین سان آثار گوناگونی در زمینه جنگ و انقلاب پدید می آید مثل باغ بلور (۱۳۶۵) محسن مخملباف، ریشه در اعماق(۱۳۷۳) ابراهیم حسن بیگی، نخلهای بی سر (۱۳۶۳) و گلاب خانم (۱۳۷۴) قاسمعلی فراست، عشق سالهای جنگ(۱۳۷۳) حسین فتاحی، قاصدک (۱۳۷۱) و ملاقات در شب آفتابی (۱۳۷۴) علی مؤذنی،□□ترکه های درخت آلبالو (۱۳۶۸) اکبر خلیلی، زمستان ۶۲ (۱۳۶۶) اسماعیل فصیح، عروج (۱۳۶۳) ناصر ایرانی، خواب های تلخ عمران (۱۳۷۰) سید یاسر هشترودی، دوشنبه های آبی ماه (۱۳۷۵) محمدرضا کاتب، پل معلق (۱۳۸۱)□محمدرضا بایرامی، فال خون داوودغفارزادگان، سفر به گرای ۲۷۰ درجه (۱۳۷۵)□احمد دهقان، گنجشک ها بهشت را نمی فهمند (۱۳۷۶) حسن بنی عامری، دل دلدادگی (۱۳۷۷) شهریار مندنی پور، شعله ها در آب (۱۳۷۸) مرتضی مردیها، ارمیا (۱۳۷۴) رضا امیرخانی و هلال پنهان ماه (۱۳۷۷) علی اصغر شیرزادی و آثاری از نویسندگانی چون سید مهدی شجاعی فیروز زنوزی جلالی و دیگران□

در بررسی ادبیات انقلاب اسلامی نیز آثاری منتشر شده است به سوی داستان نویسی بومی (۱۳۷۶) عبدالعلی دستغیب، تفنگ و ترازو(۱۳۸۰)□بلقیس سلیمانی، درآمدی بر خاطره نویسی و خاطره نگاشته ها در گسترده ادب مقاومت و فرهنگ جبهه اثر علیرضا کمره ای، نیم نگاهی به هشت سال قصه جنگ(۱۳۷۰) رضا رهگذر□□

ادبیات جنگ طی دو دهه ای که از عمر آن گذشته تغییرات صناعی و مضمونی گوناگونی را

از سرگذرانده است پژوهش در آنها از نظر اجتماعی و ادبی واجد اهمیت است. در دو دهه اخیر رمان ها و مجموعه داستان های متعددی منتشر شده است که نشان از روی آوردن بخش عمده ای از جامعه روشنفکری به دیگر حوزه های ادبیات دارد. تحولات اجتماعی و روان شناختی غربت روحی و تنهاتر شدن انسان ها در سیر پر اضطراب زندگی امروز افزایش باسوادان تمایل عمومی به ادراک عمیق تر مسائل و رشد کتاب خوانی باعث افزایش خوانندگان ادبیات ایران شد پیش از انقلاب قشر خواننده عمدتاً محدود به دانشجویان و روشنفکران بود.اما در این سال ها گروه های اجتماعی متنوع تری به داستان خوانی روی آورده اند. گروهی رمان را برای سرگرم شدن می خواند از این رو نویسندگان بسیاری به نوشتن رمان های عامه پسند روی آورده اند. ادبیات اقلیمی و روستایی نیز از دیگر مضامین ادبیات داستانی در این دهه هاست. (همان)

از چهره های شاخص داستان نویسی در سه دهه اخیر می‌توان از افراد ذیل نام برد: رضا براهنی: رازهای سرزمین من (۱۳۶۶)، محسن مخملباف: باغ بلور (۱۳۶۵)، منیرو روانی‌پور: اهل غرق (۱۳۶۸) و دل فولاد (۱۳۶۹). احمد آقایی: چراغانی در باد (۱۳۶۸)، شهرنوش‌پارسی پور: طوبا ومعنای شب (۱۳۶۷)، اسماعیل فصیح: ثریا در اغما (۱۳۶۲) و زمستان۶۲ (۱۳۶۶) و مجموعه قصه‌های نمادهای دشت مشوش (۱۳۶۹) و عباس‌معروفی: سمفونی مردگان در سال ۱۳۷۲، ابراهیم یونسی که در ترجمه، چهره سرشناسی است، رمان گورستان غریبان را ـ که بیان گوشه‌ای از تاریخ مبارزات مردم مناطق کردنشین است ـ عرضه می‌کند و اسماعیل فصیح با سه رمان، فرار فروهر (۱۳۷۲)، باده‌کهن (۱۳۷۳) و اسیر زمان (۱۳۷۳) همچنان پرکار می‌نماید.

رمان رژه بر خاک پوک (۱۳۷۲) اثر شمس لنگرودی و مجموعه قصه قابل توجه یوز پلنگانی‌که با من دویده‌اند (۱۳۷۳) نوشته بیژن نجدی و رمان آزاده خانم نوشته رضابراهنی قابل ذکرند.

در سالهای پس از جنگ، با تغییر فضای اجتماعی – روحی، تلقی نویسندگان از وظیفه ادبیات دگرگون می شود. پژوهش در صورت (فرم) و زبان و خیال ورزی بر نظریه پردازی ترجیح داده می شود.خیال پردازی های عرفانی – اساطیری، عشق و خاطره، قهرمانان این داستان ها در جستجوی مرادی عارفند تا کابوس هایشان را تسلی بخشد

مسائل اجتماعی امروز مضمون های جدیدی را پیش روی نویسندگان قرار داده است، و آنان

برای آنکه از عهده پرداخت این مضامین برآیند، در پی دستیابی به زبانی غنی تر و صناعت هایی کارآمدترند و همین امر ادبیات داستانی امروز را واجد خصلتی جستجوگرانه کرده است. در این میان باید از طیفی نسبتا وسیعی از نویسندگان نام برد که با نگاهی جدید و سنت شکن به رمان و وارد نمودن مفاهیم دینی و انقلابی، تعداد قابل توجهی رمان خلق کردند که ازجمله آنان می‌توان به اختصار موارد زیر را نام برد: نور الدین آزاد با همزاد، راز ناشناس، کشتی شکسته، نادر ابراهیمی با آتش بدون دود و سه دیدار با مردی که از فراسوی باور ما آمد، حبیب احمد زاده با شطرنج با ماشین قیامت، جواد افهمی با سوران سرد، رضا امیر خانی با رمان های ارمیا، از به، من او ، بیوتن و قیدار، میثاق امیر فجر با نغمه در زنجیر و ورقاء، ناصر ایرانی با راه بی کناره، رضا بایرامی با مردگان باغ سبز، بر لبه پرتگاه، کوه مرا صدا زد، فصل درو کردن خرمن ، صدای پای جنگ و عقاب های تپه ۶۰، احمد بیگدلی با اندکی سایه، شبی بیرون از خانه، من ویران شده ام و زمانی برای پنهان شدن، راضیه تجار: نرگس ها، زن شیشه ای، هفت بند، کوچه اقاقیا، منیژه جانقلی با در جستجوی من، در آغوش اهریمن، ابراهیم حسن بیگی با سفر به اعماق و سالهای بنفش، فرخنده حق شنوبا من بی تصویر و کابوس، احمد دهقان با سفر به گرای ۲۷۰ درجه، مجتبی رحمان دوست با مسافر، محمد رودگر با دیلمزاد، فیروز زنوزی جلالی با قاعده بازی، نعمت الله سلیمانی با نخل ها و آدم ها ، احمد شاکری با عریان در برابر باد و انجمن مخفی، سید مهدی شجاعی با طوفانی دیگر در راه است و اندکی دیرتر، اکبر صحرایی با پرونده ۳۱۲، شمشاد و آرزوی چهارم و کاش کمی بزرگتر بودم، محمد علی علومی با آذرستان، پریباد، سوگ مغان، داوود غفار زادگان با فال خون و اعترافات، حسین فتاحی با فصل کبوتر و عشق سال های جنگ، قاسمعلی فراست با نخل های بی سر، امیر حسین فردی: سیاه چمن، اسماعیل، گرگ سالی و آشیانه در مه، مجید قیصری با باغ تلو و ضیافت به صرف گلوله، محمد رضا کاتب با هیس، دوشنبه های آبی ماه و آفتاب پرست نازنین، محمود گلابدره ای با لحظه های انقلاب، اسماعیل، محمد علی گودینی با تالار پذیرایی، حسین مرتضوی کیاسری با پری روی و توت سرخ، مصطفی مستور با روی ماه خدا را ببوس، مریم مقانی با عشق آبی، بر درخت شیطان و ساعت به وقت شیطان، علی موذنی با سفر ششم، ظهور، مأمور، نه آبی نه خاکی و ارتباط ایرانی. با این همه رمان نویسی در ایران با عمر کمی بیش از صد سال در مقایسه با رمان نویسان روسی و اروپایی در ابتدای راهی طولانی قرار دارد به ویژه اگر مقصد، دست یافتن به زبانی جهانی برای بازتاب تفکر

نویسندگان این سرزمین در قالب رمان باشد. (شکردست، ۱۳۹۴)

گروه زبان و ادبیات فارسی دانشگاه پیام نور

۳-۳.بحثی درباره عنوان‌شناسی (ادبیات دفاع مقدس) جنگ و ...

۱- ادبیات جنگ: صرف‌نظر از کسانی که با تسامح یا برای پرهیز از اطناب از این تعبیر برای این مفهوم استفاده می‌کنند، معمولاً دو دسته‌ی دیگر که در تضاد فکری با یکدیگر قرار دارند، از این عنوان بهره می‌گیرند:

الف: گروهی که تحت تاثیر نویسندگان بعد از جنگ جهانی اول و دوم دست به قلم بردند و با پشت پا زدن به احساسات ملی و میهنی، تنها از زشتی‌ها و تلخی‌های جنگ نوشتند و دیدگان‌شان را بر روی حقایق دیگر جنگ، خصوصاً فداکاری‌های صادقانه و خالصانه‌ی عموم مردم کاملاً بستند؛ غافل از آن‌که آن نویسندگان اروپایی به دلیل مقصر بودن حکومت متبوع‌شان در برافروختن شعله‌های جنگ و تجاوز به کشورهای همسایه به چنین رویکردی رسیده بودند و حتی با خویشتن‌داری از بیان این واقعیت‌های دردآمیز در زمان نبرد، تنها سال‌ها بعد از فروکش کردن شراره‌های جنگ به نوشتن چنین داستان‌های واقع‌گرایانه و طبیعتاً تلخ و تکان‌دهنده درخصوص این‌گونه جنگ‌های بی‌حاصل و سامان‌برانداز دست زدند.

جالب اینجاست که برخی از نویسندگان کم‌حوصله و تندمزاج کشور ما بعد از آن‌که سازمان ملل نتوانست آن همه اسناد زنده و محکم را که نشان از تعدی آشکار عراق علیه ایران داشت، نادیده بگیرد و با وجود همه‌ی فشارهای قدرت‌های جهانی، عراق را متجاوز اعلام کرد، آنها با انفعالی شرم‌آگین آرزو کردند که ای کاش ما هم از مردم عادی و عامی عقب نمی‌ماندیم و کمی فکورانه‌تر به ارزیابی و تحلیل منطقی موضوع جنگ و خلق آثار درباره‌ی آن می‌پرداختیم.

ب: عده‌ای دیگر که ضمن پذیرفتن دفاعی بودن مخاصمه از سوی ایران، ادبیات مربوط به آن را از نظر زمانی به دو دوره‌ی مجزا با مؤلفه‌ها و عناصر تعریف‌شده‌ی مشخص تقسیم می‌کنند:

۲- ادبیات داستانی جنگ، که حد فاصل زمانی آن از آغاز جنگ؛ یعنی سی و یکم شهریورماه، ۱۳ تا پایان آن‌که بیست و هفتم تیرماه ۱۳۶۷ است و دارای ویژگی‌های خاص خود می‌باشد.

۳- ادبیات داستانی جنگ و دفاع مقدس، که بعد از پذیرش قطع‌نامه و برقراری نسبی آتش‌بس خطوط تماس، با خصوصیات و نشانه‌های ویژه‌ی خود پا به عرصه‌ی وجود گذاشت.

صاحبان این دیدگاه عنوان «ادبیات داستانی جنگ و دفاع مقدس» را مناسب‌ترین گزینه برای نام‌گذاری بر این نوع و گونه‌ی ادبی می‌دانند و مرحوم حسن حسینی نیز این نوع نگاه را مقدمه‌ی کتاب «گزیده‌ی شعر جنگ و دفاع مقدس»- البته درباره‌ی شعر، نه ادبیات داستانی- تئوریزه کرده است.

یادآور می‌شوم که در این عبارت منظور از جنگ، همان جنگ تحمیلی عراق علیه ایران است.

۴- ادبیات داستانی جنگ تحمیلی: که با پذیرش عام‌تر و فراگیرتری روبه‌روست، اگرچه بسیاری بر این باورند که اساساً آنچه از ناحیه‌ی ما صورت گرفته، فقط دفاع بوده و از آنجایی که هر چه رنگ دفاع به خود بگیرد، به عملی مقدس تبدیل می‌شود، از این رو این عنوان بار معنایی لازم و کامل را برای ادبیات خلق شده در این موضوع و مفهوم در خود ندارد.

نکته‌ی شنیدنی در این خصوص اینجاست که شبه‌روشنفکرانی که از همان ابتدا بدون هیچ قید و شرطی این جنگ را مطرود قلمداد می‌کردند، تحمیلی بودن آن را به شکلی خاص پذیرفته بودند، آن هم به این صورت که این جنگ از سوی حاکمیت ایران و عراق بر آنها به عنوان یک شهروند بی‌طرف تحمیل شده و تمام آرامش و آسایش زندگی آنها را بر باد داده است!

۵- ادبیات داستانی دفاع مقدس: که تامین‌کننده‌ی نظر عموم اولیای فرهنگی و دستگاه‌های مرتبط با موضوع و غالب افرادی است که معتقدند دفاع، آن هم در برابر تجاوز ایجاد حق می‌کند و وقتی پای حفظ عزت و شرف و دین و میهن به میان آید، عمل کسانی که برای حفظ این عناصر حیاتی و سرنوشت‌ساز به مقابله با دشمن برمی‌خیزند، تقدس و طهارت می‌یابد و به همین خاطر است که بر چنین صفتی برای این نبرد پای می‌فشرند؛ اگرچه برخی معتقدند که با کشیدن هاله‌ای از قداست به گرد این‌گونه‌ی ادبی درواقع آن را به یک «تابو» بدل می‌کنیم و مانع نقد و تحلیل جدی و حتی شاید نزدیک شدن به آن می‌شویم، اما مدافعان این نام‌گذاری معتقدند که این تقدس، نسبی است و هیچ منع و مزاحمتی برای اظهار نظر، بررسی و واکاوی آن از سوی افراد اهل فن ایجاد نمی‌کند، چنان‌که تاکنون در برابر صدها نقد و موشکافی اعم از مثبت یا منفی مشکلی اساسی ایجاد نشده است.

۶- ادبیات داستانی دفاع، پایداری و مقاومت: که دایره‌ی شمول و گستره‌ی معنایی آن بسیار وسیع است و دربرگیرنده‌ی کلیه‌ی مبارزات حق‌طلبانه‌ی داخلی، جدال با دشمنان خارجی و هر گونه سمت‌گیری ستم‌ستیزانه- صرف‌نظر از حدود و ثغور جغرافیایی و سیاسی- می‌شود و گاه نیز با ادبیات اعتراض درهم می‌آمیزد.

این عنوان در کشور ما هم گاهی با تعبیرات یاد شده در بالا که ویژه‌ی نبرد با دشمن مهاجم و بیگانه است، همنشین و مترادف می‌شود.

اصلی‌ترین و محوری‌ترین مضامین مطرح‌شده در داستان‌های جنگ و دفاع مقدس

۱- پرداختن به حوادث مناطق تماس و خطوط مقدم؛ مثل عملیات کوچک و بزرگ نظامی، ماموریت‌های شناسایی، کمین، ایستادگی در برابر حملات دشمن و...

۲- نشان دادن پاکبازی‌ها، از خودگذشتگی‌ها و دلاوری‌های رزمندگان در سطوح و لایه‌های مختلف و بیان وضعیت خانواده‌های شهدا و جانبازان.

۳- نوشتن از ماجراهایی که در پشت خط مقدم جبهه رخ می‌داده است، مثل به تصویر کشیدن رویدادهای شهرها و آبادی‌های دور از منطقه‌ی درگیری، نگارش هنری آوارگی و بی‌خانمانی مردم جنگ‌زده بر اثر حملات هوایی و موشک‌باران شهرها و تعارض‌های پدید آمده میان مهاجران جنگی و مردم شهرهای مهاجرپذیر.

۴- قلم زدن با رویکردی متفاوت و نگرشی دگرگونه درخصوص اصل، حقانیت و مشروعیت جنگ، دلایل به درازا کشیدن آن، نحوه‌ی مدیریت بحران، بازنمایی شکست‌ها و ناکامی‌های نیروهای خودی در برخی از حملات، نشان دادن تلفات بالای انسانی و خسارت‌های فراوان و قابل ملاحظه‌ی فرهنگی، اقتصادی، اجتماعی و سیاسی.

۵- بازتاب دادن حال و وضع اسفبار و بغرنج رزمندگان اسیر ایرانی در بازداشتگاه‌های عراق به موازات انعکاس دغدغه‌ها و دل‌مشغولی‌های خانواده‌های آنان در ایران.

۶- گزارش هنری گوشه‌هایی از زندگی، حوادث تکان‌دهنده و تأمل‌برانگیز افراد جبهه‌ی مقابل، و بازنمایی روابط خشن و غیرانسانی حاکم بر نیروهای اردوگاه ارتش دشمن (فال خون: داوود غفارزادگان، دیگر اسمت را عوض نکن: مجید قیصری و پشت دیوار شب: رضا رهگذر) که در آنها عموماً بی‌رحمی، وحشت و وهم‌زدگی نیروهای عراقی به نمایش درآمده است.

۷- پرداختن به زندگی کسانی که با وقوع جنگ حاضر نشدند صدای گلوله و بوی باروت را بشنوند؛ از این رو رهسپار کشورهای آرمانی خود شدند و با ترک یار و دیار، جامعه‌ی مهاجران ایرانی را با تعریفی مشخص در آن کشورها تشکیل دادند و ارتباط گوناگون آنان با دوستان و بستگان‌شان در ایران، زمینه‌ی پدیدآوری داستانهایی را بر بستر جنگ فراهم آورده که عامل پیش‌برنده در این‌گونه از آثار عموماً گزارش‌های دو طرف از حال و هوا و فضا و

موقعیتی است که در آن قرار گرفته‌اند.

۸- آفرینش داستان‌هایی که در آنها همسویی و هم‌داستانی احزاب و گروه‌های تجزیه‌طلب با دشمن به رشته‌ی تحریر درآمده است.

البته مکان و فضای این داستان‌ها- برخلاف اکثریت داستان‌های جنگ که فضایی جنوبی دارند؛ چون منطقه‌ی جنوب صحنه‌ی اصلی تهاجمات و مخاصمات بوده- رنگ، شکل و صبغه‌ای غالباً کوهستانی، پرسوز و سرما و پوشیده از برف دارد؛ چون ماجراها، بیشتر در مناطق غربی کشور، خصوصاً در کردستان، آذربایجان غربی و کرمانشاه رخ می‌دهد.

در این خصوص برخی از نوشته‌های ابراهیم حسن‌بیگی، داریوش عابدی، حسین فتاحی، اکبر خلیلی، نرگس آبیار، جهانگیر خسروشاهی، رضا رئیسی و... قابل ملاحظه است.

۹- به تحریر درآوردن داستان‌هایی که در آنها عشق و جنگ به صورت توأمان و به موازات هم به چهره‌نمایی پرداخته‌اند. البته عشقی از جنس و نوع ظرف زمانی و فضا و موقعیت کاملاً قداست‌آلود دوره‌ی دفاع؛ زیرا هم در درستی واقعیت جنگ و عظمت فاجعه و ویرانی به حدی رخ نموده بود که چشم‌های نگران و دل‌های لرزان را از هول و حادثه پر کرده بود و به ظاهر کمتر فرصتی برای پرداختن به دیگر جنبه‌های اصیل زندگی برای آنها فراهم می‌شد و از سوی دیگر جو اعتقادی حاکم بر جامعه و معماران فرهنگی آن زمان، خواسته و ناخواسته برای عشق، سرشتی تابووار ترسیم نمودند و نزدیک شدن به آن را مانند دست‌یازی به میوه‌ی ممنوعه جلوه دادند. از این رو عموماً بعد از پایان جنگ بود که داستان‌ها و رمان‌هایی که با چاشنی محتاط و ملایم عشق درآمیخته‌اند، سر برآورده‌اند.

بدیهی است که عشق‌های نمودیافته در آثاری از این دست با عشق‌هایی که در «جنگ و صلح» تولستوی، «وداع با اسلحه» و «زنگ‌ها برای که به صدا درمی‌آیند» همینگوی و «دُن آرام» شولو خوف بروز و ظهور پیدا کرده‌اند، کاملاً متفاوت است؛ زیرا برخی بر این باورند که اساساً در بسیاری از داستان‌های غربی که معترضانه به جنگ نگریسته شده، حضور عشق به نوعی دل‌زدگی و بی‌اعتنایی نسبت به جنگ را آیینگی می‌کند و تکیه کردن راوی به عشق در هنگامه‌ی جنگ، نشانه‌ی محوریت عشق است نه جنگ.

از میان داستان‌ها و رمان‌هایی که جسته و گریخته به موضوع عشق- البته با حال و هوای این دیار در آن روزگار- توجه کرده‌اند، می‌توان با رعایت ترتیب تقویمی به این آثار اشاره نمود:

- باغ بلور: محسن مخملباف (۶۶)، زمستان ۶۲: اسماعیل فصیح (۶۶)، زن، جنگ، امید:

احمد جانه (۷۰)، زیر درخت آلبالو: احمد اکبری (۷۱)، او را که دیدم زیبا شدم: شیوا ارسطویی (۷۲)، اسیر زمان: اسماعیل فصیح (۷۳)، عشق سال‌های جنگ: حسین فتاحی (۷۴)، عشق و انتظار: فرزانه آقاجانی (۷۶)، آیینه‌ی عشق: غلامعلی رنجبر گل‌محمدی (۷۹)، اشکانه: ابراهیم حسن‌بیگی (۸۳)، جنگ و عشق: منیرالسادات موسوی (۱۳۸۶).

۱۰- نگاشتن درباره‌ی اتفاقات پس از پایان جنگ با در نظر داشتن تبعات و پیامدهای گوناگون آن.

۱۱- پرداختن به موضوعاتی مانند بازگشت آزادگان، یافتن پیکر مفقودالاثرها و یا بر اثر گذشت زمان طولانی از هنگام شهادت آنان بسنده نمودن به پلاک‌ها و یا نشانه‌هایی از این دست؛ و تلخ‌تر از همه‌ی اینها، چشم‌انتظاری بی‌پاسخ بسیاری از خانواده‌ها در به دست آوردن کمترین خبر و آگاهی از وضعیت عزیزانشان.

۱۲- واگویه‌ی برون‌ریزی‌ها و فرافکنی‌های روانکاوانه‌ی رزمندگانی که بعد از جنگ به کشمکش و جدال درونی با خود روی آورده‌اند و گذشته‌ی خود را با وسواس و سخت‌گیری هر چه تمام‌تر می‌کاوند و بی‌رحمانه به جان خود افتاده‌اند.

۱۳- به قلم آوردن داستان‌هایی که از نگرانی جامعه‌ی معتقد به حقانیت جنگ و پاکی و طهارت شهدا در خصوص کم‌رنگ شدن و حتی واژگونی ارزش‌های اصیل زمان جنگ حکایت دارد.

۲- بررسی «درون‌مایه، مضمون و محتوا» در آثار داستانی دفاع مقدس

الف: تولید آثار با قصد و نیت اعتقادی در راستای اهداف تبلیغاتی

ادبیات مکتبی و اصولگرا که برخلاف آثار داستانی برانگیزش‌ها، کنش‌ها و منش‌های ایدئولوژیک شیوه‌ای آشکار تاکید می‌ورزید و کارکرد تبلیغی آثار را نافع‌تر از قدرت درونی و ارج و اعتبار هنری آن می‌دانست، به دلیل شیفتگی نامتعادل و سطحی نسبت به برخی تعهدات، باورها و آموزه‌های تبلیغ شده، کلیشه‌ای و مقطعی نتوانست به نسبت امکانات وسیعی که در اختیار داشت، در خلق داستان‌های اثرگذار بر زندگی و اندیشه‌ی مردم توفیق چندانی به دست آورد.

نویسندگان این دسته از آثار به دلیل حرکت در سطح و ناتوانی در درک حقایق اعماق نتوانستند تصاویری اصیل و بی‌طرفانه از زندگی، حوادث و انسان‌های درگیر با بحران‌ها و تنگناهای سخت و بغرنج ارایه دهند.

نپرداختن به تناقض‌های ذهنی و وجودی افراد به دلیل حضور تیپ‌ها و چهرمان‌های عمومی و فردیت‌نیافته، جانبداری از پرسناژهای عقیدتی، فراهم ننمودن زمینه‌ی لازم برای ایجاد تنش، تباین و در نتیجه کشمکش داستانی، هدایت روایت داستان به سوی مقصد از پیش لو رفته، ضعف نشانه و فقر دلالت‌گری در توجیه تحولات شخیصت‌ها و وقایع جاری داستان، امساک در بهره جستن از توضیحات غنی، زنده و پویا، فقدان مهارت هنری در ابلاغ پیام به گونه‌ای ظریف و غیرصریح باعث شده‌اند تا نویسنده نتواند «خواننده را شریک اضطراب‌ها، دلهره‌ها، تردیدها و باورهای قهرمانان خود سازد» و رغبت او را برای پیگیری ماجرا و تداوم مطالعه، همچنان برانگیخته و جوینده نگه دارد.

باید دانست که انعکاس صادقانه‌ی واقعیات زندگی با زبانی ساده و طبیعی، پرهیز از مطلق‌گرایی، میدان ندادن به احساس تکلف و معذوریت اخلاقی در پرورش شخصیت‌ها، رعایت انسجام درونی داستان و انگشت نهادن بر پایدارترین وجوه اشتراک درونی انسان‌ها جامعیتی به اثر می‌بخشد که آن را از آفت گذر زمان مصون داشته و به مانایی و جاودانگی‌اش در دل تاریخ کمک می‌کند.

ب: سفارشی‌نویسی

بخش قابل توجهی از ادبیات داستانی جنگ با عقد قرارداد رسمی و القای صریح موضوع، درون‌مایه و دیدگاه خاص به نویسندگان در چرخه‌ی تولید قرار گرفت.

اولیای امور فرهنگی کشور به جای فراهم نمودن بستر مناسب فرهنگی، رأساً در امر تولید داستان و رمان دخالت نمودند و تجربیات شکست‌خورده‌ی سایر کشورها را در این زمینه دانسته یا ندانسته- نادیده گرفتند و بدین طریق لطمات شدیدی بر پیکره‌ی ادبیات داستانی آورده و سرمایه‌های مادی و معنوی هنگفتی را از این ملت به باد فنا دادند.

متولیات سیاسی اندیش مقوله‌ی فرهنگ به این امر توجه نکردند که «ادبیات خلاق به ویژه دوستان، پدیداری زنده، ظریف و شکننده است که ماهیتی خاص دارد و هر شخص یا دولتی که خواهد این پدیده‌ی زنده را آن قدر کژ و مژکند که خادم ایدئولوژی و منافع سیاسی او بشود، روح را کشته است.»

آن‌چه از زیردست این نویسندگان قراردادی بیرون آمده و با چاپ و نشر دولتی در شمارگان منتشر گردیده و در جشنواره‌های کتاب برتر، سایه های سکه و سیمرغ بر آنها قرار گرفته، گذشت اندک زمانی از رونق و رواج افتاده‌اند؛ زیرا در این نوشته‌ها روی‌آوری کاهلانه

و فروشانه‌ی نویسندگان به تک‌گویی‌های طولانی برای گریز از پرداختن به موضوعات بکر زحمت، بی‌رمقی تخیل، فقدان اندیشه‌های بلند، چندلایه و تاویل‌پذیر، پرهیز از ترویج روح، طفره رفتن از جستجوی معنای تازه‌ی جهان و زندگی، بی‌بهرگی از لحظات حسی ناب داستانی و سیاسی‌نویسی‌های کلیشه‌پردازانه بی‌زاری و رمندگی مخاطب و کسادی بازار مطالعه‌ی آثار این‌گونه‌ی خاص ادبی را به دنبال داشته است.

عموم اهل هنر بر این باورند که داستان باید به طور طبیعی از چشمه‌ی طبع نویسنده جوشش و تراوشش کند و برآیند مستقیم ذوق، فکر و اندیشه‌ی کاونده‌ی خود او باشد تا به لطف تلاش طاقت‌شکن عرق‌ریزان جسمی و روحی نویسنده به شاهکاری شکوهمند و بالنده بدل گردد.

ج) رویکردهای غیرمتعادل و افراط و تفریط‌گرانه نسبت به ادبیات داستانی جنگ

شمار معتنابهی از نویسندگان داستان مقاومت با شیبی غیرمنطقی، دچار استحاله و دگردیسی شی درخصوص موضوع جنگ شدند. آنان در روزهای هیجانی و دغدغه‌آلود نبرد با مطلق‌گرایی، سونگری محض، پدیده‌ی جنگ را مائده‌ی آسمانی پراکنده شده در زمین و فرصت طلایی تعالی‌جویی و کمال‌طلبی جلوه می‌دادند و افراد درگیر جنگ در جبهه‌ی خودی را چهره‌هایی اهورایی با رسالتی پیامبرانه معرفی می‌کردند و با شیفتگی اغراق‌آلود خود، راه افراط را در بازنمایی حقایق جنگ می‌پیمودند؛ اما عده‌ی چشمگیری از همین اهل قلم با گذشت سالیانی اندک- خصوصاً بعد از آتش‌بس- نوشته‌هایی را عرضه کردند که در آنها به نفی کلی همه ارزش‌ها و آرمان‌های تعریف‌شده برای دفاع مقدس پرداختند و با گام نهادن در بیراهه‌های تفریط، رزمندگان سال‌های ستیز را شخصیت‌هایی واپس‌خورده، افسوس‌مند، بی‌آرمان و گرفتار نوعی احساس حیف‌شدگی و هدر رفتگی نشان داده‌اند.

این‌گونه رفتارهای ناهنجار ادبی با چرخش‌های غیرمتعارف و انفجاری به سبب عدم نسبیت‌گرایی منطقی، در هر صورت لطمات جبران‌ناپذیری را بر پیکره‌ی ادبیات داستانی دفاع مقدس تحمیل کرده و با ایجاد تزلزل و تردید در مخاطبان و نادیده انگاشتن شعور عمومی رو به تعالی جامعه، جایگاه نویسندگان این حوزه را از نظر صداقت و امانت دچار آسیب و خدشه نموده است.

د: تصفیه [تسویه]حساب‌های فکری و اعتقادی

تعامل نامطلوب نویسندگان و هنرمندانی که حقانیت دفاع را پذیرفته و آن را با اشکال گوناگون در آثار خود بازتاب می‌دادند، با روشنفکران دگراندیش، منجر به تقابل غرض‌آلود

فرهنگی در عرصه‌ی ادبیات جنگ شد. آنان با موضع‌گیری در برابر نویسندگانی که با نیت عقیدتی و تعهدات اجتماعی- سیاسی به خلق آثاری هدفمند با استفاده از امکانات دولتی دست می‌زدند، با رویکردی پوچ‌گرایانه و نگرشی آکنده از مسخ‌شدگی در نوشته‌های خود به تصویر نسلی می‌پرداختند که با سردرگمی و آرمان‌باختگی و احساس هیچ‌انگاری و تهی‌شدگی به گذران اجباری و ناخرسندانه‌ی روزگار تن داده‌اند؛ اگر چه جمهوریت صداها در فضای فرهنگی از تک‌صدایی و رسمی‌اندیشی‌های بخشنامه‌ای بسیار ارزشمندتر است؛ اما غرض‌ورزی‌های تعصب‌آلود، چهره‌ی هنر حقیقت‌نما را مخدوش و نازیبا می‌گرداند.

ه: نداشتن تجربه‌ی مستقیم و ملموس از میدان‌های جنگ

برخی از نویسندگان داستان‌های جنگ، عطای افتخارات مخاطره‌آمیز عرصهٔ‌های مخاصمه کارزار را به لقای سلامت و امنیت وجود خود بخشیدند، غافل از آن‌که دیدن و شنیدن از اصلی‌ترین دریچه‌های روح آدمی برای دریافت محرک‌ها و پیام‌های بیرونی هستند.

عدم مشارکت بعضی از نویسندگان در جنگ باعث شده که آنان در انعکاس جهان خاص و خلق لحظه‌های حسی و صحنه‌های نمایشی توفیق چندانی نداشته باشند؛ زیرا هنر، انتقال حس تجربه شده است.

البته ممکن است نویسنده‌ای جنگ ندیده، به‌واسطه‌ی نبوغی که در به تصویر کشیدن دیده‌های مستقیم- فیلم‌ها و...- و شنیده‌ها- گوش کردن به خاطرات یا مطالعه‌ی کتب جنگی- دارد، مشاهده‌ی مستقیم کشمکش‌های میدان‌های جنگ، آثار شایسته‌ای خلق کند و با گسترش طبیعی و شکل‌بخشی مناسب به حوادث، اثری پخته و شوق‌انگیز بیافریند؛ اما تجربه نشان داده است که آثار بزرگ و ماندگار جهان در حوزه‌ی جنگ عموماً به دست کسانی رقم خورده که حادثه‌های خونبار و گیرودارهای دلهره‌آور عرصه‌های ستیز و درگیری را با تمام وجود خود لمس کرده‌اند و در بسیاری از لحظات، شاهد تپش توفنده و اضطراب‌آلود قلب‌های خود و هم‌رزمان‌شان بوده‌اند و به همین دلیل توانسته‌اند با حس و عاطفه‌ای عمیق و درک و نگرشی جامع و همه‌جانبه طوری قلم بزنند که مخاطبان را همپای خود شریک هیجان‌ها، دل تپیدن‌ها، دردها و دریغ‌ناکی‌های شخصیت‌های داستانی خویش سازند و آنان را در عالم ذهن و خیال به طور جدی درگیر نبردها و کش و قوس‌های شورانگیز و سرنوشت‌ساز پهنه‌های مقابله و کارزار نمایند.

و: اشراقی‌گرایی‌های ناموفق

در داستان‌های جنگ، توجه خاصی به نظام علیت غیرمادی که مبتنی بر عوامل غیبی و اموری چون دعا، نیایش، کرامات و عنایات الهی می‌باشد، شده است.

اشاره به امور قدسی همچون امدادهای غیبی و رخدادهای مذهبی مثل آگاه شدن رزمندگان پاک‌طینت از توطئه‌های مرگبار دشمن و یا شهادت خود و هم‌رزمان به گونه‌ای الهامی، یا با خبر شدن پیشاپیش مادران از شهادت فرزندان خود در جبهه به مدد کشف و شهود باطنی و یا رویاهای صادقانه‌ی مرتبط با مسائل جنگ از مواردی است که با نگرشی عرفانی و پارسایانه در ادبیات داستانی جنگ مطرح شده و به فراخور توانایی نویسندگان در پرورش موضوع و فراهم نمودن تمهیدات لازم برای باورپذیر کردن این امور توفیقاتی هم حاصل شده است؛ اما وارد کردن ناهمخوان با سرشت فرهنگی- هنری ایرانی همراه با استحاله‌ی احتمالی و به بهانه‌ی بحران اجتماعی و دگرگونی ارزش‌ها با حرکتی دم‌افزون و شتابناک بدون در نظر داشتن پشتوانه‌ها و پس‌زمینه‌های فرهنگ خودی به بهره‌گیری مقلدانه از شیوه‌های فرامدرن روی آوردند و گرفتار نوعی تکنیک‌زدگی و فن‌نمایی فضل‌فروشانه در سلوک نویسندگی خود شدند و در آثارشان تصنع، جای صنعت و مهارت معتدل و متناسب با روح داستان را گرفت.

این توجه کانونی به فن ویژه‌ی داستان‌نگاری به دگرگونی‌های بزرگی در شاکله‌ی بیرونی و درونی داستان‌های این نویسندگان منجر شد. آنان با دست‌مایه قرار دادن دانش‌ها و علومی چون اسطوره‌شناسی، مردم‌شناسی، روان‌شناسی، روان‌کاوی و روان‌پزشکی- که بعضاً تخصص‌هایی هم در این رشته‌ها داشته‌اند- درخصوص علل روان‌پریشی افراد و قهرمانان داستان‌هایشان به قلم‌فرسایی پرداختند و به فراخور دیالوگ‌های خاص افراد شوریده حال، فضای روایی داستان را دچار زبان‌پریشی و آشفته‌گویی‌های برجوشیده از ذهن پرسناژهای داستان نمودند؛ حال آنکه نویسنده نباید «دائم از ذهن شخصیت‌ها به عنوان منبع اصلی توضیح مسائل استفاده کند.»

از ویژگی‌های نزدیک و هم‌بسته‌ی این‌گونه آثار از نظر سبک و اسلوب می‌توان به مواردی همچون بازی‌های ذهنی، روی‌آوری به فرم‌های غریب با نیت نونمایی اثر، پی‌ریزی داستان‌های خودی با تکنیک‌های غربی، به کار بستن زبان مغلق و پریشیده اشاره نمود.

خوانندگان این آثار با شگرد تعمدی نویسنده، معمولاً در فضایی موهوم و حسی مبهم و معلق، رها می‌شوند و در جریان کنش‌های داستانی با چهره‌هایی برخورد می‌کنند که آرمان،

اصالت و حتی هستی حقیقی خود را باخته‌اند و با دیدی سیاه نسبت به زندگی اکنون، و تلالوی دریغناک یاد گذشته به حسرتی نوستالژیک و نهایتاً درکی دردآمیز و غم‌آلود از زندگی می‌رسند و احساس حیف‌شدگی، پوچی و هدررفتگی باعث هیچ‌انگاری، تیره‌اندیشی و فرورفتگی مداوم آنان در دنیای وهم‌آلود درون برای گریز از واقعیت بیرونی می‌شود.

این‌گونه داستان‌ها به جای بهره‌مندی از خودانگیختگی و غنای طبیعی، با لحنی کتمانی و گاه ترسیده و مبهم، و جهان‌بینی روایی نامأنوس، به طریقی واقعیت‌ستیزانه و با میدان دادن به خیالبافی‌های وهم‌آلود و سرگردان بسط و گسترش می‌یابند و با بهره‌گیری از زمان حلقوی و غیرتقویمی، شکلی معماگونه و ریاضی‌وار به خود می‌گیرند و خواننده را در پیچاپیچ پریشان‌گویی‌ها و تعقیب مداوم برای سردرآوردن از زمان و راوی دائماً در حال تغییر داستان، کلافه و سردرگم می‌کنند و ضمن تحمیل ریاضت ذهنی بر مخاطب، کمترین لذت ادبی را عاید او نمی‌گردانند و همین امر باعث رویگردانی خوانندگان و از بین رفتن اقبال عامه برای مطالعه‌ی این‌گونه آثار می‌شود.

در نگرشی گذرا می‌توان گفت که ادبیات داستانی مقاومت و دفاع مقدس ۳ مرحله‌ی عمده را تجربه کرده است.

الف: داستان‌نویسان اوایل جنگ عموماً با شیوه‌های سنتی به توصیف روایی تپش‌های مضطربانه‌ی میدان‌های هول و حادثه، روحیات سلحشورانه‌ی رزمندگان، ایثار و اخلاص مثال‌زدنی مردم، دلاوری‌ها و رشادت‌های قهرمانان مکتبی و ارزشی، و موارد تهییجی و ترویجی دیگر، دل‌سپردگی ویژه‌ای از خود نشان دادند.

آنان به سبب قرار گرفتن در شرایط خاص، ندانستگی و گاه کاهلانگی، بدون توجه به ادبیت و هنر داستان، قوام‌یافتگی و پرورش جزءنگارانه‌ی حادثه‌ها و شخصیت‌ها، صناعت‌های جدید داستانی، تنش‌ها و کشمکش‌های طبیعی و تحرک‌آفرین در داستان، با نثری رسانه‌ای و کم‌رمق و روحیه‌ای معطوف به گزارش و خاطره‌نگاری با نگاهی یکسوگرایانه به ثبت و درج مستقیم و غیرنمایشی اتفاقات عرصه‌های ستیز با دشمن پرداختند.

ضعف فضاسازی، فقر تصویرگری‌های زنده، محور قرار گرفتن تیپ‌ها یا سنخ‌نماها به عنوان قهرمانان «قصه‌های عقاید»، حاکمیت نگرش مطلق‌گرا و تعصب‌آلود نسبت به همه‌ی حوادث و مسایل جنگ و موارد عدیده‌ی دیگر سبب گردید که دیگر این قصه‌ها نزدیکی چندانی به زندگی در فضای بحران‌زده و غیرعادی نداشته باشند و نتوانند پایه و مایه‌ی مناسبی

در مقام خرسندسازی طبع مشکل‌پسند و کمال‌جوی ادب‌دوستان فهیم و تعقیب‌کنندگان داستان‌های جنگ برای خود دست و پا کنند و خواندنی و ماندنی شوند.

از آنجایی که در این دوره نهادهای دولتی و یا گروه‌های دینی، روایت‌گری جنگ را تنها در انحصار و اهلیت خود می‌دانستند، موضوع جنگ تقریباً از حوزه‌ی توجه روشنفکران خارج شد و این امر به محرومیت جامعه‌ی ادبی- هنری از آثار داستانی و نقد و تحلیل‌های انسانی و اجتماعی دگراندیشان- که عموماً با نقدهای رسمی و فرمایشی متفاوت بود- انجامید و اثرات ناخوشایندی را از خود بر جای نهاد.

ب: در دوره‌ی میانه- تقریباً از نیمه‌ی دوم دهه‌ی شصت- ادبیات داستانی تا حدودی از کارکردهای مستقیم ایدئولوژیک و ماموریت‌های آشکار سیاسی رهایی یافت.

ساخت و ساز هنری با نگرشی عمیق‌تر با رعایت نسبیت‌گرایی در شخصیت‌پردازی و نمایش جریان واقعی جنگ کیفیت نسبتا قابل قبولی پیدا کرد.

برآیند کلی و نتیجه‌ی عمومی فعالیت‌های تعالی‌جویانه‌ی ادبیات در این دوره، رویکرد روزافزون مردم به مطالعه‌ی مداوم قصه‌های جنگ بود و به نوعی می‌توان این سال‌ها را عصر طلایی و پررونق ادبیات داستانی دفاع مقدس قلمداد نمود.

ج: در دوره‌ی سوم، خصوصاً سال‌های پس از آتش‌بس، شاهد تجلی دیدگاه‌های گوناگون و بسیار متفاوتی درباره‌ی پدیده‌ی جنگ هستیم.

در این برهه نه از آن شیفتگی‌های فراسویی آرمان‌گرایانه و قهرمان‌پرستانه‌ی نویسندگان جوان دوره‌ی اول خبری هست ،و نه می‌توان از آثار پخته، درونی‌شده، خواننده‌پسند، پرخون و سرزنده‌ی دوره‌ی میانی نشانی یافت.

در این مقطع بسیاری از قصه‌ها به بازکاوی و شرح و بسط روان‌کاوانه‌ی بیماری روحی ناشی از عصر حادثه و بحران با درون‌مایه‌هایی لبریز از نگرانی، نفرت، ناامیدی، کابوس و مرگ اندیشی پرداخته‌اند وبه سبک و صناعت همخوان با این شوریده‌حالی‌ها و پریشان روزگاری‌ها، جریان سیال ذهن، تک‌گویی‌های هذیان‌آلود، گسستگی روابط منطقی و مألوف زمانی و مکانی و...- توجه خاصی نشان داده‌اند. تولیدات فانتزی، نونما و پرزرق و برقی از این دست، خوانندگان ادبیات داستانی جنگ، خصوصاً نسل سوم را از نظر باور و نوع نگرش نسبت به دفاع هشت ساله با چالش‌هایی جدی روبه‌رو کرده و سوالات پیچ در پیچ، تردیدآفرین و گاه بی‌پاسخ را پیش پای فکر و ذهن آنان قرار داده است که به دلیل معلوم نبودن متولی مستقیم

پاسخگویی به این شبهات، آسیب‌زایی آن روز به زور دوچندان می‌شود.

نکته‌ی شگفت‌انگیز در این خصوص همراهی و هم‌داستانی برخی از نویسندگان دوره‌های اول و دوم با قلم به دستان آشفته‌نویس دوره‌ی سوم است. آنانی که با حضوری مستمر و تاثیرگذار در آوردگاه عظیم دفاع و مقاومت، پاکبازانه پنجه در پنجه‌ی دشمن انداخته و در دو دوره‌ی بعد هم در عرصه‌ی داستان‌نویسی آثار قابل قبولی عرضه کرده بودند، اکنون همسو و هم‌صدا با منفی‌اندیشان، بر طبل انکار کلی ارزش‌های دفاع مقدس می‌کوبند و با گرفتار آمدن در دام پنهان استحاله و انفعال، در واقع به نفی خود و کردارهای معتقدانه و وطن‌دوستانه‌ی خویش می‌پردازند.

می‌توان برخی از عوامل اجتماعی و فرهنگی موثر در بروز این عوارض ادبی- هنری و دگردیسی‌های روحی و فکری اهل قلم را این‌گونه برشمرد:

- کم‌رنگ شدن و گاه حتی واژگون شدن ارزش‌های دوره‌ی جنگ تحت تاثیر القائات روشنفکرنماهای مغرض داخلی و حرکات شیطنت‌آمیز خارجی،

- سیاست‌های پرنوسان، چندگانه و سلیقه‌ای حاکمیت با توجه به روی کار آمدن دوره‌ای جناح‌های مختلف فکری و سیاسی در برخورد با مسائل گوناگون مرتبط با جنگ،

- سلطه‌ی رسانه‌هایی همچون رادیو، تلویزیون، سینما، رایانه، اینترنت، ماهواره و نشریات رنگارنگ و بی‌شمار،

- بیماری جریان نقد،

- کسادی بازار کتاب و بی‌رونقی مطالعه‌ی آثار جنگ بر اثر برآورده نشدن توقعات منطقی و به حق خوانندگان در تولید آثار شایسته و برازنده،

- گذشته‌گرایی نویسندگان برای گریز از تارهای پیدا و پنهان سانسور به سبب وجود حساسیت‌ها و سخت‌گیری‌های گاه و بی‌گاه دستگاه‌های نظارتی چاپ و نشر نسبت به آثار مربوط به جنگ و پیامدهای آن،

- و ده‌ها علل آشکار و نهان دیگر کار را به این‌جا رسانده است که بسیاری از اوقات، دیگر «زبان مهر/ و خداوندی خرد/ پیوندگار گفتن و شنفتن نمی‌شود».

ضرورت و فواید تدوین فرهنگ‌ها، شناخت‌نامه‌ها و کتاب‌شناسی‌های جنگ

از آنجایی که بسیاری از کتاب‌های منتشرشده از ابتدای جنگ تاکنون در همان چاپ اول متوقف شده و دستیابی به آنها حتی در تعداد انگشت‌شمار کتابخانه‌های تخصصی جنگ با

دشواری‌هایی روبروست- و این امر مشکلات عدیده‌ای را برای پژوهشگران در این زمینه فراهم می‌آورد- لازم است که گروه‌های تحقیقی اهل فن با روش‌شناسی صحیح علمی، شناسایی، جمع‌آوری و دسته‌بندی‌های موضوعی، ساختاری، زیبایی‌شناسی و تقویمی این بار اقدام نمایند و با برنامه‌ریزی دقیق و سازمان‌بندی‌شده برای اطلاع‌رسانی درخصوص موضوعات مختلف مرتبط با جنگ، حاصل کندوکاوها و مطالعات عمیق خود را در قالب کتاب‌شناسی‌ها، شناخت‌نامه‌ها و یا فرهنگ‌های گوناگون توصیفی در اختیار مردم و جامعه‌ی قابل تحقیق قرار دهند تا هم این آثار- که در ظرف زمانی خود قابل اعتنا بوده‌اند- بر طاقچه‌های خاموشی و فراموشی نهاده نشوند و هم با ثبت و ضبط دقیق آنها بتوانیم صدا و نوای عاطفی و شیشه‌ای مردم این عصر را به شکلی صحیح، طبقه‌بندی شده و درست به گوش نسل بعد از جنگ نسل‌های آینده‌ی این مرز و بوم برسانیم.

کتاب حاضر نیز با همین دیدگاه تدوین شده و امید نگارنده برداشتن گامی هر چند کوچک در جهت تحقق بخشیدن به اهدافی است که در سطور پیشین به آنها اشاره نموده است.

۳-۴. رویکردهای ادبیات داستانی جنگ با تاکید بر داستان‌های انسان‌محور

مقدمه

با شروع جنگ تحمیلی در سال ۱۳۵۹ مساله جنگ در ادبیات داستانی معاصر ایران منعکس شد و پرداختن به جنگ و تبعات اجتماعی، انسانی، سیاسی و اقتصادی آن راه های نوینی را پیش پای نویسندگان قرار داد و بسیاری از آنها نسبت به جنگ و پیامدهای آن احساس مسئولیت کردند. بیش از صد رمان و دو هزار داستان کوتاه حاصل تلاش‌های بیست و چهار سال (۱۳۸۴-۱۳۵۹) نویسندگی در عرصه ادبیات جنگ است (ر.ک. فراست ۱۳۸۴؛ برومند، ۱۳۸۴؛ حداد، ۱۳۷۴).

چرایی نوشتن از جنگ، چگونگی نوشتن درباره آن را موجب شد و جریان‌ها و

رویکردهای متفاوتی را پدید آورد. در این میان گروهی در ستایش از دفاع از میهن و حریم انقلاب اسلامی، مقاومت و پایداری نوشتند، برخی صرفا به بازتاب مصائب جنگ و تاثیر آن بر زندگی مردم و اجتماع پرداختند، گروهی در رد یا تشکیک درباره آن قلم زدند و برخی نیز به موضوع «انسان در جنگ» و «انسان برآمده از جنگ» توجه کردند. با عنایت به درونمایه‌های داستان ها رویکردهای متفاوتی در ادبیات جنگ به وجود آمد که اهم آن‌ها عبارت است از: ۱. داستان‌های ارزش‌محور ۲. داستان‌های جامعه‌محور ۳. داستان‌های انتقادمحور ۴. داستان‌های انسان‌محور.

مبنای این تقسیم‌بندی، نوع نگاه نویسنده به موضوع جنگ، نوع شخصیت‌پردازی و درونمایه داستان است. بنابراین در این تحقیق متن اهمیت دارد نه نویسنده. از این رو ممکن است اثری از یک نویسنده در یک رویکرد و اثر دیگری از او در رویکرد دیگری قرار گیرد. از سوی دیگر، در قرار گرفتن یک اثر در رویکردی خاص مسئله بسامد ویژگی‌های آن رویکرد مطرح است، هر چند باز هم ممکن است بتوان آثاری را نشان داد که به بیش از یک رویکرد توجه کرده‌اند.

۱. داستان‌های ارزش‌محور

پس از شروع جنگ، در حوزه ادبیات داستانی آثاری در ستایش از مقاومت، پایداری و دفاع از کشور و حریم انقلاب اسلامی نوشته شده است. هدف این آثار تهییج روحیه رزمندگان و تقویت روحیه سلحشوری و استقلال‌خواهی و دفاع در مردم است. درواقع انجام دادن رسالت عقیدتی و دفاع از ارزش‌های انقلابی و اسلامی هدف نویسندگان این جریان است. در اغلب این آثار دفاع تقدیس می‌شود و نویسندگان به توصیف جلوه‌های مقاومت می‌پردازند و کمتر به علل و اسباب یا آثار و عواقب جنگ می‌پردازند. داستان‌هایی از این رویکرد که در زمان جنگ نوشته شده، جوینده نوعی فضیلت و تقدس در دفاع است و آنچه پس از جنگ پدید آمده، نوستالوژی بازگشت به وطن مألوف (جبهه) برای رزمنده‌ای که شهید نشده و مرثیه‌سرای فضیلت‌های فراموش شده است. تردید و پرسش درباره جنگ در این داستان‌ها کمتر دیده می‌شود. اگر هم پرسش‌های مقدری وجود داشته باشد، همواره پاسخ‌های تردیدناپذیری به آنها داده می‌شود. مطلق بودن انسان‌ها، از ویژگی‌های بارز برخی از این داستان‌هاست. انسان‌های مردد، اصولاً تغییر و تحول مثبت می‌یابند و هیچ‌گاه در تردید باقی نمی‌مانند. در برخی از این آثار شخصیت‌هایی که از رزمندگان ترسیم می‌شود، در حد تیپ

باقی می‌ماند و تصویری که از آنها عرضه می‌شود، مذهبی است. از جمله تیپ‌های رایج این رویکرد، رزمنده یا بسیجی عاشق، پیرمرد ایثارگر و فرمانده کاردان و فداکار (گاه به نام حاجی یا سید). نوجوان ایثارگر و فداکار بسیجی، مادر صبور شهید، همسر فداکار شهید، روحانی هدایتگر، روشنفکر سرخورده، منافق کوردل و شکنجه‌گر عراقی و... است (سلیمانی، ۱۳۸۰: ۸۶).

غالب این تیپ‌ها علاوه بر دغدغه ملیت و وطن، دغدغه دین دارند؛ به همین دلیل این رویکرد به سادگی با حوادث صدر اسلام و عاشورای امام حسین(ع) پیوند می‌خورد و از ادبیات آن تاثیر می‌پذیرد و جنگ، جنگ میان حق و باطل قلمداد می‌شود. پایداری امام حسین(ع) در راه عقیده و اسلام و مبارزه آن حضرت با بنیان‌های ظلم و ستم در داستان‌های این رویکرد بازتولید می‌شود و نبرد میان جبهه حق (امام حسین- رزمندگان ایرانی) و جبهه باطل (یزید- رزمندگان عراقی) بی‌پایان نشان داده می‌شود.

شهادت در برخی از این آثار جنبه تراژیک ندارند، بلکه مرگی آگاهانه و متعلق به انسان مختار و فدارکای است که با زهد و پرهیز نیرومند خود هر پیشامدی را با شهامت و آغوش باز می‌پذیرد و از این رو جسمی که در این میان فدا می‌شود چندان اهمیتی ندارد. زیرا زنده ماندن به هر قیمتی به صورت وسوسه‌ای توصیف می‌شود که برازنده انسان نیست. بنابراین کسی که از جنگ زنده بازگشته است باید خود را شماتت کند و مقصر بشمارد که به فیض شهادت نرسیده است (برای مثال شخصیت ارمیا در رمانی با همین نام از رضا امیرخانی را می‌توان نام برد). در داستان‌های این رویکرد پیش‌زمینه‌های مذهبی (به ویژه شیعی) و تأسی از راه امام حسین(ع) از دلایل عمده این نگاه به مرگ و شهادت است.

درواقع این رویکرد در ادامه ادبیات متعهدی قرار می‌گیرد که از نیمه اول دهه پنجاه در ادبیات معاصر آغاز شده بود. با این تفاوت که در ادبیات متعهد پیش از انقلاب، تعهد به اجتماع مطرح بود، اما در تعهد پس از انقلاب، ارزش‌های اسلامی نمود بیشتری پیدا کرد. پس از انقلاب، بخشی از جریان داستان‌نویسی از سلطه جریان چپ و تعهدی که تعریف می‌کرد خارج شد و به نوعی رئالیسم بومی همراه با آرمان عمیق دینی رسید. این نگاه اصیل، به آرمان‌های عمیق و باطنی دین ناظر است. چیزهایی مثل ایثار، صداقت، شهامت، مهر و... که صفاتی عمیقاً انسانی‌اند. درواقع پس از انقلاب اسلامی دین به شکلی نهادینه شد که خود را از حیطه ارزش‌های فردی به ارزش‌های اجتماعی رساند و غیر از مسوولیت‌های فردی، به

مسوولیت‌های اجتماعی نیز قائل بود. این نگاه عمیق دینی می‌توانست انسان بماهو انسان را کامل‌تر ببیند. این رویکرد در آغاز و تا میانه راه اغلب به گروه نویسندگان خاص و حتی ناشران و موسسه‌ها و نهادهای معینی تعلق داشت که پاره‌ای از آنها در جنگ هم مشارکت داشته‌اند. از جمله مهم‌ترین مراکز رشد و توسعه این رویکرد که به نحوی به اثبات اندیشه‌های مطرح در این رویکرد نیز پرداخته نویسندگان معروف به جمع مسجد جوادالائمه و حوزه هنری هستند. بسیاری از نویسندگان این رویکرد با جنگ متولد شده‌اند و اغلب سابقه حضور در جبهه دارند. در آغاز و تا میانه راه دلایل بسیاری باعث آسیب‌پذیری این رویکرد می‌شد. در سال‌های جنگ به دلیل حساسیت‌هایی که درباره جنگ و نوشتن از جنگ در جامعه وجود داشت و نیز گاه نگاه تک‌بعدی به آن پرداختن به جنگ بسیار مشکل بود. «سفارشی‌نویسی» در سال‌های پس از جنگ، بسیاری از نویسندگان را به صنعت داستان‌نویسی جنگ دعوت کرد و سبب شد از عمق مفاهیم و غنای ادبی برخی از این آثار کاسته شود و بعضی از داستان‌هایی که پدید آمد مشمول زمان شده، از یادها رفتند.

اما آنچه نباید از نظر دور داشته شود این است که خود این رویکرد را می‌توان به دو دسته تقسیم کرد. تفاوت این دو دسته در نزدیکی برخی از داستان‌ها به رویکرد جامعه‌محور و گذشتن از مرزهای تقدیرگرایی صرف و برخی دیدگاه‌های سیاسی و نیز توجه بیشتر به مبانی زیبایی‌شناختی داستان است. همچنین گذشت زمان باعث شده است داستان‌هایی در این رویکرد پدید آید که به لحاظ ارزش‌های زیبایی‌شناختی و نیز اصول داستان‌نویسی موفق‌تر و ماندگارتر از نمونه‌های سال های نخست جنگ باشند. امروزه این رویکرد می‌تواند مدعی رسیدن به نوعی رئالیسم بومی باشد. در این رویکرد نکات زیر برجسته است:

۱. ستایش از مقاومت، پایداری و دفاع از کشور و حریم انقلاب اسلامی؛

۲. تهییج روحیه رزمندگان و تقویت روحیه سلحشوری و استقلال‌خواهی و دفاع در مردم؛

۳. پی‌جویی نوعی فضیلت و تقدس در دفاع؛ و نوستالوژی بازگشت به وطن مألوف (جبهه) برای رزمنده‌ای که شهید نشده و مرثیه‌سرایی برای فضیلت‌های فراموش‌شده؛

۴. پیوند با حوادث صدر اسلام و عاشورای امام حسین(ع)؛

۵. آغاز راهی برای پرداختن به نوعی رئالیسم بومی همراه با آرمان عمیق دینی در ادبیات معاصر ایران و استوار شدن پایه‌های این شیوه در داستان‌های متأخر؛

۶. تبلیغی بودن برخی از داستان‌های اولیه و ساده بودن آنها در عناصر داستانی.

۲. داستان‌های جامعه‌محور

در این رویکرد آثاری قرار دارد که به بازتاب مصائب جنگ و تاثیر آن بر زندگی مردم و اجتماع پرداخته است و به دستاوردهای فرهنگی و اجتماعی مثبت جنگ چندان توجهی ندارد. درواقع مسائل جانبی و اجتماعی جنگ و تصویر ویرانگری آن در این دسته آثار بارزتر است. نویسندگان این جریان با جنگ سر سازگاری ندارند، اما با اعتقاد به دفاع از میهن، واقع‌گرایانه از همه تبعات جنگ می‌نویسند. در حقیقت این آثار گونه‌ای از رئالیسم است که به تاثیر جنگ بر مردمان شهرها و روستاهایی که به نحوی بنیاد خانواده و روابط اجتماعی‌شان دگرگون شده است می‌پردازد. بنابراین زندگی طبقات مختلف، پیامدهای فرهنگی و قومی ناشی از جنگ و مسأله آوارگان مورد توجه این دسته از آثار است.

در این رویکرد مسائل زیر برجسته است:

۱. زندگی طبقات مختلف مردم جامعه و پیامدهای فرهنگی، اقتصادی و قومی جنگ؛

۲. مسئله بازماندگان و آوارگان جنگ؛

۳. انتقاد از شتابناکی تحولات جامعه انقلابی و دور شدن از برخی آرمان‌ها؛

۳. داستان‌های انتقادمحور

این رویکرد شامل آثاری است که در رد یا تشکیک در جنگ و انتقاد از آن نوشته شده است. نوع نگاه نویسندگان این رویکرد به جنگ بدبینانه است و از دستاوردهای آن در استحکام روحیه استقلال‌خواهی، خودباوری، شجاع، ایثار و فداکاری عمومی غفلت می‌ورزد. در این میان دو نگاه بارزتر است: برخی از این آثار جنگ و رزمندگان را برای جامعه مضر دانسته‌اند و در نفی و طرد این دو موضوع نوشته‌اند و برخی نیز به همراه نگاه بدبینانه، همانند پدری دلسوز به فرزندان نادان خود نگریسته‌اند و با بیان آثار منفی جنگ سعی داشته‌اند از آن جلوگیری کنند. نگا ه اول در رمان‌های آداب زیارت (تقی مدرسی)، ناگهان سیلاب (مهدی سحابی) و شب ملخ (جواد مجابی) دیده می‌شود و رمان‌های نامه‌ای به دنیا، ثریا در اغما، زمستان ۷۲ (اسماعیل فصیح) راوی نگاه دوم است.

رویکرد انتقادمحور را نمی‌توان در جهت ادبیات ضد جنگ قرار داد؛ زیرا به لحاظ پشتوانه فکری و فلسفی و نیز پردازش تباهی‌های جنگ بسیار ضعیف است و اغلب از محدوده برخی دغدغه‌های شبه‌روشنفکری و نیز هجویه‌های سطحی سیاسی و اجتماعی فراتر نمی‌رود. از سوی دیگر جنگ مسئله اصلی آنها نیست و در حاشیه داستان قرار دارد. این رویکرد به لحاظ برخی

محدودیت‌ها یا دیدگاه‌های عرفی جامعه پر و بال گسترده‌ای نداشته و به چند رمان و داستان کوتاه محدود شده است. در این داستان‌ها، کشته شدن در جنگ، مرگ اسفبار، دلخراش و جبران‌ناپذیری است و در اغلب این آثار جنگ به جای اینکه در میدان نبرد روایت شود، در کوچه و پس‌کوچه‌ها و خیابان‌های شهر و در سیمای بمباران‌ها و نابسامانی‌ها به نمایش گذاشته می‌شود. به طور مثال در مجله آدینه هشت داستان کوتاه از نویسندگانی مثل عباس معروفی، جواد مجابی، فرج سرکوهی، مهدی سحابی و... تا مهرماه ۱۳۷۲ چاپ شده است که موضوع همه آنها بمباران شهرهاست (سلیمانی، ۳۳:۱۳۸۲).

در داستان‌های این رویکرد، شخصیتی که در میدان نبرد کشته می‌شود، انگیزه‌ای برای رفتن به جنگ ندارد، یا ظاهراً به اجبار به جنگ فرستاده شده یا بهانه‌ای غیر از انگیزه‌های داوطلبانه معنوی (آنچه در دو رویکرد نخست هست) دارد. درواقع آدم‌هایی که اغلب انگیزه‌ای برای جنگ و حتی مقاومت ندارند، بیشتر قربانی‌های جنگ محسوب می‌شوند تا قهرمان‌های نبردهای ملی و مذهبی.

در این رویکرد مسائل زیر برجسته است:

۱. رد یا تشکیک در جنگ و انتقاد از آن؛

۲. بدبینانه بودن نوع نگاه نویسندگان این رویکرد به جنگ و پرداختن به نکات منفی آن؛

۳. غفلت از دستاوردهای جنگ در استحکام روحیه استقلال‌خواهی، خودباوری، شجاعت، ایثار و فداکاری عمومی؛

۴. فراتر نرفتن از محدوده برخی دغدغه‌های شبه‌روشنفکری و نیز هجویه‌های سطحی سیاسی و اجتماعی؛

۵. موقعیت داستان در این آثار اغلب فضاهای شهری و مسائلی مثل بمباران‌هاست.

۴. داستان‌های انسان‌محور

در این رویکرد آثاری مطرح می‌شود که محور آنها ارزش‌های والای انسانی است. این رویکرد به انسان در جنگ و انسان برآمده از آن می‌پردازد. در اغلب آثاری که در زمان جنگ پدید آمد، یافتن ارزش‌ها یا دغدغه‌های اجتماعی و گاه شبه‌روشنفکری، محور کار بود، و یکی از مسائل مهم، یعنی «انسان جنگ» فراموش شده بود. به عبارت دیگر دیدگاه انسانی که دغدغه همه آدم‌ها است در آثار رویکردهای دیگر حذف شده است. چنانکه در رویکرد ارزش‌محور آدم‌ها مطلق می‌شوند؛ یا مظهر خیر هستند و یا مظهر شر. اما پس از جنگ آثاری پدید آمد که

توانست به مرزهای این مفهوم- انسانی- نزدیک شود. مفهوم جنگ در بسیاری از داستان‌هایی که در سال‌های اخیر نوشته می‌شود و به‌خصوص در نوشته‌های نویسندگانی که سال‌هایی را در جنگ گذرانده و نویسندگی را از نوشتن داستان‌های جنگی آغاز کرده‌اند، دگردیسی بنیانی‌ای را پشت سر گذاشته است. جنگ در این داستان‌ها به جای آنکه نبرد خیر و شر باشد، یا مرثیه‌ای است بر همه چیزهای رفته، یا سرنوشت یکسان‌کننده‌ای که از هر دو سوی نبرد قربانی می‌گیرد (یاوری، ۵:۱۳۸۴).

در این آثار جنگ از روایت‌های کلیشه‌ای به درمی‌آید و به سمت یک معنای مدرن و نو حرکت می‌کند. پرهیز از نوشتن در مسیرهای قراردادی و خونسردی در روایت جنگ، و به خشونت پنهان و مرگ، وضوح بیشتر بخشیدن از ویژگی‌های بارز این رویکرد است. در این آثار سخن از فضاها و ماجراهایی به میان می‌آید که پیش از این مطرح نشده است. اینها شامل ترس، خشونت پنهان جنگ، تردید و از همه مهم‌تر تنهایی- انسان- است و سربازان و بازماندگان از جنگ را در موقعیتی روان‌شناختی قرار می‌دهد که در آن جایی برای رویاپردازی و تکرار کلیشه های رایج نیست. از مضامین عمده این رویکرد اعتراض به سرنوشت انسان‌های شرکت‌کننده در جنگ است. به همین دلیل برخی از عنوان ادبیات اعتراض برای نامیدن آن استفاده کرده‌اند.

ادبیات جنگ در دنیا نیز همین مسیر دگردیسی را طی کرده است. تا پیش از جنگ جهانی اول، در آثاری که درباره جنگ نوشته می‌شده، توجه به ابعاد حماسی و قهرمانان جنگ در اولویت قرار داشته است. در این آثار، قهرمان داستان نه می‌ترسید و نه دچار تردید می‌شد. اما بعد از جنگ نگاه نسبی به جنگ، ادبی و انسانی شد. سیمون دوبوار علت این تغییر را در این می‌داند که پس از جنگ خاطراتی از سربازان و شرکت‌کنندگان در جنگ منتشر شد که نویسنده صادقانه از آنچه بر او و همرزمانش گذشته بود روایت می‌کرد. در این خاطرات نویسنده اعتراف می‌کرد که در مواردی به شدت ترسیده یا جرات جلو رفتن نداشته است یا اینکه گاهی ارزش‌های انسانی او را وادار به تردید در جنگ کرده است (رحیمی، ۳۷:۱۳۷۴).

داستان‌های این رویکرد ستایشگر مرگ نیست:

«بسیاری از کسانی که به جبهه رفته‌اند به کل مساله حضور در جبهه، طور دیگری نگاه کرده‌اند. مثلاً جنگ ویتنام در آمریکا تبدیل شده به وجدان ناآرام مردم آمریکا با همه پیامدها و پشیمانی‌هایش. ادبیات جنگ در بسیاری از کشورهای دنیا حالت کلی بازنگری نسبت به

جنگ و دشمن را در خودش منعکس می‌کند. در ایران همچنین سیری دیده می‌شود و این باز یکی از ویژگی‌های ممتاز ادبیات داستانی ایران در سالیان اخیر است. مثلاً باغ بلور مخملباف در دوره‌ای نوشته می‌شود که هنوز جای دوست و دشمن در ادبیات داستانی ایران مشخص است و هنوز دشمن باید از میان برداشته شود. هنوز دو نفر آدم بدون اینکه یکدیگر را بشناسند باید تفنگ‌شان را در داستان به روی هم نشانه بگیرند و با حسی از پیروزی و شاید هم افتخار و قهرمانی به خانه بازگردند. ولی امروز در بیشتر نوشته‌های جنگ، جنگندگان دو سوی جبهه با ویژگی‌های مشترک انسانی تصویر می‌شوند. این داستان‌ها جنگ را به مثابه یک موقعیت عام بشری و رودررویی دو انسان به نمایش می‌گذارند. دو انسانی که عاشق زندگی هستند اما یکی از آنها باید بمیرد... همه قهرمان‌های دیروز و امروز به این دلیل ستایش شده‌اند که از جان خودشان در راه تحقق یک آرمان و یا بهبود زندگی دیگران گذاشته‌اند. یعنی در نگاه ما این نیاز را دیده‌اند و به آن پاسخ گفته‌اند. قهرمان‌هایی که ما به‌خصوص در ایام اخیر تاریخ‌مان به میدان فرستادیم و به خاطر ما جان‌شان را از دست دادند از ما خیلی طلبکارند. ما آرزوهای خودمان را برای زندگی کردن، برای دیدن آب و درخت و آفتاب به آنها منعکس کردیم و آرزوی آنها را برای زنده ماندن از یاد بردیم و فرصت دیدن آفتاب و آسمان و درخت را از آنها دریغ کردیم. حالا اگر کسی داستانی درباره جنگ بنویسد که در آن به جای لفت و لعاب دادن به قهرمانی‌های خودش و دیگران، از ترس، از خستگی، از آرزوی زنده ماندن در آن فضای آلوده به غبار و بوی مرگ بگوید، اسطوره قهرمان را متزلزل کرده است. اگر کسی داستان کسی را بنویسد که در میدان جنگ می‌ترسد و این ترس را طوری به نمایش بگذارد که خواننده را با خودش همراه کند کار درخشانی کرده است. آنکه از بیم جنگ لرزان است نه وطن‌فروش است و نه بی‌اعتنا به حق و حقیقت. می‌ترسد چون انسان است و به همین دلیل می‌تواند به دشمن هم به عنوان یک انسان نگاه کند و این را به خوانندگانش هم بیاموزد. ادبیات جنگ امروز ایران نمونه‌های درخشانی از این تحول را نشان می‌دهد (یاوری، ۱۶ بهمن ۱۳۸۴).

نویسنده این رویکرد با پرداختن به سرنوشت آدم‌های داستانش علاوه بر عینی کردن گوشه‌هایی از واقعیت تلخ و جانخراش جنگ، به مضامین پیچیده‌ای از ژرف ساخت شخصیت انسان می‌پردازد. وجوهی مانند ترس و فرار از مرگ و همچنین تردید و از دست دادن خودباوری از آن جمله است. بعد از گذشت سال‌ها با آثاری که در این رویکرد پدید آمده

فضایی برای بیان مفاهیم انسانی، فارغ از رویکردهای خاص و تقدس‌گرایی فراهم آمده و در جنبه قدسی ادبیات جنگ تجدیدنظر شده است. نویسنده این رویکرد به این نکته رسیده است که تا زمانی که مفاهیم به دو طبقه «مقدس» و «زمینی» تقسیم می‌شود، «ادبیات واقعی» شکل نمی‌گیرد. همه چیز باید آن‌قدر قابل دسترس، زمینی، و قابل تجربه باشد تا ذهن خلاق یک نویسنده اجازه درگیری با مفاهیم را داشته باشد. برای مثال کلمه ایثار، زمانی که بار قدسی نداشته باشد می‌تواند در یک بستر داستانی به «نادانی» تأویل شود و در بستر داستانی دیگر به یک «فضیلت اخلاقی». فضای آزاد اجازه می‌دهد خواننده و نویسنده در یک تعامل سازنده به فضاهای مشترک برسند. به طور مثال احمد دهقان در مجموعه داستان من قاتل پسرتان هستم (۱۳۸۳) نشان می‌دهد که اعتقاد دارد شهیدان جنگ به آسمان‌ها رفته‌اند، اما روی همین زمین خاکی جنگیده‌اند. دهقان می‌خواهد بخش خاکی جنگ را نشان دهد تا بخش آسمانی باورپذیر باشد. خشونت و سیاهی قابل توجهی که در قصه‌های او دیده می‌شود حاصل رسمیت دادن به گریز از ادبیات رسمی جنگ است (شفیعی، ۱۳۸۴). من قاتل پسرتان هستم، ده داستان کوتاه درباره جنگ دارد. این داستان‌های کوتاه برشی از حالات روانی راوی یا یکی از شخصیت‌های داستان یا به تعبیر دیگر روایت ژرف لحظاتی کوتاه از تأثرات روحی روای یا شخصیت دیگری از داستان است. نویسنده از طریق این برش‌ها و کاوش در لایه‌های پنهان روح و ذهن شخصیت‌های داستان می‌کوشد ابعاد و تاثیرات روحی و روانی جنگ را باز نماید. در این مجموعه داستان کوتاه «من قاتل پسرتان هستم»، نامه‌ای است که به یک پدر شهید نوشته شده. نویسنده نامه معتقد است فرزند گیرنده نامه را کشته است. در جریان عملیات عده‌ای غواص، برای لو نرفتن، نباید صدای کسی درمی‌آمده. اما پسر آن پدر تیر به گلویش می‌خورد و خرخر گلوی او گروهی را که قصد حمله به مواضع دشمن دارند، نگران می‌کند. فرمانده به نویسنده نامه دستور می‌دهد که سر دوستش را زیر آب کند تا دیگر صدایی بلند نشود، او با اکراه این کار را انجام می‌دهد و بعد از سال‌ها برای پدر دوستش نامه می‌نویسد که من قاتل پسرتان هستم. داستان «بلیت» به صورت یک گفت‌وگوی کوتاه در اتوبوس روایت می‌شود و نشان می‌دهد به‌رغم اینکه با هیچ حادثه‌ای روبه‌رو نیستیم، اما با تغییر نگرش آدم‌های بعد از جنگ، جا می‌خوریم. آدم‌هایی که تا دیروز جان خود را برای هم فدا می‌کردند؛ اما حالا حاضر نیستند شماره تلفن هم‌رزم خود را در جایی ثبت کنند. در داستان «بازگشت»، سربازان از جنگ برمی‌گردند. اما برخوردی که با آنها می‌شود، دور از انتظار است. جنگ تمام

شده و فرمانده در گفتاری کوتاه از استقبال باشکوه مردم از سربازان خبر می‌دهد. سربازان در ایستگاهی منتظر رسیدن قطار هستند تا به شهرهایشان بازگردند؛ اما قطارها بی‌اعتنا به آنها می‌آیند و از مقابلشان می‌گذرند. شب می‌شود و شب نیز به صبح می‌رسد، اما قطاری که قرار است سربازان را به خانهّ‌هایشان بازگرداند به ایستگاه نمی‌رسد. عاقبت آنها جلوی قطاری را می‌گیرند و به زور سوار می‌شوند. اما قطار راه نمی‌افتد، سرانجام با توافق فرمانده و رئیس قطار سربازان مجبور می‌شوند در راهروهای قطار بمانند. درواقع داستان روایت نادیده گرفتن کسانی است که از همه چیز خود برای آنهایی که الان به آنها اعتنا نمی‌کنند گذشته‌اند. احمد دهقان در داستان «بازگشت» به واقعیت موجود چیزی اضافه نمی‌کند تا بی‌رحمی یا خشونت بشری را درشت‌نمایی کند. انگار نه انگار اینها همان سربازانی بودند که حتی بیشتر از آنچه لازم بود در جبهه می‌ماندند و می‌جنگیدند. این داستان به خوبی می‌تواند تلاش احمد دهقان را از زمانی که واقعه را «در روزهای آخر» آورده تا به امروز نشان دهد. (قیصری، ۱۳۸۴).

داستان‌های اخیر احمد غلامی نیز گویای همین دغدغه‌های انسانی است. نگاه متفاوت به جنگ و توجه به نکات ظریف در روابط انسان‌ها در این داستان‌ها دیده می‌شود. غلامی گرایش به مضمون دارد و فرم داستان در نظر او اهمیت چندانی ندارد. در داستان‌های مجموعه تو می‌گی من اونو کشتم (۱۳۸۴) قالب گفت‌وگو بار بیان تمام مضامین داستان را بر دوش دارد و راوی (نویسنده) بدون دخالت، خواسته‌هایش را از زبان شخصیت‌ها بیان می‌کند و خود با خونسردی تمام به شخصیت‌ها و اتفاقات پیرامون آنها بی‌تفاوت است.

در مجموعه فعلاً اسم ندارد، الماس، سربازی که تنها مانده است، برای نگهداری یک پل کشتگان ایرانی و عراقی را در کنار هم قرار داده، به دست هر کدام اسلحه‌ای می‌دهد. صبح از روبه‌رو و نیز از پشت سر به او حمله می‌کنند. از روبه‌روی تیری به سینه و از پشت سر تیری به پشت او می‌نشیند. الماس حیران از این حادثه در حال جان کندن، فکر و اندیشه‌اش این است:

«کدام یک کار را تمام می‌کند: زخم روی سینه یا زخم پشت سر؟ می‌خواست این معادله را حل کند که پلک‌هایش سنگین شد و دشت را سکوت سنگینی پوشاند» (غلامی، ۵۴:۱۳۸۴).

دغدغه اصلی الماس این است که نمی‌داند دشمن کیست و حتی او برای که می‌جنگد. داستان با این نتیجه به پایان می‌رسد که دشمن جنگ است نه دو گروهی که با هم در ستیزه‌اند.

در داستان «دشمن ما» از همین مجموعه دو گروه درگیر این‌گونه توصیف می‌شوند:

«آنها از ما می‌ترسیدند و ما از آنها. آنها دشمن ما بودند و برعکس... .

گلوله‌های آنها خاموش شد و نعره‌ای برخاست که همه را به سکوت واداشت. نعره درد و ترس از مرگ. خر خر غلیظ خون در گلو و ناله مرگ. ما فاتح، آنها مغلوب و برعکس. ما شهید، آنها کشته و برعکس...» (همان، ۷۵)

«فال خون» (داوود غفارزادگان)

مگر حقیقتی است که وجود دارد. اما وقتی در زمینه واقعیتی عام و گسترده مانند جنگ قرار می‌گیرد، ابعاد وسیع‌تری می‌یابد. در جنگ با شلیک هر گلوله، زندگی‌ای در حال پایان است و مرگ دیرباور، مدام صدای مهیبش چون انفجاری نزدیک به گوش می‌رسد و ذره ذره پدیدار می‌شود. کابوس مرگ سبب می‌شود، مرگ نارسیده، زندگی از میان برود. داستان بلند «فال خون» روایت کابوس مرگ است. اجتناب‌ناپذیری مرگ در جنگ و کابوس چگونه مردم درونمایه محوری این داستان است. تباهی و نیستی عاقبت غیرقابل انکار و قطعی جنگ است. نویسنده با طرحی روان‌شناختی، داستان سرباز عراقی‌ای را مطرح می‌کند که تحت تاثیر جنگ، جز مرگ و سیاهی چیز دیگری نمی‌بیند و در گریزناپذیری مرگ خود دچار کابوس‌های دلخراش شده است. او سرباز بی‌رحمی نیست و حتی از کشتن نوجوانان ایرانی اجتناب می‌کند، اما کابوس‌های مرگ آنچنان بر او حاکم است که برای انتخاب نوع مرگ حاضر به کشتن نیروی خود (ستوان) می‌شود. تمام داستان دغدغه‌های ذهن پریشان یک آسیب دیده روانی در جنگ است. در داستان چهره کریه جنگ نشان داده می‌شود. همچنین متجاوز بودن عراق به صورت ضمنی و ایثارگر بودن بچه‌های ایرانی نیز مطرح می‌شود. داستان روایت اثرگذاری منفی جنگ بر روح و روان انسان‌هاست، چنان‌که از انسان قاتلی تمام‌عیار می‌سازد.

«داستان رحمان»

«داستان رحمان» بیانگر مضامین انسانی است. اینکه جنگ از هر دو سوی نبرد قربانی می‌گیرد. قربانی ها نهایتاً سرنوشتی یکسان دارند و مرزی بین دشمن و خودی وجود ندارد. مرزی بین انسان‌ها نیست و یکی بودنشان فارغ از ملیت و زبان و... مهم است و نیز اینکه انتقام‌خواهی عارضه جنگ است و منشاء آن بی‌رحمی جنگ و عدم تمایز بین خودی و غیرخودی است. از همان آغاز روایت اصلی در داستان، سرباز عراقی به چشم یک انسان به اسیر ایرانی نگاه می‌کند، هر چند نگاه همسنگرش رحمان به دلیل از دست دادن اعضای خانواده‌اش در جنگ، خصمانه است. سرباز عراقی به رحمان برای کشتن اسیر ایرانی اعتراض می‌کند و فضای غالب داستان نگاه انسان‌دوستانه به دشمن است و کشتن اسیر ایرانی به عنوان

یک پدیده زشت جنگ قلمداد می‌شود. کنش‌های سرباز عراقی (راوی داستان) نیز تأکیدی بر انسان‌محوری داستان است؛ راوی جنازه اسیر ایرانی را دفن می‌کند. او چند سطر آخر روایتش را به زبان عربی و فارسی می‌نویسد و اعلام می‌کند که چه عرب و چه عجم من دوست شما هستم:

«من زنده‌ام. از تشنگی به خواب رفته‌ام. به زبان شما نوشته‌ام. عرب یا عجم چه فرقی می‌کند، من تشنه‌ام. اسمم را فراموش کرده‌ام. بگویید «رحمان».

حتی دفن هم‌سنگر (رحمان) در کنار اسیر ایرانی کنشی براساس همین نگاه انسانی است. یکی بودن نام ایرانی و دوست همسنگرش (هر دو رحمان نام دارند) نیز گویای یکی دیدن انسان‌ها است.

۱. درونمایه داستان‌ها مسائل درونی انسانی است؛

۲. داستان‌های این رویکرد به انسان در جنگ و انسان برآمده از آن می‌پردازد؛

۳. نویسنده این داستان ها از نوشتن در مسیرهای قراردادی پرهیز می‌کند و در روایت جنگ خونسرد است؛

۴. سخن گفتن از فضاها و ماجراهایی که پیش از این تابو بوده است. این تابوها شامل ترس، خشونت پنهان و از همه مهم‌تر تنهایی- انسان- است؛

۵. اعتراض به سرنوشت بازماندگان جنگ.

در رویکرد چهارم آثاری از نویسندگان زیر قرار دارد:

احمد دهقان (من قاتل پسرتان هستم) احمد غلامی (کفش‌های شیطان را نپوش، تو می‌گی من اونو کشتم، فعلاً اسم ندارد) حسن بنی‌عامری (گنجشک‌ها بهشت را می‌فهمند، «لالایی لیلی»، نفس نکش بخند بگو سلام)، مرتضی مردیها (در شعله‌های آب) مجید قیصری (سه دختر گل‌فروش)، محمدرضا بایرامی (پل معلق)، شاهرخ تندرو صالح (باغ بارون) و حسین مرتضائیان آبکنار (داستان رحمان، «تانک» عقرب روی راه‌آهن تهران اندیمشک) و... .

۳-۵. خاطره نویسی، تحلیلی جامعه شناختی در هنر و ادبیات جنگ

خاطره نوشته ها یا خاطره نگاشته های جنگ که در حال حاضر تنها بخش کوچکی از آن

چاپ و منشر شده، تا کنون کمتر به مثابه یک ژانر (گونه) هنری و ادبی مورد توجه جامعه شناسان هنر و ادبیات در ایران قرار گرفته است. هدف مقاله حاضر روشن کردن اهمیت جنبه های جامعه شناختی این نوع هنری و ارزش جامعه شناختی آن در شناخت «جهان جبهه» یا به بیان دیگر «اجتماع همبسته رزمندگان»مسلمان ایرانی است. بدیهی است جنگ همچون هر پدیده اجتماعی دیگر پدیده ای است که وجوه مشابه آن را در مکان ها و زمان های مختلف می‌توان مشاهده و بررسی کرد و دقیقا همین امر بررسی تطبیقی این پدیده را ممکن می سازد □□

مقاله حاضر ابتدا خاطره نگاشته ها یا خاطره نوشته ها را به مثابه گونه ای هنری –ادبی بررسی کرده و سپس به روایت تبیین ویژگی های آن به لحاظ عناصری چون روایت، روایت کننده و زمان و مکان روایت پرداخته و جنبه هائی از خاطرات جنگ رزمندگان ایران را که قابل پژوهش جامعه شناختی اند فهرست وار برشمرده است □□ در پایان نیز داستان های کوتاه جنگ به لحاظ برخورداری و تأثیر پذیری فراوان از خاطرات رزمندگان مورد نقد جامعه شناختی قرار گرفته است

جنگ هشت ساله عراق علیه ایران و بحث دفاع مقدس موضوعی است که در سال های جنگ و پس از آن دستمایه خلق آثاری شده که معنای دیگری به مفهوم جنگ (که در ذهنیت بین المللی منفور به نظر می رسد) بخشیده است، معنایی کاملا فرا تاریخی و در عین حال قدسی که حاصل نوع نگاه رزمندگان به مقوله دفاع از مام میهن بوده است .

گذشته از این نمی‌توان منکر این واقعیت بود که دفاع مقدس به عنوان یک واقعه بزرگ ملی در حافظه تاریخی ایران و مردمش با مردانی که دفاع جانانه شان از خاک و مرز این جغرافیا نقش بس کلیدی بازی کرده‌اند در کتاب تاریخ باقی مانده است .

با این حال و به باور بسیاری از نویسندگان یکی از راه‌های روایت جنگ برای نسل جدید خاطره نگاری است؛ خاطره نگاری با وجود جایگاه ویژه خود در ادبیات جهان در ادبیات ایران سابقه چندانی ندارد و گرایش جدید به این رویکرد ادبی، با پرسش‌های متعددی روبروست؛ اصولا خاطره چه مولفه‌هایی دارد؟ ادبیات است یا تاریخ؟ آیا این نوع نگارش،

خلق ادبی محسوب می‌شود؟ و...

آنچه در پی می‌آید بازخوانی آسیب شناسانه خاطره نویسی جنگ از دید صاحب نظران و نویسندگان این حوزه تخصصی است که گویا در روزگار ما طرفداران بسیاری پیدا کرده است ...

حسین علایی :

پس از جنگ یکی از کارهای خوبی که در ایران انجام شد، ثبت و ضبط و انتشار خاطرات شفاهی رزمندگان اسلام در جبهه های مختلف بود. البته مسئله مهمی که در بحث تولید کتاب‌های خاطرات شفاهی وجود دارد، این است که تا جایی که خاطرات مربوط به دیده‌ها و یافته‌های خود گوینده است، مطالب بسیار مطمئن و درست است، اما هرگاه در مورد وقایعی صحبت می‌شود که برداشت‌های افراد از مسائل جا افتاده و اطلاعات و شنیده‌هایی که خود فرد شاهد آن‌ها نبوده، با تفسیر و تعبیرهایی روبرو می‌شویم که در بعضی موارد این احساس به وجود می‌آید که در مسائل اغراق شده و عین واقعیت ذکر نشده است .

یا اینکه یک واقعیت از زوایای مختلف و افراد مختلفی بیان شده که در اینجا هم ممکن است روایت های مختلفی از یک موضوع بیان شود. ولی به هرحال آنچه مهم است اینکه بیان خاطرات جنگ از هر زاویه و دیدی که باشد می‌تواند ادبیات مربوط به این حوزه در قالب رمان و داستان و .. را غنی کند. باید یادمان باشد که به تعداد رزمندگان می‌توان کتاب‌های خاطره نوشت و مسائل جنگ را از دید آنها تجزیه و تحلیل کرد.

از طرف دیگر در ادبیات مربوط به جنگ با توجه به گذشت زمان، خاطراتی که الان نوشته می‌شود یک مقداری بعد زمانی نسبت به وقوع وقایع باعث می‌شود بخشی از خاطرات نامفهوم باشد. مثلاً بعضی از افراد تاریخ را به خوبی به یاد نیاورند و یا حتی شرایط زمانی را فراموش کنند و حتی تاریخ ها را اشتباه ذکر کنند .

در چنین شرایطی اگر میز گردهایی برای تدوین خاطرات برگزار شود که افراد مختلف در

حوزه مشترک دور هم جمع شوند و یک خاطره را با هم بیان کنند و با تعاطی خاطرات روایت‌های صحیح تری بیان کرد و حتی به بهتر نوشتن زوایایی که ممکن است از ذهن بعضی از عزیزان دور شده یا فراموش شده باشند کمک می کند.

نکته مهم تر این است که این خاطرات در بحث نشر ارزش‌های دفاع مقدس، جای خودش را دارد. نوشتن تاریخ تحلیلی جنگ چیز دیگری است. خاطرات، وقایع اتفاق افتاده را با زبان عاطفی بیان می کند، اما نمی‌تواند همه مسائل مربوط به جنگ را نشان بدهد. بخش زیادی از جنگ به تفسیرها بر می گردد. مثلاً چرا جنگ اتفاق افتاده است؟ چرا جنگ طولانی شد؟ آیا زمانی بهتر از زمان پذیرش قطعنامه ی ۵۹۸ برای پایان دادن به جنگ وجود نداشت؟ آیا تمام اعمالی که ما انجام دادیم براساس تدبیر و منطق بوده است؟ دلایل شکست بعضی از عملیات ها و دلایل موفقیت آن ها چیست؟

این ها را خیلی در خاطرات نمی‌شود دریافت کرد، گرچه بخش های ظریفی از آن ها را نشان می دهد، اما بسیاری از مسائل هست که نیاز به تدوین تاریخ تحلیلی جنگ دارد. جنگ را باید فراتر از خاطرات و بعد عاطفی و احساسی ارزیابی کرد؛ این تصور اشتباهی است که خاطره نویسی می‌تواند جای مطالب و مسائل اساسی و اصولی جنگ را پر کند.

حمید حسام :

به باور من ژانر ترکیبی تاریخ و داستان یا به تعبیری بهتر بازنویسی خاطرات با متد و مؤلفه‌های داستانی قالب و سبک جدیدی است که پس از انقلاب اسلامی شکل گرفته و در دوران جنگ تحمیلی عراق علیه ایران نضج یافته و می‌توان مدعی بود که این ژانر جایگاهش را در میان نویسندگان نسل امروز پیدا کرده است.

به نظرم مدارک و مستندات جبهه و جنگ هیچ ظرفی زیباتر و شایسته تر از خاطره نویسی در دفاع مقدس ندارد. در آینده می توان به آن اعتماد کرد و نسل‌های آینده به خوبی از آن بهره خواهند برد. البته خاطره نگاری در ادبیات ایران سابقه چندانی ندارد و اگر از استثناها بگذریم خاطره نگاری به شکل معمول هم در ادبیات ما به عنوان یک ژانر حضور نداشته است.

نطفه این ژانر در فضای جبهه و جنگ بسته شده و در دوران دفاع مقدس متولد شده است.

قاسم یاحسینی :

اساساً خاطره نویسی در زیر مجموعه تاریخ نگاری قرار می‌گیرد و «کتاب خاطرات «از جمله منابع اصلی یک مورخ در بازنویسی واقعه تاریخی است. ظرف چند سال اخیر، نشانه‌های آشکاری در دگردیسی ادبیات خاطره نویسی در ایران قابل مشاهده و پیگیری است. اگر بخواهیم سیر خاطره نویسی و تغییر رویکردهای آن را از سال ۱۳۵۹ (آغاز جنگ تحمیلی) تا به امروز پی گیری کنیم، می‌توان دست کم سه دوره آشکار را نام برد.

اولین دوره مطابق است با دوران هشت ساله جنگ عراق علیه ایران. در این دوره به دلیل مسائل امنیتی، تبلیغاتی و فشارهای درونی و بیرونی، محور اصلی ادبیات خاطره نویسی تأکید بر حماسه آفرینی‌های رزمندگان و در عین حال تحقیر دشمن بود.

با پایان جنگ و تا نیمه دوم دهه هفتاد اگرچه شکل و محتوای کار هنوز منبعث از روزنوشت‌ها و خط نگاری هایی در جهت تحقیر دشمن و ذره‌بین افکندن بر رشادت‌های شهیدان و رزمندگان بود، اما در برخی از گام‌ها شاهد نزدیکی خاطرات بیان شده بر واقعیت‌های جنگ، به دور از بزرگنمایی‌های مرسوم هستیم.

موج سوم خاطره نویسی از اواخر دهه هفتاد آغاز شده که هنوز هم ادامه دارد و خوشبختانه روزبه‌روز به دوران بلوغ و تکامل خود نزدیک و نزدیک تر می‌شود. اصلی ترین مشخصه موج سوم خاطره‌نویسی دفاع مقدس هم، خاکستری بودن (واقعی تر بودن (خاطرات است و نویسندگان کمتر به رویکرد مشهور «سیاه و سفید» نظر داشته‌اند.

برای نمونه نگاه‌های «سیاه و سفید» به اشغال و آزادسازی خرمشهر از جمله آسیب‌های اصلی این دسته از خاطرات مکتوب شده درباره سوم خرداد است، به طوری که گاه خاطرات موجود چنان لحن حماسی و تبلیغی به خود می گیرند که متأسفانه به عنوان «منبع تاریخ» ارزش خود را از دست می‌دهند و تا حد یک کارکرد احساساتی ـ تأثیری نزول می‌کنند. باید به شدت مراقب این آسیب جدی باشیم.

محمود جوانبخت :

خاطره‌نویسی لحظه‌های سرنوشت ساز دفاع مقدس مستلزم دسترسی به منابعی است که نویسنده بتواند با استناد به آنها روایتی دقیق از زندگی فرماندهان برجسته‌ای چون همت، باکری، محمد جهان‌آرا و... ارائه کند.

بحث اصلی من ناظر بر کمبود منابع و تحقیقات میدانی است چرا که اساساً با وجود تحقیقاتی که در مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ سپاه و ارتش صورت می‌گیرد هنوز بخش عمده‌ای از خاطره‌های دفاع مقدس به لحاظ تحقیقاتی غبار زدایی نشده و بخش عمده‌ای از خاطرات عملیات بیت‌المقدس یا دفاع از خرمشهر در کتاب‌های مختلف پخش شده است. به تعبیری هنوز کار علمی، منطقی، دقیق و مستند در مورد برهه‌هایی از تاریخ دفاع مقدس صورت نگرفته و کارهای انجام شده نمی‌تواند یک شاهد برای کلیت کار روی هشت سال دفاع مقدس باشد.

وقتی هنوز منابع تحقیقاتی دفاع مقدس، آن گونه که باید و شاید به صورت دقیق و کامل در اختیار پژوهشگران قرار نگرفته، نمی‌توان انتظار داشت که خاطره‌نویسی درباره زندگی سرداران شهید تأثیرگذار در دفاع مقدس آن گونه که باید و شاید پیشرفت کند چه رسد به این که ما انتظار خلق آثار ادبی تأثیرگذار داشته باشیم.

این در حالی است که برای نمونه هنوز اسناد زنده‌ای چون همراهان و همرزمان شهدا در کشور هستند. برای مثال همرزمان شهید جهان‌آرا نظیر سید عباس بحرالعلوم، سید صالح موسوی، حاج محمد سمیرمی و حاج محمد نورانی و حاج عبدالله نورانی در قید حیات هستند اما متأسفانه محقق و پژوهشگری به سراغ آنها نرفته است.

جمع‌آوری اطلاعات از جمله مسائلی است که به هر حال در نظر من مغفول واقع شده و تا این مهم به فرجام نرسد نمی‌توان شاهد ارتقای خاطره‌نویسی دفاع مقدس و به تبع آن داستان نویسی جنگ تحمیلی بود.

رحیم مخدومی: تنها فرماندهان در جنگ نبودند

بخش عمده‌ای از وقایع تأثیرگذار تاریخ دفاع مقدس به دلیل شاخص بودن کمتر مورد توجه خاطره نویسان و یا حتی خاطره نگاران قرار گرفته است. البته نمی‌توان منکر رشد خاطره‌نویسی بود و باید از تلاش‌هایی یاد کرد که هر کدام به قدر وسع خویش چراغی بر حماسه دفاع مقدس افکنده‌اند با این وجود باید یادآور شد که اساساً کارهای صورت گرفته در این حوزه آن قدر زیاد نیستند که هم به لحاظ ادبی و هم به لحاظ تاریخی حق مطلب را ادا کرده باشند.

نویسندگان اساساً به وقایع مهم دفاع مقدس آن گونه که باید و شاید نپرداخته‌اند. می‌توان از نمونه‌هایی چون باشگاه افسران سنندج، حماسه ناوچه پیکان و... اسم برد که می‌توانند موضوع و دستمایه خوبی برای کار باشند، اما وقتی حماسه شاخصی چون آزادسازی خرمشهر و... به شکل بایسته‌ای در قالب‌های خاطره یا داستان روایت نشده است نمی‌توان هیچ انتظاری از نویسندگان داشت.

همچنین نکته‌ای وجود دارد که از فرط بداهت مغفول مانده است؛ اساساً فتح‌ها و پیروزی‌های بزرگ همیشه ذهن شنونده را به سمت پارامترهایی چون فرماندهان و عاملان پیروزی، تعداد نیروها، وسعت جغرافیایی و... می‌برد و متأسفانه زوایای ریز و پنهان این گونه پیروزی‌ها مغفول واقع می‌شوند.

در این دست خاطره نگاری‌ها می‌بایست مخاطب را در ضمن پرداختن به آن پارامترها به سمت و سویی هدایت کرد که رفتارهای انسانی فرماندهان و رشادت نیروها نمود عینی بیشتری پیدا کند. متأسفانه شاخص بودن فرماندهان اصلی جنگ باعث می‌شود نویسنده دچار نوعی ابهام در فهم عملکرد فرمانده شود؛ ابهامی که به هر حال به ساختار روایت لطمه می‌زند.

چاره‌ای نیست جز اینکه تاریخ جنگ را به طور کامل روایت کرد چراکه زوم کردن روی فرماندهان باعث مغفول واقع شدن تلاش‌های دیگر رزمندگان تأثیرگذار (به لحاظ اخلاقی ـ شخصیتی و استراتژیک) می‌شود.

۳-۶. نویسندگان برگزیده

احمد زاده، حبیب:

حبیب احمد زاده، متولد سال۱۳۴۳ در آبادان است. او فارغ التحصیل کارشناسی ارشد ادبیات نمایشی، دارای مدرک دکترای پژوهش هنر و نویسنده فیلم نامه های متعدد از جمله اتوبوس شب ساخته کیومرث پوراحمد است. از او تاکنون فقط دو کتاب داستانی منتشر شده که البته هر دو با اقبال زیادی روبه‌رو شده و نامش را به‌عنوان نویسنده نیز تثبیت کرده مجموعه داستان «داستان‌های شهر جنگی» و رمان «شطرنج با ماشین قیامت» که هرکدام تاکنون در حدود ۲۰بار تجدید چاپ شده‌اند. در مقایسه با این دو اثر، کارهای سینمایی احمدزاده بسیار پربارتر و بیشتر است: نوشتن فیلمنامه پنج فیلم سینمایی به تنهایی یا به‌صورت مشترک با کارگردان و ساخت دو فیلم مستند در مقام کارگردان که هر دو جوایز بسیاری برای او به ارمغان آورد.

«آنکه دریا می‌رود» (آرش معیریان)، «اتوبوس شب» (کیومرث پوراحمد)، «گفت‌وگو با سایه» (خسرو سینایی)، «روایت سه‌گانه: اپیزود اول» (پرویز شیخ‌طادی) و «روایت سه‌گانه: اپیزود دوم» (عبدالحسن برزیده) پنج فیلمی هستند که احمدزاده در نوشتن فیلمنامه‌های‌شان حضور داشته است. «آخرین تیر آرش» و «موج زنده» نیز دو فیلم مستند ساخته خود او هستند. علاوه بر اینها، او مشاور فیلمنامه در فیلم موفق و معروف «آژانس شیشه‌ای» ساخته ابراهیم حاتمی‌کیا بوده است. احمدزاده به همراه کیومرث پوراحمد، پرویز پرستویی، مرتضی سرهنگی و سعید سیاح طاهری از بانیان اولیه جشن «کشتی دوستی» بودند. او از آنجایی که در آبادان و در ۱۳۴۳ به دنیا آمده، در زمان آغاز جنگ ۱۶سال داشته و جایی بوده که جنگ را خواهی‌نخواهی دیده است. او فارغ‌التحصیل کارشناسی ارشد ادبیات نمایشی از

دانشگاه هنر تهران و دکتری پژوهش هنر در دانشگاه تربیت مدرس است. احمدزاده بعد از انتشار شطرنج با ماشین قیامت، با اقبال زیادی روبه‌رو شد و بعد از آن بود که حتی کارهایش به خارج از ایران هم رسید. هرچند که انتشار کارهای نویسندگان مرتبط با حوزه هنری در کشورهای دیگر به ویژه آمریکا، همواره با اما و اگرهای بسیاری مواجه بوده است. ترجمه انگلیسی رمان « شطرنج با ماشین قیامت » نوشته حبیب احمد زاده در کنار کتابی از اورهان پاموک (برنده نوبل ادبیات سال ۲۰۰۹) به عنوان منبع درسی در دانشگاه راتجرز آمریکا معرفی شد.

امیرفجر، میثاق:

میثاق امیرفجر در سال ۱۳۲۸ شمسی در تهران در محله قدیمی سید نصرالدین در خیابان خیام به دنیا آمد. پدرش بازاری بود و اهل تقوا و عارف مسلک. دوران کودکی را در دبستان مصطفوی، جنوب شرقی بازار تهران به پایان برد و سپس در دبیرستان دارالفنون به اخذ دیپلم ادبی توفیق یافت. او پس از تحصیلات مقدماتی به دریافت لیسانس ادبیات انگلیسی و فوق لیسانس فلسفه از دانشگاه تهران نائل آمد و در محضر اساتیدی همچون استاد علی‌اکبر شهنازی در حدود بیست و پنج سال به شاگردی مشغول بود و مدتی را در کلیت الشرق الاوسط بیروت به تحصیل ادب و عرفان مسیحی و تطبیق عرفان ادیان پرداخت و در دانشکده آمریکایی بیروت نیز به گونه‌ای پراکنده در کلاسهایی حضور یافت. همچنین در ویلزی هال آکسفورد، به صورت مکاتبه‌ای و ناتمام، منطق، فلسفه، تاریخ، اقتصاد و جامعه-شناسی خواند و نیز مدتی در دانشکده هنرهای زیبای دانشگاه تهران به تدریس ادبیات دراماتیک، تحلیل نمایش و نمایشنامه‌نویسی پرداخت. وی بیش از ۶۰ کتاب تالیفی و ده ها مقاله در زمینه های مختلف و بیش از ۲۰۰ سخنرانی ضبط شده (در خصوص فلسفه و عرفان و ادب و تاریخ و تفسیر و علوم اجتماعی و هنر شرق و غرب) دارد وی همچنین در نوازندگی سازهای تار و سه تار و عود و کمانچه و ویلن چیرگی و تخصص دارد و مدتی را به گونه حرفه

ای به تعلیم و تدریس موسیقی و تدوین ردیفی برگزیده پرداخته است.

از آثارادبی وی می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

ورقاء، دره جذامیان، اشراق (سه جلد)، نغمه در زنجیر، دو قدم تا قاف، امیرکبیر، پنج گنج معنا، مضحکه ضحاک، داستان پیامبران (دو جلد)، سپیدارهای صبح (به ویژه دو داستان طنزآمیز «کمدی فیلسوفان»، «جنون قلم»)، انجیر و زیتون، کمدی شیطانی، انسان میوه نخل (به ویژه سلمان فارسی)، فلسفه مشاء و اشراق، ققنوس (که ترجمه است)، و ده جلد ترجمه و تحشیه تفسیر «کشف الاسرار» میبدی که برای انتشارات امیرکبیر انجام گشت اما چاپ و عرضه نشده است و مجموعه بیست جلدی پیامبر.

امیر خانی، رضا

وی در سال ۱۳۵۲ در تهران متولد شد. او در دبیرستان استعدادهای درخشان علامه حلی تهران درس خوانده است و فارغ التحصیل مهندسی مکانیک از دانشگاه صنعتی شریف است. در سال ۱۳۶۹ برای ساختن هواپیمای یک نفره غدیر ۲۴ از چهارمین جشنواره اختراعات و ابتکارات «خوارزمی» مقام اول را کسب کرد. در سال ۱۳۷۱ به عنوان جوان ترین خلبان شخصی کشور معرفی شد. وی پیش از آنکه به عنوان داستان نویس شناخته شود شعرهایش به چاپ می رسید که عمدتا به انقلاب و دفاع مقدس مربوط می شد؛ هفت سپهر نام مجموعه شعری است که از طرف سازمان ملی پرورش استعداد های درخشان چاپ و منتشر گردید که در آن اشعاری از او نیز دیده می شود. ساخت یک تنور خورشیدی در بشاگرد با هم گروهان دبیرستان علامه حلی در سال ۱۳۷۹از دیگر فعالیت های اوست. وی مدتی سردبیری سایت «لوح» ارگان نویسندگان ادبیات پایداری را بر عهده داشت و در پاییز ۱۳۸۴ از این مقام استعفا داد. وی

از سال ۱۳۸۴ تا ۱۳۸۶ رئیس هیات مدیره انجمن قلم ایران بود. امیرخانی همچنین برگزار کننده جشنواره سلام بر نصرالله همزمان با جنگ سی و سه روزه لبنان در سال ۸۶ و عامل فرستادن بزرگ ترین کاروان اهل فرهنگ ایرانی به لبنان بود. به گواهی سایت شخصی وی، بیش از ششصد هزار نسخه از کتاب‌های او تا به حال به فروش رسیده‌است.

آثار منتشر شده ی وی به این شرح است:

ارمیا (رمان، انتشارات سوره مهر) نام اولین کتاب امیرخانی در سال ۱۳۷۴ است که جایزه بیست سال ادبیات داستانی ایران را از آن خود کرد. ارمیا، بیش از بیست بار تجدید چاپ و به زبان های اردو و ترکی نیز ترجمه شده است. کتاب اِرمیا برگزیده جشنواره آثار ۲۰ سال دفاع مقدس و مورد تقدیر در اولین دوره جشنواره مهر و دومین جشنواره دفاع مقدس بوده است.

ناصر ارمنی (مجموعه داستان، انتشارات کتاب نیستان) مجموعه داستان‌های کوتاهی است که دومین اثر وی است که در سال ۱۳۷۸ منتشر شد.

من او (رمان، انتشارات سوره مهر) این رمان سومین اثر او است که در سال ۱۳۷۸ منتشر و برخی آن را بهترین کتاب این نویسنده می‌دانند. این رمان در دومین جشنواره مهر مورد تقدیر قرار گرفته و یکی از سه کتاب برگزیده منتقدان مطبوعات و سه کتاب برگزیده سال ۱۳۷۹ بوده است.

ازبه (داستان بلند، انتشارات کتاب نیستان) ازبه چهارمین اثر این نویسنده می‌باشد که در سال ۱۳۸۰ چاپ شد و در آن به بیان گوشه‌ای از سختی‌های زندگی در دوران جنگ و بعد از آن پرداخته است.

داستان سیستان، (سفرنامه، انتشارات قدیانی) پنجمین کار رضا امیرخانی است که به حواشی مسافرت مقام معظم رهبری حضرت آیت الله خامنه‌ای به استان سیستان و بلوچستان می‌پردازد، این کتاب در سال ۱۳۸۲ منتشر شد.

نشت نشا (مقاله بلند، انتشارات قدیانی) مقاله بلندی است که در سال ۱۳۸۴ چاپ شد و به ریشه‌یابی مهاجرت نخبگان پرداخت.

بیوتن (رمان، انتشارات علم) در فروردین ماه ۱۳۸۷ به چاپ رسید. این کتاب، داستان یکی از بازمانده های جنگ تحمیلی ایران است که به بهانه‌ای به آمریکا سفر می کند.

سرلوحه‌ها (مجموعه یادداشت‌ها، انشارات سپیده باوران) گزیده‌ای از یادداشت‌های پراکنده سالهای ۱۳۸۱-۱۳۸۴ در سایت لوح است و اسفند ماه ۱۳۸۷ به چاپ رسیده‌است.

نفحات نفت (مجموعه یادداشت ها، نشرافق) جستاری در فرهنگ مدیریت نفتی و دولتی در جمهوری اسلامی ایران؛ نوشته شده و در ۱۳۸۹ به چاپ رسیده‌است.

جانستان کابلستان (سفرنامه، نشرافق) که حاصل سفر به کشور افغانستان می‌باشد و ۱۳۹۰ منتشر شده است.

قیدار (رمان، چاپ نشرافق) آخرین رمان امیرخانی است که سال ۱۳۹۱ به چاپ رسیده است. این رمان برگزیده بخشِ داستانِ بیست ویکمین دوره جایزه کتابِ فصل بوده است.

آزاد نور الدین:

نورالدین آزاد داستان نویس، نمایشنامه نویس و فیلم ساز در سال ۱۳۲۴ در محله هفت چنار تهران بدنیا آمد. وی دارای دیپلم ریاضی است و از نویسندگان پرکاری است که کار هنری را بعد از انقلاب و از سن چهل سالگی شروع کرده است. آزاد با نشریات کیهان هوایی، کهکشان، زن روز و هفته نامه آوای ساوه همکاری داشته است. اولین تجربه نورالدین آزاد تبدیل داستان کوتاه «بیست و چهار ساعت خواب و بیداری صمد بهرنگی» به نمایش نامه

در سال ۱۳۵۵ بود که در مسابقه کاخ جوانان جنوب تهران که حالا فرهنگ سرای میثم شده است، نفر اول نمایش نامه نویسی شد. رمان «کشتی شکسته» (۱۳۶۴)، مجموعه داستان «مدیرعامل محبوب من»، «روزهای خوش گذشته» به اتفاق خسرو معتضد (۱۳۷۸)، رمان «همزاد» (۱۳۸۳)، رمان تاریخی «خاتون سیاه بخت» درباره زندگی مقدس امام موسی کاظم(ع)، مجموعه طنز «تابلوها»، نمایش‌نامه «رازهای وحشی» و همچنین فیلم نامه سریالهای تلویزیونی «جدال با سرنوشت»، «راز ناشناس»، داستان دفاع مقدس «تنها با دریا»، «بوی خاک» و «رنگ خیال» از جمله آثار اوست.

آزاد در هنر تصویری نیز دارای آثار ارزشمندی می باشد شامل «گنج کوچک» که با نام «رنگ خیال»، «جدال با سرنوشت»، سریال «بوی خاک»، سریال «رؤیای نیلوفر» با نام روزهای مه‌آلود، سریال «سیمای مدرسه»، برنامه مستند «شعر جوان». همچنین نورالدین آزاد در سینما صاحب آثار زیر می باشد: فیلم نامه سینمایی دفاع مقدس «یک بار دیگر» (۱۳۷۴)، جانشینی تولید فیلم «بایسیکل‌ران» محسن مخملباف، دستیار تولید فیلم «یاد و دیدار» از رجب محمدین، جانشینی تولید فیلم «بیا با من ـ بمبوک» از مهدی ودادی، دستیار تولید فیلم «سمفونی صحرا» راز خنجر از محمدحسین حقیقی، تهیه‌کننده فیلم «جادوگر خمره‌سوار» از تورج منصوری، جانشینی تولید فیلم «خسوف» از رسول ملاقلی‌پور، کارگردانی فیلمهای مستند پتروشیمی برای شرکت نفت به نام سریال «به‌سوی آینده»، فیلم نامه «شب کایتها» درباره فلسطین، فیلم‌نامه «هتل ـ تور در تور» به (۱۳۸۱) و فیلم‌نامه سریال تلویزیونی درباره فلسطین با نام «قبله اول».

از افتخارات اوست: دیپلم افتخار برای نمایش‌نامه و کارگردانی «رازهای وحشی» و نفر اول در ایران و جشنواره استان، لوح بلورین جشنواره فجر (۱۳۶۸) برای متن «رازهای وحشی»، دیپلم افتخار برای جشنواره دانشجویان (۱۳۷۱) و نمایشنامه «حادثه جنبی»، تقدیرنامه برای نوشتن و کار «جایی که قانون گریه می‌کند»، نمایش‌نامه برگزیده فجر ۷۸ با

نام «خار در چشم»، نمایش‌نامه کودکان «سه بزبزی»، نمایش‌نامه «درد نهان» منتخب جشنواره فجر ۷۹ و جشنواره کوثر (بانوان) سال ۸۳.

کتاب «تنها با دریا» به عنوان یک داستان در عرصه ادبیات پایداری از آن جهت مهم است که به موضوع جدیدی در جنگ تحمیلی پرداخته است. این رمان درباره نقش پایلت‌ها (راهنمای کشتی‌ها از زمان ورود به خط مرزی تا رسیدن به لنگرگاه) نوشته شد. «خسرو» قهرمان داستان به همراه غلام ملیح، یکی از همکارانش، پس از درگیر شدن با نیروهای عراقی در منطقه خور موسی، کشتی خود را از دست می‌دهند و به مدت ۴۸ ساعت، در آب‌های خلیج فارس سرگردان می‌شوند. در نهایت، خسرو به شهادت می‌رسد اما ملیح، نجات پیدا می‌کند. رمان «تنها با دریا»، وقایع رخ داده در زمان سرگردانی آن‌ها در دریا را از زبان غلام ملیح برای دختر خسرو به تصویر می کشد. این رمان تا کنون نقد نشده است.

داستان «همزاد» که در اصل یک سریال تلویزیونی بود و بنا به عللی تبدیل به رمان شده است. همچنین رمان راز ناشناس از رمان های موفق نویسنده است.که نقدهای دو رمان اخیر در اینجا تحلیل می‌گردد.

- همزاد: سوره ی مهر، ۱۳۸۳

داستان حاضر ماجرای روابط عمیق و مرموز دو خواهر و برادر دوقلو به نام شهرزاد و شیرزاد است که با نامادری خود «اعظم» و پدر پیرشان در روستای رستم‌آباد زندگی می‌کنند. هنگام کشته شدن خواهر توسط اشخاصی ناشناس، برادر دچار بیماری شده و پس از به هوش آمدن، صحبت از ماجرای قتل و محل دفن شهرزاد می‌کند که این مسئله شک پلیس را برمی‌انگیزد. با مرگ پدر، شیرزاد خانه را برای نامادری و دو پسرش گذاشته برای یافتن قاتلان

خواهرش راهی تهران می‌شود و طی حوادثی باورنکردنی با کمک «شهرزاد» (روح خواهرش) مصوبان مرگ او را به سزای عملشان می‌رساند و با مساعدت دوستانش سروان حسین شکوه و مهدی شجاع پرده از معمای گم شدن دختران روستای محل برداشته، باند آنها را متلاشی می‌کند. سرانجام برادر که به آرامش رسیده است با یکی از دختران ربوده شده به‌نام «ربابه» آشنا شده و دل به عشق او می‌بندد و در کنار ماجرای پلیسی داستان حوادث عاشقی میان آن دو منجر به ازدواجشان می‌شود.

بایرامی رضا

بایرامی در ۱۳۴۴ در روستای لاطران در دامنه کوه سبلان استان اردبیل متولد شد. در اواخر دوره دبستان خانواده اش روستا را ترک می‌کنند و به تهران می‌آیند. عمده آثار بایرامی یا از روستا و یا از دفاع مقدس است. سابقه فعالیت های فرهنگی او عبارتند از داستان نویسی و برنده جوایز متعددی از وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، حوزه هنری، جشنواره ادب و پایداری، جشنواره روستا، بنیاد حفظ آثار و ارزش های دفاع مقدس، کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان، سمینار بررسی رمان ایران و جهان، انجمن نویسندگان کودک و نوجوان و کتاب سال مسجد جواد الائمه، برنده جایزه جهانی کبرای آبی و خرس طلایی از کشور سوئیس. وی یکی از بهترین داستان نویسان کودک و نوجوان ۲۰ سال اخیر است. از جمله آثار نوشته شده بایرامی به موارد زیر می توان اشاره کرد: رمان «کوه مرا صدا زد»، رمان «بر لبهٔ پرتگاه»، مجموعه داستان «بعد از کشتار»، داستان «رعد یک بار غرید»، رمان نوجوانان «دود پشت تپه»، رمان نوجوانان «عقاب های تپهٔ ۶۰»، خاطرهٔ ادبی «دشت شقایق ها»، خاطرهٔ ادبی «هفت روز آخر»، داستان «به کشتی نشسته»، مجموعه داستان «به دنبال صدای او»، «عقاب ها»، «بازنویسی خاطرات شب های بمباران»، «صدای

جنگ»، داستان «عبور از کویر»، مجموعه داستان «همراهان»، کتاب «سایه ملخ»، «پل معلق»، «دره پلنگها»، رمان «بادهای خزان» و «مردگان باغ سبز». خانم یوتا همیل رایش کتاب «کوه مرا صدا زد» را به آلمانی ترجمه کرده است.

نادر در داستان «پل معلق» خود را از شهری پرهیاهو به گوشه‌ای پرت از این سرزمین می‌رساند و در آنجا به مرور خاطرات تلخ گذشته خود می‌پردازد و به جایی می‌رسد که دیگر نه توان نوشتن دارد و نه هوای ماندن، یعنی او به آخرخط زندگی خود رسیده است. همان طوری که در ابتدای داستان منشی آتش بار به او می‌گوید و ما متوجه می‌شویم که نادر می‌خواهد به جایی برود که آرامش در آنجا حاکم نیست. زندگی در کنار انسان های دیگر و طبیعتی که در آن همه چیز نابود شده است، از اشیاء گرفته تا جانداران، و این خاصیت جنگ است که به خوبی حوادث آن به قلم توانای بایرامی در داستان «پل معلق» بیان می شود. مجموعه یادداشت‌ها و خاطره‌های محمد رضا بایرامی از «هفت روز آخر» جنگ خاطراتی هیجانی و نفس گیر از درگیری با عراقی‌ها و محاصره شده توسط تانک‌های عراقی، خستگی، دلهره، اضطراب از پایان جنگ، پذیرش قطعنامه و استواری مردان آماده نبرد بود که در کتاب «هفت روز آخر» به خوبی تصویر شده است. دوشنبه ۲۷ تیرماه ۶۷ زمان اتمام ماجرای این کتاب است.

کتاب «دشت شقایق‌ها»، دربردارنده یادداشت‌های یک سرباز وظیفه درباره ایام حضور وی در جبهه‌های جنگ است. خاطرات وی نشان دهنده زندگی روزمره رزمندگان و نحوه تقابل آنها با مشکلات و سختی‌های منطقه جنگی است. بخش عمده خاطرات مربوط به حضور این رزمنده در مخابرات جبهه و چگونگی برقراری ارتباط بین سنگرهای مختلف است. خاطراتی از روزهای دوره آموزشی تکمیلی، کندن کانال، ارتباط با سنگرهای دیگر، تعمیر خطوط تلفنی، شوخی و گفت‌وگوهای بین رزمندگان، وصف محیط زندگی سربازان و ... از موارد مطرح شده در این کتاب است.

«مردگان باغ سبز» یک رمان تاریخی درباره برخورد سه نسل از نوه تا پدربزرگ است که ماجرای آن به ۶۳ سال پیش و بعد از جنگ جهانی اول و اتفاقاتی که در آذربایجان ایران رخ داده، برمی‌گردد. شخصیت های اصلی این رمان با فرقه دموکرات مرتبط هستند که پس از شکست فرقه دموکرات و متلاشی شدن این تشکیلات در ایران اتفاقاتی برای آنها پیش می‌آید. به گفته بایرامی این کتاب یک مستند صرف تاریخی نیست و علاوه براینکه سعی شده کتاب براساس یک واقعیت تاریخی روی داده در ایران نوشته شود به این نکته هم توجه شده که رمان شکل ادبی خودش را داشته باشد.

رمان های برگزیده وی: آتش به اختیار، سوره ی مهر ، /۱۳۹۰مردگان باغ سبز، سوره ی مهر ، ۱۳۸۹/ پل معلق، نشر افق، ۱۳۸۱/کوه مرا صدا زد ، سوره ی مهر، ۱۳۷۱

«کوه مرا صدا زد» در سوئیس ۲جایزه دریافت کرد:

۱ـ جایزه گرانبهاترین خرس طلایی(۱۰۰۰فرانک) استانِ«برن»۲ - جایزه ی«مارکبرای آبی» (کتاب سال سوئیس).

مار کبرای آبی یا مار عینکی در این کتاب زندگی و فرهنگ مردم زادگاه و خاستگاه خود، سبلان را ــ که با طبیعت متنوّع و کم نظیر و زیبایی‌های پایان اقلیمی وگوناگونی آداب و رسومِ بکر و غنی، موقعیّتی منحصر به فرد دارد ـ به تصویر کشیده است.

این اثر را خانم «یوتاهیمل رایش» با عنوان جدید «جلال برای زندگی اش تلاش می کند» یا «جلال همچنان می تازد» به آلمانی ترجمه کرد. ترجمه او مورد توجه منتقدان و مطبوعاتی آلمانی زبان قرار گرفت و جایزه‌ای را از سوئیس برای او فراهم آورد. کتاب در ۱۹ فصل و ۱۴۶ صفحه چاپ و در آلمان، اتریش و سوئیس منتشر شد.

بیگدلی احمد

متولد ۲۶فروردین ۱۳۲۴ در اهواز و ساکن نجف آباد از دهه شصت تاکنون، نویسنده ایرانی است. رمان اندکی سایه رمانی از این نویسنده توانست جایزه کتاب سال جمهوری اسلامی ایران را برای وی به ارمغان آورد. وی پس از اخذ دیپلم ریاضی از دبیرستان فرهنگ اهواز، در مهر ماه ۱۳۴۷ به استخدام آموزش و پرورش لاهیجان درآمد و داستان نویسی را از همین سال به طور جدی آغاز کرد. اولین داستانش را در مجلهٔ ادبی فرودوسی در همان سال به چاپ رساند. از سال ۱۳۵۱ که به دزفول انتقال یافت، به تئاتر روی آورد و چندین نمایشنامه نوشت که گروه تئاتر دزفول با همراهی غلامحسین ضیاءپور، حمید مهرارا، عبدالرضا ملهمی و دیگر علاقه مندان جوان شهر دزفول به صورت تله تئاتر در تلویزیون مرکز آبادان ضبط و از شبکه سراسری پخش گردید. سال ۱۳۵۴ به اهواز منتقل شد و کار تئاتر را ادامه داد. نمایشنامه های مهری، تا عمق ماسه ها از جملهٔ آنهاست. وی با نمایشنامهٔ دالو که سال ۱۳۵۶در سومین جشنواره تئاتر شهرستان ها در تهران به روی صحنه رفت به شهرت رسید. اما ذوق و علاقهٔ داستان نویسی سبب شد که به کار نوشتن داستان بپردازد و در کنار آن به نوشتن نقد و مقالات در همین زمینه یا سینما بپردازد. در سال ۱۳۵۶ به دانشکده هنرهای دراماتیک راه یافت و در سال ۱۳۶۰ آن را رها کرد و به یزدانشهر در حاشیه نجف آباد، مهاجرت نمود. که هم اکنون به اتفاق خانواده اش در آن زندگی می کند. در سال ۱۳۶۴ به اتفاق علی یزدانی، حسن محمودی و سید رضی آیت نشست ادبی جمعه را تشکیل دادند که به مدت ۱۰ سال این نشست ادامه یافت و حاصل آن برای او، مجموعهٔ داستان «من ویران شده ام» (۱۳۸۱) می باشد که توسط انتشارات نقش خورشید در اصفهان منتشر شد. این دومین مجموعه پس از مجموعهٔ «شبی بیرون از خانه" (۱۳۷۴) است که توسط نشر مینو در اصفهان منتشر

شده بود. وی طی سال های ۷۶ تا ۸۲ـ۱۳۸۱مجموعه داستان های آنای باغ سیب و آوای نهنگ را پدید آورد. علاوه بر آنکه احمد بیگدلی برای بیش از ۴۰ فیلم مستند گفتار متن نوشته است که در اولین جشنواره فیلم یادگار گفتار متن فیلم مستند «پاسارگاد» ساختهٔ مهرداد زاهدیان برنده جایزه بهترین متن گردید. مجموعه داستان آوای نهنگ برنده هفتمین جایزه کتاب فصل شد. حال آنکه در سال ۱۳۸۵ رمان اندکی سایهٔ او برنده بیست و چهارمین دوره کتاب سال جمهوری اسلامی گردیده بود و برایش شهرت فراوانی به همراه آورد و بر فعالیت های ادبی او افزود

- رمان اندکی سایه: انتشارات خجسته، ۱۳۸۴.

خلاصه رمان: داستان سه جلدی اندکی سایه که به گفته نویسنده اش نگارش آن ۲۴ سال به طول انجامیده داستانی واقعیت گراست و ماجرایی اجتماعی، تاریخی و سیاسی دارد. احمد راوی داستان، بعد از سال ها بی خبری از ایرج (دوست دوران کودکی اش) به طور تصادفی او را می بیند و این دو در طی داستان به مرور خاطرات گذشته می پردازند، خاطرات مربوط به ده سالگی احمد است آن زمان که احمد و ایرج با پدر و مادرشان ساکن آقاجاری بودند زمانی که کارگران شرکت نفت دست به اعتصاب می زنند و حکومت نظامی، امنیه ها را به سراغ اعتصابیون می فرستد. این رویارویی باعث دستگیری، کشته و مفقود شدن بعضی از دوستان و آشنایان خانواده های احمد و ایرج می شود که در داستان به آن ها پرداخته می شود، گم شدن اسحاق و نداف، فرزندان یکی از کارگران اعتصابی که خود نیز دستگیر می شود و گم شدن پیرمردی که در میانه درگیری اعتصابیون و اعتصاب شکن ها احمد را نجات می دهد. قسمتی از داستان مربوط به شخصی به نام هادی است، هادی قبلا رییس اداره حفاظت شرکت نفت بوده و باعث آزار کارگران و خانواد های آنها شده است، به دنبال ماجرایی به خود می آید و توبه کرده و جزء اعتصابیون می شود.

روز های اعتصاب به روز عاشورا متصل می شود روز عاشورا هنگام مراسم تعزیه که مردم و اعتصابیون مشغول عزاداری هستند، هادی اسبی به نام ذوالجناح دارد بعد از خواندن روضه متوجه می شود که اعتصاب شکن ها قصد جانش را کرده اند، در این بین پسر خوانده اش به نام منصور با گلوله ای که به سرش اصابت می‌کند کشته می شود کرم سیاه-که ضد اعتصاب و مزدور انگلیس است- با چاقو شکم ذوالجناح را می درد هادی نیز (احتمالا به دست کرم) با کاردی سینه اش شکافته می شود و در این بین کارگران اعتصابی پراکنده می شوند. معرفی این کتاب به عنوان کتاب سال، عده ای را بر آن داشت تا به نقد اثری بپردازند که به تایید داوران رسید.

راضیه تجار

وی متولد ۱۳۲۶ تهران و دارای مدرک کارشناسی روانشناسی است. از جمله سوابق کاری راضیه تجار به موارد زیر می‌توان اشاره داشت: از مؤسسان انجمن قلم و دبیرانجمن آن، عضو شورای کارگاه رمان، مسئول صفحه ادب و هنر روزنامه جام جم و همکاری ۱۷ ساله با این روزنامه، عضو شورای کارگاه رمان، همکاری با پیک قصه نویسی، مدرس و داور داستان نویسی در آموزش و پرورش، عضو هیات علمی بنیاد پروین اعتصامی، عضو شورای فیلم نامه نویسی و ادبیات در بنیاد فارابی، دبیر تحریریه فصلنامه قصه، عضو شورای داستان نویسی بنیاد دفاع مقدس، عضو شورای داستان نویسی بنیاد شهید، عضو شورای داستان نویسی بنیاد جانبازان انقلاب اسلامی، داستان نویس داستان های رئالیستی برای مجله زن روز به مدت نه سال، داستان نویس روزنامه حوادث با نام مریم مهاجر. تجار در داستان‌هایش با نثری شاعرانه و احساسی به نقش زنان در مسائل مربوط به جبهه و جنگ می‌پردازند. از نظر عبدالعلی دستغیب، یکی از منتقدان ادبی، داستان کوتاه «گلریزان» بهترین داستان راضیه تجار و یکی از بهترین داستانهای اخیر

ایران می باشد که مقام تجار را در هنر داستان کوتاه تثبیت می‌کند.

از جمله آثار تجار عبارتند از: «نرگسها»، «زن شیشه‌ای»، «هفت بند»، «بندهای روشنایی»، «سفر به ریشه‌ها»، «شعله و شب»، «سنگ صبور»، «از خاک تا افلاک»، «ستاره من»، «برگزیده ادبیات معاصر»، «جایی که آسمانش آینه کاریست»،«گمان مبر که شعله بمیرد»، «کوچه اقاقیا»،«فانوسی بیفروز»، «زندگینامه داستانی شهید شیرودی»،«زندگینامه داستانی شهید بابایی»، «مجموعه داستان آرام شب‌بخیر» و «جای خالی آفتابگردان».

بیشتر شخصیت های اصلی داستان های او زنانند؛ و نشان می‌دهند که نویسنده از دردهای زنان آگاه است؛ زنانی که گرفتار مشکلات خانوادگی، اجتماعی و اقتصادی هستند؛ فشارهایی که جامعه بر آنها تحمیل می‌کند. زنان داستان های او برای بیرون آمدن از شرایط خود تلاش خاصی نمی‌کنند. زنانی که نه راه بیرون آمدن را می‌دانند و نه توان قدم گذاشتن به این راه را دارند. آنان گرفتارانی اند پیچیده در شرایط و آنچه تقدیر و زمانه و دیگران برایشان رقم زده‌اند و می‌زنند. این نویسنده، زندگی به رنگ خاکستری و پر از مشکل را که می‌بیند، همان را به تصویر می‌کشد و داستان را در همان فضا تمام می‌کند. این، ویژگی دیگری از نوشته های اوست.

رمان «کوچه اقاقیا» از زبان راوی سوم شخص روایت می‌شود، نویسنده به نابسامانی ای خانوادگی و اجتماعی زندگی زنان ایرانی در سال‌های دهه ۲۰ و ۳۰ پرداخته است. این رمان درباره اقشار مختلفی از زنان جامعه ای است که به مظلومیت خو گرفته‌اند و در ناکامی‌ها و ناملایمات زندگی تسلیم می‌مانند. تجار همچنین فیلمنامه ای را براساس این رمان برای مرکز سیما فیلم به نگارش در آورده است. در مجموعه داستان «آرام شب بخیر» نیز دغدغه تجار، پرداختن به مسایل زنان در اجتماع و خانواده و مشکلات آنان در جامعه امروزی است. «نیلوفران برکه خاموشی»، «آخرین پناه»،«از آسمانی دیگر»،«پله‌ها»،«سه برگ مرگ»، «خرگوش کوچولو»، «هم سیب هم ستاره»، «آن صدای روشن»،

«تیفوس عشق»، «آن سوی تاریکی»، «آرام شب بخیر»، «بهشت گمشده و سوری»، نام برخی داستان‌های این مجموعه‌اند.

«قاب انتظار»، «نگهداری لاله در باد سخت است» و «طلوع» از مجموعه «هفت بند» نوشته تجار است. داستان های کوتاه این مجموعه، روایت ژرف لحظاتی کوتاه از تأثرات روحی راوی یا شخصیت دیگری از داستان است. نویسنده از طریق این برش ها و کاوش در لایه های پنهان روح و ذهن یکی از شخصیت های داستان می کوشد ابعاد و تأثیرات روحی و روانی جنگ را باز نماید. از جمله، انتظار یک مادر برای بازگشت فرزند مفقودالاثرش، چشم به راهی یک تازه عروس برای بازگشت همسرش، اندوه یک رزمنده در فراق همرزمانش و نوستالژی بازگشت به وطن مألوف –جبهه– برای رزمنده ای که شهید نشده. رمانهای «کوچه اقاقیا»، «نرگسها» و «هفت بند» از این نویسنده به‌عنوان رمان برتر یک دهه در آموزش و پرورش انتخاب شدند. همچنین راضیه تجار به عنوان نویسنده زن برگزیده ادبیات هشت سال دفاع مقدس از سوی حوزه هنری برگزیده شد.

حسن بیگی، ابراهیم

وی متولد ۱۳۳۶ در گرگان و دارای مدرک کارشناسی ادبیات فارسی است و در سال ۱۳۵۹ در آموزش و پرورش استخدام و پس از دو سال مدیر امور برنامه های رادیو گرگان می‌شود. سفر به کردستان در سال ۱۳۶۴، باعث دریافت حس و حال و سوژه‌های داستانی خوبی برای وی شد. بعدها این سوژه دستمایه بیشتر داستان های کوتاه وی قرار می‌گیرد. در سال ۱۳۶۷ به دفتر انتشارات کمک آموزشی وزارت آموزش و پرورش منتقل می‌گردد تا به‌عنوان کارشناس بخش داستان انتشارات مدرسه مشغول به کار شود. از ویژگی های حسن بیگی این است که منابع فکری را

از توده های مردم می‌گیرد و بیشتر دغدغه های اجتماعی را به عنوان محورهای بحث خود در رمان قرار می‌دهد. انتشار بیش از ۸۵ جلد کتاب داستان در حوزه بزرگسال کودک و نوجوان در کارنامه خود دارد. از جمله آثار اوست: رمان «محمد (ص) » که به زبان ازبکی، اردو، ترکی و عربی ترجمه شده است، «گلستان در آتش» براساس زندگینامه شهید باهنر، «رشته‌های ماندگار» که شایسته دریافت دیپلم افتخار شناخته شد، «سالهای بنفش»، «اسب سفیدخالدار»، «پایان راه»، «معمای مسیح»، «چته ها»، «جشن گندم»، «مروارید ری»، «عروسک شکسته»، «شش تن یک فریاد»، «کمیل»، «نیکوتر از طلا»، «عمو جان عباس»، رمان «اشکانه»، «سالهای سختی بود»، «غنچه بر قالی» به یکی از ۲۵ جلد کتاب برتر سال ۲۰۰۰ در جهان، «عصر آن روز»، «تا به آفتاب»، «پرستوها» مجموعه داستانهای کوتاه درباره امام خمینی (ره)، «رشته‌های ماندگار» در سیزدهمین جشنواره کتاب کودک و نوجوان سال ۱۳۸۷ شایسته دریافت دیپلم افتخار گردید و کتاب «ریشه در اعماق» او که در طی سالهای متعدد به‌عنوان کتاب برگزیده بیست سال داستان‌نویسی انقلاب و دفاع مقدس انتخاب شده و جوایز متعددی کسب کرده است.

دهقان، احمد

وی متولد ۱۳۴۵ کرج است که با ورود به دانشگاه در سال ۱۳۶۸ مدرک خود را ابتدا در رشته مهندسی برق و در مقطع فوق لیسانس در رشته مورد علاقه اش مردم شناسی اخذ کرد. او سال هاست که به عنوان کارشناس ادبی در دفتر ادبیات و هنر مقاومت و مرکز آفرینش های ادبی حوزه هنری فعالیت می‌کند. اولین رمانش با عنوان «سفر به گرای ۲۷۰ درجه» را در سال ۱۳۷۵ منتشر کرد. دو سال بعد همین رمان ابتدا یکی از آثار برگزیده ۲۰ سال داستان نویسی شده و مدتی به عنوان برگزیده ۲۰ سال ادبیات پایداری معرفی شد. «پال اسپراکمن» نایب رئیس مرکز مطالعات دانشگاهی

خاورمیانه دانشگاه راتجرز نیورجرسی آمریکا این کتاب را به زبان انگلیسی ترجمه کرده است. در حال حاضر دانشگاه جرج واشنگتن، کتابخانه کنگره، کتابخانه دانشگاه هاروارد، دانشگاه برکلی کالیفرنیا، دانشکده پارک کالج دانشگاه ماریلند و کتابخانه بیلی هوو و برلینگتن دانشگاه ورمونت از جمله مراکزی هستند که این کتاب را در دسترس علاقمندان قرار داده اند.

از جمله آثار احمد دهقان به موارد زیر می توان اشاره کرد: مجموعه داستان کوتاه «من قاتل پسرتان هستم»، «پل چوبی»، «چهل مجلس، هزار حدیث»، «شهید چمران»، گردآوری «روایت ها و حکایت ها»، «پرنده و تانک»، «ستاره های شلمچه»، «نگین هامون»، «تاریخ جنگ به روایت حسن باقری«و «هجوم».

رمان «سفر به گرای ۲۷۰ درجه» دهقان تحسین منتقدان داخل و خارج را برانگیخت و ترجمه آن بازتاب خوبی در خارج از کشور داشت. جایزه جشنواره بیست سال ادبیات داستانی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی برای نوشتن رمان سفر به گرای ۲۷۰ درجه به احمد دهقان تعلق گرفت.

رودگر، محمد

محمد رودگر سال ۱۳۵۷ به دنیا آمده است. اثر قابل ذکر وی رمان دیلمزاد در ۲۵۴ صفحه است که توانسته جوایزی را به خود اختصاص دهد. از جمله: برگزیده جایزه گام اول، برگزیده کتاب سال دفاع مقدس، برگزیده جشنواره هنرهای آسمانی و نامزد دریافت جایزه از جشنواره داستان انقلاب. در این پژوهش به تحلیل نقد این رمان پرداخته خواهد شد.

- دیلمزاد: شهرستان ادب، ۱۳۸۹

خلاصه رمان: «دیلمزاد» بیان مجاهدت و رزم است؛ شخصیت های حاضر در آن مبارزانی هستند که بین آنها پیوند خاصی وجود دارد. این کتاب درباره پسری به نام «اویس» است که برادر خود را به طور اتفاقی، بعد از ۲۰ سال، در بهمن سال ۱۳۶۰، در جنگل‌های آمل پیدا می‌کند و داستان از جنگل های شمال شروع می شود و سری به مبارزات قبل از انقلاب می زند و با تشکیل گروهی به نام «دیلمزاد» به کردستان و مبارزه با ضدانقلاب می رسد. «دیلمزاد» سه فصل دارد: اویس، آسیف و دیلمزاد؛ و از همان ابتدا دو شخصیت اصلی داستان خواننده را در تعلیق شگرفی فرو می‌برند تا مخاطب آن دو را با هم برادر بداند و نداند! اتفاقات عجیب داستان را باور کند یا خیر و ... داستان را «اویس» شروع می‌کند و تا خواننده بیاید حرف‌هایش را بفهمد به جنگل‌های شمال می‌رسد؛ خیلی سریع هیجان آغاز می‌شود و کمین گروهک و چریک‌های کمونیست را می‌بیند که باید چادر مهماتشان منهدم شود! در بخش دوم همراه می‌شود با «آسیف» و در یک عقبگرد زمانی به مبارزات قبل از انقلاب می‌رود و در تهران و خانه یک وطن پرست شاه دوست، داستان جوان انقلابی خانواده را دنبال می‌کند□

زنوزی جلالی، فیروز

وی به سال ۱۳۲۹در خرم‌آباد متولد شد. تا پایان تحصیلات ابتدایی در بروجرد بود و سپس به تهران آمد و تحصیلات دانشگاهی خود را در رشته های نظامی گذراند. وی ناخدا یکم کمیسر دریایی است. اولین داستانش را با نام «یک لحظه بیش نیست» دو سال پس از این تاریخ در مجله فردوسی منتشر می‌کند و از سال ۱۳۵۲ در مجله فردوسی داستان هایش را به چاپ رساند. از سال ۱۳۶۵ که داستان «تمشک وحشی» را در روزنامه کیهان به چاپ رساند، دوره دوم کار نویسندگی خود را آغاز می‌کند. او به عنوان کارشناس با بخش داستان بنیاد جنگ‌زدگان، کتاب سال بنیاد شهید، بخش قصه و رمان حوزه هنری و بخش انتخاب آثار برتر معلمان همکاری داشته و علاوه بر ساخت فیلمهای

مستند به فیلم‌نامه و نمایش‌نامه‌نویسی و تدریس و نقد نیز می‌پردازد. از جمله آثار زنوزی به موارد زیر می توان اشاره کرد: مجموعه داستان های «سالهای سرد»، «آینه و مرداب»، «اولی ها»، «خاک و خاکستر»، «روزی که خورشید سوخت»، «توپ پاشنه سمت ساعت دو»، «مردی با کفشهای قهوه ای»، «سیاه بمبک»، داستان «لک لک ها»، رمان های «مخلوق»، «حضور»، «قاعده بازی» و رمان چهار جلدی «خورشید پنهان»، «باران بر زمین سوخته»، «سکان سمت میانه ی اروند»، «شرلی و داستانهای دیگر»، «ساعت لعنتی»، «داستان های جنگ» و آخرین رمانهای او «خویشتن کشی» و «برج ۱۱۰» نام دارد.

کتاب«قاعده بازی»برنده نخستین جایزه‌ی ادبی «جلال آل احمد» بوده است. کتاب «مردی با کفشهای قهوه‌ای» او جزء آثار برتر ۲۰ ساله انقلاب شناخته شده و رمان« مخلوق» وی نیز برنده دیپلم افتخار از طرف بنیاد شهید شده است. کتاب «توپ، پاشنه، سمت، ساعت ۲» عنوان اپیزود اول از یک داستان بلند سه اپیزودی، با موضوع جنگ دریایی خرمشهر در روزهای آغازین جنگ تحمیلی است. این داستانها بازسازی خاطرات زنوزی است از جنگ های دریایی آغازین جنگ تحمیلی در «اروندرود»، که در آن زمان به عنوان افسر کمیسر دریایی ناوچه های ۶۵ پایی در نیروی دریایی ارتش خدمت می کرد.

نعمت الله سلیمانی

وی متولد سال ۱۳۳۹ آبادان است. او دارای مدرک کارشناسی ارشد در رشته الهیات و معارف اسلامی از دانشگاه تربیت مدرس تهران است سلیمانی یکی از نویسندگانی است که خود در جبهه ها حضور داشته است و در جریات محاصره آبادان و خرمشهر به همراه خانواده اش در آنجا بوده است سلیمانی همچنین در چند عملیات جنگی

حضور داشته و صدمه دیده است. آثار او عبارتند از کتاب کعبه، عشق و نفرت (رمان) ملاقات با شیطان (مجموعه داستان و فیلم نامه) شب آبی (رمان) تبلیغات (تحقیق) نخل ها و آدم ها (رمان) و آبادان من (خاطره).

کتاب اخیر در سال ۱۳۸۷ از سوی جشنواره کتاب سال دفاع مقدس، به عنوان مقام دوم خاطره نویسی انتخاب شد رمان نخل ها و آدم ها نیز برگزیده هفتمین جشنواره کتاب سال دفاع مقدس (۱۳۸۲) و بهترین رمان سال شد. این کتاب دارای ۴۹۳ صفحه و ۳۴ بخش است گفته شده است قهرمان های این کتاب همه واقعی اند. در این پژوهش به نقدهای رمان نخل ها و آدم ها می پردازیم.

احمد شاکری

شاکری منتقد و داستان‌نویس، در سال ۱۳۵۳ در تهران بدنیا آمد. دارای تحصیلات حوزوی است و به فعالیت های زیر اشتغال داشته است: عضو هیات داوری در چندین جشنواره از جمله جشنواره شهید غنی پور، قلم زرین، بسیج دانشجویی، جایزه ادبی اصفهان، تدریس چندین دوره عناصر داستان و داستان نویسی، نقد فیلم های مطرح سینمای ایران در مطبوعات، نقد داستان ها و رمان های معاصر در مطبوعات، عضو و هیات مدیره انجمن قلم ایران و عضو شورای عالی ادبیات داستانی بسیج. برخی از آثار احمد شاکری عبارتند از مجموعه داستان «سرزمین پدری»، رمان «عریان در برابر باد»، مجموعه داستان «انجمن مخفی»، «نفس» و مجموعه داستان «باران نیمروز».

به مجموعه نقدهای رمان مطرح وی عریان در برابر باد می پردازیم. (رمان انجمن مخفی سال ۱۳۹۲ به چاپ رسیده است و خارج از محدوده تاریخی این پژوهش می باشد.) رمان «عریان در برابر باد»، فضای یک دهه پس از جنگ را بررسی می کند. وقایع این رمان در روستایی نزدیک مرز ایران و عراق می گذرد و از طرفی به حضور طالبان

در افغانستان هم اشاره می‌شود. در این بین، شخصیت اصلی رمان، چوپان نوجوانی به نام هیواست که در یک شب بارانی و طوفانی در «تپه برهانی» دچار حادثه می‌شود. رمان «عریان در برابر باد» به فیلم نامه تبدیل شده است.

سید مهدی شجاعی

سید مهدی شجاعی در شهریورماه ۱۳۳۹ در تهران به دنیا آمد. در سال ۱۳۵۶ پس از اخذ دیپلم ریاضی وارد دانشکده هنرهای دراماتیک شد و در رشته ادبیات دراماتیک به تحصیل پرداخت. همزمان وارد دانشگاه حقوق دانشگاه تهران شد و پس از چند سال تحصیل در رشته علوم سیاسی، پیش از اخذ مدرک کارشناسی، آن را رها کرد و به‌طور جدی کار نوشتن در قالبهای مختلف ادبی را ادامه داد. حوالی سالهای ۵۸ و ۵۹ یعنی حدود بیست سالگی اولین آثار او چه در مطبوعات و چه در قالب کتاب منتشر شد. حدود هشت سال مسئولیت صفحات فرهنگی و هنری روزنامه جمهوری اسلامی و سردبیری ماهنامه صحیفه را به عهده داشت. سال‌های متمادی نیز سردبیری مجله رشد جوان را به عهده داشت و همزمان در سمت مدیر انتشارات برگ و انتشار حدود سیصد کتاب از نویسندگان و هنرمندان و محققان کشور همت گماشت. مسئولیت داوری چند دوره از جشنواره فیلم فجر و جشنواره تئاتر فجر و جشنواره فیلم کودک و نوجوان و جشنواره مطبوعات از فعالیتهای هنری و فرهنگی او طی سالهای ۶۵ تا ۷۵ به شمار می‌رود.

فیلم نامه‌های «بدوک»، «دیروز بارانی» و «پدر» کارهای سینمایی مشترک او با مجید مجیدی هستند و فیلم‌نامه «چشم خفاش» و «قله دنیا ۲» کارهای سینمایی مشترک او با بهزاد بهزادپور. همچنین فیلم نامه «تیر چراغ برق» اثر مشترک سید مهدی شجاعی، مجید مجیدی و بهزاد بهزاد پور است. از دیگر فیلم‌نامه‌های سیدمهدی شجاعی، می‌توان به «کمین»، «قله دنیا ۱» و «مسافر کربلا»، «آخرین آبادی» و «مردی از جنس نور» اشاره کرد. فیلمنامه سریال ۱۳ قسمتی شهید چمران با نام «مرد رؤیاها» و فیلمنامه سریال ۲۶ قسمتی حضرت یوسف(ع) با عنوان «یعقوب ترین یوسف،

یوسف‌ترین زلیخا» از دیگر آثار بلند وی محسوب می‌شوند.

شجاعی، در زمینه ادبیات مذهبی، باب تازه‌ای را گشود و قالب های نوین داستان‌نویسی را در این عرصه تجربه کرد. کتاب های «کشتی پهلوگرفته»، «پدر، عشق و پسر»، «آفتاب در حجاب»، «از دیار حبیب»، «شکوای سبز»، «خدا کند تو بیایی» و «دست دعا چشم امید» حاصل تجربیات او در این زمینه است. ادبیات کودک و نوجوان بخش دیگری از فعالیتهای ادبی جدی و مستمر سید مهدی شجاعی به شمار می‌رود. او در این زمینه تاکنون به تألیف و ترجمه بیش از صد کتاب مبادرت ورزیده است. سرپرستی دایرةالمعارف امام حسین(ع) از دیگر فعالیتهای تحقیقی او به شمار می‌رود که تاکنون ۱۰ مجلد آن منتشر شده است. او هم‌اکنون نگارش فیلمنامه سریالی شهید چمران را به پایان برده و فیلمنامه سریالی حضرت یوسف(ع) را در ۲۶ قسمت نوشته است.

وی چند سالی است که بر روی داستان نویسی نیز متمرکز شده و مجموعه‌هایی از داستان‌های کوتاه و بلند مانند «سانتاماریا»، «غیر قابل چاپ»، «سری که درد... می‌کند» را منتشر کرده است. همچنین رمان های «طوفانی دیگر در راه است» و «کمی دیر تر» از آثار اوست. شجاعی ضمن عضویت در هیات مدیره کانون پرورش فکری، هم‌اکنون مدیر مسوول انتشارات کتاب نیستان است.

اکبر صحرایی

اکبر صحرایی متولد شیراز به سال ۱۳۳۹ نویسنده ای است که نوشتن را در جنگ و با جنگ آغاز کرد. او فارغ‌التحصیل رشته مدیریت دولتی و از سال ۶۵ مشغول به داستان‌نویسی جنگ است. این نویسنده مجموعه داستان های زیر را خلق کرده است: «کانال مهتاب»، «هزار و نه»، «خمپاره خواب آلود»، مجموعه داستان «ورود ممنوع»،

«پرونده ۳۱۲»، «آنا هنوز هم می‌خندد»، «شمشاد و آرزوی چهارم»، «سامورائی جزیره مجنون»، رمان نوجوان» «کاش کمی بزرگتر بودم»و«خیابان پیر و ۱۹ داستان کوتاه». رمان «پرونده ۳۱۲» این نویسنده، توسط شورای اقتباس رمان مرکز سیما فیلم تصویب و حق اقتباس آن خریداری شده است. صحرایی در پنجمین جشن فرهنگ فارس، با مجموعه داستان «خمپاره‌های خواب‌آلود»، جایزه اول داستان را کسب کرد. او، با تک داستان هایش هم، موفق به کسب جوایز گوناگونی شده است. کتاب «خیابان پیر و ۱۹ داستان کوتاه»، شامل ۲۰ داستان کوتاه با موضوع زندگی بازماندگان جنگ است. بسیاری از این داستان‌ها براساس واقعیت نوشته شده و به توصیف حالات روحی خانواده‌های شهدا پرداخته است. از جمله افتخارات اوست: دیپلم افتخار و برنده قلم بلورین نهمین دوره جشنواره مطبوعات ایران بخش دفاع مقدس در سال۱۳۸۱، برگزیده اولین دوره جایزه ادبی اصفهان سال ۱۳۸۲ بخش داستان کوتاه، برگزیده داستان‌های جنگ سال ۱۳۸۲ به انتخاب انجمن قلم ایران و بنیاد حفظ آثار و نشر ارزشهای دفاع مقدس، برگزیده مجموعه کتاب داستان دومین دوره جایزه ادبی صادق هدایت سال ۱۳۸۲، برگزیده مجموعه داستان دومین دوره ادبی اصفهان سال ۱۳۸۳، برگزیده بخش داستان همایش مردان سرزمین من یاسوج سال ۱۳۸۳، برگزیده بخش داستان چهارمین همایش ادبی سوختگان وصل دانشگاه تهران سال ۱۳۸۴ و برگزیده اول جشنواره مطبوعات بخش دفاع مقدس سال.

فراست، قاسمعلی

قاسمعلی فراست را پیش‌قراول نویسندگان جدی دفاع‌مقدس می‌دانند چرا که یکی از نخستین کارهای جدی و قدرتمند ادبیات دفاع‌مقدس نوشته اوست: «نخل‌های بی‌سر» در سال۱۳۶۱ آن هم وقتی که فقط ۲۳سال داشت. او متولد ۱۳۳۸ است و لیسانس ادبیات فارسی دارد. کتاب اولش را سال۱۳۶۰ منتشر کرده است و بعد از آن ۱۴رمان و مجموعه

داستان، نمایشنامه، فیلمنامه و... دیگر. خودش می‌گوید: «اولین روز تیرماه۱۳۳۸ در یکی از روستاهای گلپایگان (فیلاخص) زاده شدم و دوره ابتدایی را در زادگاهم گذراندم و همان جا با کتاب آشنا شدم. برای ادامه تحصیل به گلپایگان رفتم و نوشتن را اول با شعر و بعد با داستان تمرین کردم. بعد از گرفتن دیپلم به دانشگاه تهران رفتم و نوشتن شد علاقه اصلی‌ام. حاصل این سال‌ها عشق بازی با کتاب و نوشتن حدود ۱۵رمان، مجموعه داستان، نمایشنامه، خاطره و پژوهش است که تعدادی از آنها اینهاست: «نخل‌های بی‌سر»، «گلاب خانم»، «نیاز»، «روزهای برفی»، «آوازهای ممنوع»، «خانه جدید»، «افطار»، «بن‌بست»، «آن روزها»، «عشق منعی ندارد»، «زیارت»، «کتاب‌شناسی داستان‌های توصیفی امام، انقلاب و جنگ» و «کتاب‌شناسی داستان‌های روستایی».

البته به اینها باید مجموعه «فقط عاشق حرف عاشق را می‌فهمد» را نیز اضافه کرد که سال۱۳۹۰منتشر شد. البته فراست در سال‌های اخیر بیش از آنکه به نوشتن داستان مشغول باشد، سرگرم پژوهش بوده است. از جمله کار پژوهشی بزرگ دایره‌المعارف داستان‌های جنگ که ظاهرا به‌دلیل نبود بودجه و امکانات، نیمه‌تمام مانده است. با این‌حال رمان نخل‌های بی‌سر فراست، همواره نام او را به‌عنوان نویسنده ای مهم و تأثیرگذار سر زبان‌ها نگه داشته است. جالب اینکه فراست برای نوشتن این رمان، در سال‌های آغازین جنگ، به خرمشهر که در واقع شخصیت اصلی داستان است، سفر کرده، در جمع رزمندگان حضور یافته و سرانجام رمانش را نوشته است. فراست از نویسندگان پرکاری است که در زمینه‌های مختلف نویسندگی از گزارشگری تا رمان‌نویسی و کارهای تحقیقی در عرصه ادبیات دفاع مقدس، آثار ارزشمندی بوجود آورده است .اولین اثر او با نام «زیارت» و «خانه جدید» در سال های شصت و شصت و یک منتشر گردید. وی در سال ۱۳۸۳رمان جدیدی را به نام «آوازهای ممنوع» را نیز به اتمام رساند که به پیشنهاد دو تن از کارگردانان سینمای ایران آن را به فیلمنامه تبدیل کرد. از بین آثار وی به تحلیل نقد های رمان نخل های بی سر و

گلاب خانم پرداخته می شود.

فردی، امیرحسین:

فردی متولد پنجم مهرماه ۱۳۲۸، در روستای قره تپه واقع در دامنه جنوبی کوه سبلان است و بدین خاطر دوران کودکی و نوجوانی خود را در دامنه‌های سبلان سپری کرده است. وی با دوستانش در قبل از انقلاب در سال ۱۳۵۳ در مسجد جوادالائمه شورای نویسندگان به راه انداخت که در مسجد، شعر و داستان می‌خواندند. در کارنامه فعالیتهای اجرایی وی، می توان به چند بار داوری برای کتاب سال وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان، بنیاد حفظ آثار و نشر ارزشهای دفاع مقدس، کتاب سال شهید حبیب غنی‌پور، جشنواره ادبیات داستانی بسیج، جشنواره راهیان نور، انجمن قلم ایران، جشنواره قصه‌های قرآنی اشاره کرد. همچنین در حوزه مسئولیت های اجرایی وی می‌توان به عضویت در حوزه اندیشه و هنر اسلامی (حوزه هنری)، سردبیری و مدیر مسئولی کیهان بچه‌ها، مؤسس و مدیر مسئول کیهان علمی، عضویت در شورای داستان کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان، عضویت در شورای داستان بنیاد حفظ آثار و نشر ارزشهای دفاع مقدس، مسئولیت جشنواره انتخاب کتاب سال شهید حبیب غنی‌پور، مسئولیت شورای ادبیات داستانی نیروی مقاومت بسیج و مدیریت کارگاه قصه و رمان حوزه هنری، اشاره کرد.

برخی آثار فردی به این قرار است: «یک دنیا پروانه»، نمایشنامه «کوچک جنگلی»، داستان «مهمان ملائک»، رمان «سیاه چمن»، داستان «ملاقات با آفتاب»، مجموعه داستان «خورشید»، مجموعه داستان «گلدان پشت شیشه»، رمان «آشیانه در مه»، رمان«افسانه اصلان»، مجموعه داستان «روزی که تو آمدی» و داستان «روح الله» اشاره کرد.

محمد رضا کاتب

کاتب نویسنده رمان و داستان کوتاه (۱۳۴۵ تهران) در رشته کارگردانی تلویزیونی فارغ التحصیل شد و به سریال سازی و فیلم نامه نویسی اشتغال یافت. کاتب تولد نویسندگی خود را مدیون رمان قابل تامل «هیس» است. او که از سنین نوجوانی به داستان نویسی روی آورد و کار خود را با طنز آغاز کرد، کاتب نیز به مانند اعم نویسندگان بعد از انقلاب تربیت کارگاهی دارد و در طول این سال ها کتاب های زیادی منتشر کرده که اغلب آنها طنز هستند. تمایل کاتب به ادبیات جدی و فرم گرا را باید در آثاری چون «پری در آبگینه» و «دوشنبه های آبی ماه» جست وجو کرد؛ دو اثری که سکویی برای نوشتن رمان «هیس» و انتشار آن در ۷۸ می شوند. با آن انتشار رمان هیس و بعد از آن «پستی» و «وقت تقصیر» کاتب گرایش عمیق و جدی خود به نوعی فرم گرایی چند سویه به نمایش می گذارد. با این سه رمان کاتب، چهره اصلی و واقعی خود در حوزه ادبیات داستانی را به نمایش گذارد.

از جمله آثار کاتب عبارتند از: مجموعه داستان «قطره‌های بارانی»۱۳۷۱، مجموعه داستان «نگاه زرد پاییزی»۱۳۷۱، مجموعه داستان «عبور از پیراهن» ۱۳۷۲، رمان «شب چراغی در دست» ۱۳۶۸، رمان «فقط به زمین نگاه کن» ۱۳۷۲، رمان «هیس» ۱۳۷۸، برنده بهترین رمان سال جایزه منتقدان و نویسندگان مطبوعاتی، رمان «پستی» ۱۳۸۱ و رمان« وقت تقصیر» ۱۳۸۲. از میان ۲۰۰ داستان کوتاه و رمان، کتاب «پستی» اثر کاتب به مرحله نهایی چهارمین دوره انتخاب کتاب سال منتقدان و نویسندگان مطبوعات سال ۱۳۸۲ راه یافت. در این پژوهش به بررسی نقدهای رمان دوشنبه آبی ماه می پردازیم.

گلابدره ای، محمود

سید محمود قادری گلابدره‌ای متولد ۱۳۱۶ در گلابدره شمیران است. او از شاگردان جلال آل احمد و بعدها از دوستان وی بوده است. از وی تاکنون ۳۳ کتاب منتشر شده است. نخستین کتاب او با عنوان «سگ کوره پز» در سال ۱۳۴۹ منتشر شد. وی در سال ۱۳۵۰ رمان «پر کاه» را نوشت و «بادیه» را در سال ۱۳۵۶ به چاپ رساند، رمانی که کیارستمی یک فیلم نامه اقتباسی از روی آن نوشت. گلابدره ای در مجموع ۶ کتاب قبل از انقلاب اسلامی دارد که یکی از آنها ترجمه ۶ داستان از نویسندگان روس است. «دال»، «حکومت نظامی»، «سنگ به مثقال»، «آقا جلال» و «سفر به حجله‌گاه عشق»، «اسماعیل اسماعیل» ۱۳۶۱، «حسین آهنی» ۱۳۶۲، «سرنوشت بچه شمرون» ۱۳۶۳، «پرستوه» ۱۳۶۴، «صحرای سرد» ۱۳۶۵، «آهوی کوهی» ۱۳۶۷، «چلچله ها» ۱۳۸۰، رمان «زن گم کرده همزاد»، رمان «گل گیلاس ایگرزدره» که به زندگی شهید محسن وزوایی می‌پردازد و رمان «چه گوارا، چریک چمران» از جمله آثار اوست. داریوش مهرجویی نیز از رمان «دال» وی فیلمنامه ای با نام صحرای سرد نوشته که موضوع آن در سوئد می گذرد و به زبان‌های خارجی مختلفی نیز برگردانده شده است. گلابدره ای زبان انگلیسی را در لندن آموخته است. از شبانی در کوه‌های شمیران، گردو و بلال فروشی در سر پل تجریش، تا مترجمی زبان سوئدی، مسؤولیت انتخاب کتاب های ایرانی برای مهاجران ایرانی در سوئد، کارشناس ارشد مرکز پژوهش کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان، اپراتوری و فوتره گرامتری سازمان نقشه برداری و... را آزموده و ۱۰ سال هم در هیات خانه به دوش ها در آمریکا زندگی کرده است. وی در این رابطه کتابی دارد با نام «ده سال هوم لسی در آمریکا» که به گفته خودش جزء درد آورترین تجربه هایش در زمینه چاپ و نشر شد. بنا بود تمام تجربه های خود را از ده سال زندگی در آمریکا بنویسد،

اما تنها هشت ماه آن به صورت دو جلد چاپ شد و هنوز هم پخش نشده است. توزیع نشدن کتاب و مسائلی که پیش آمد، باعث شد که او دیگر نتواند بقیه کتاب را ادامه دهد. اصل قضیه این است که وی به عنوان یک نویسنده و روشنفکر ایرانی سراسر آمریکا را پای پیاده طی کرد و روابطی را با نویسندگان آمریکایی داشته است. برای مثال او سه ماه در خانه کن کیسی نویسنده رمان «پرواز بر فراز آشیانه فاخته» زندگی کرد و یا با وینستون گروم نویسنده رمان «فورست گامپ» همنشین و دو ماه هم مهمان پل مایر شد. گلابدره ای معتقد است نویسندگی سرنوشت اوست چرا که برای آرام کردن این روح وحشی هیچ راهی جز قلم و کاغذ وجود ندارد... وقتی نویسنده ای بدون پیدا کردن زبان خاص نوشتاری اش، بنویسد، خواه ناخواه تمام آثارش تا قبل از تولد زبان و تکنیک خاص نویسنده به سیاه مشق تبدیل خواهد شد. او خود را میراث دار سه نویسنده می داند. از هدایت و نوع ادبیاتش، از ابراهیم گلستان به لحاظ نثر و تکنیک نوشتن و از جلال تنها به اعتبار مسائل اجتماعی و دغدغه هایی که به عنوان یک نویسنده از مسائل مبتلا به سیاسی داشته است.

گلابدره ای شاگرد جلال آل احمد در دبیرستان بود و دوستی دیرینه ای با او داشت لذا منبع خوبی برای شناخت بیشتر جلال است. وی در خصوص آثار جلال برخورد های لفظی نیز با او داشته و نقدهای جدی را مطرح می کرده است که خود آنها را در کتاب داستانی «آقا جلال» نوشته است. اگر کسی بخواهد زندگی خصوصی جلال را در برخورد با اطرفیانش به طور دقیق ارزیابی کند می تواند با خواندن این کتاب، این برخوردها را درک کند. داستان «دال» مربوط به زندگی مهاجران ایرانی در سوئد بعد از انقلاب است. نبی نویسنده ای است که خانواده اش پنج سال پیش به سوئد مهاجرت کرده او نیز تصمیم می گیرد نزد آنان برود. همسر و دختر نبی پس از ورود او به سوئد وی را به کلاس زبان می‌فرستند و به تدریج تلاش می کنند نبی را با سرزمین متفاوت آشنا نموده و او را در آن دیار پایبند سازند.

گلابدره‌ای در داستان بلند «اسماعیل اسماعیل» شرح نوجوانی اهوازی است که به انتقام قتل پدر، ستون پنجم عراقی‌ها را می‌کشد و موجب نجات جان عده ای از رزمندگان می‌شود. «اسماعیل اسماعیل» به عنوان نمونه های برجسته رمان مثبت نگر است که شخصیت های آنها برای رضای خدا می جنگند و همسو با دولت و انقلاب و توده های عظیم مردم هستند و مرگ را در این جنگ شهادت می دانند. در داستان «چلچله ها» عزیز آقا جوانی است اهل شمیران که با شروع جنگ تحمیلی عراق به جبهه می‌رود، اما پس از چندی سر از عراق در می‌آورد و مقیم کربلا شده خادم حرم امام حسین (ع) می‌شود. او که در ایران به تازگی با پونه ازدواج کرده بود در کربلا نیز با خانواده ای آشنا می‌شود که نام دختر آن خانواده پونه است. سرانجام این آشنایی به ازدواج این دو می‌انجامد. سال‌ها بعد عزیز آقا به همراه پونه به ایران باز می‌گردد و درمی یابد همسر اولش صاحب فرزندی از اوست.

بیشتر ویژگی های قهرمانان داستان های گلابدره ای متعلق به شمیران است. قهرمانان وی در این کوچه و پس کوچه‌ها زندگی می‌کنند و این نشان از دلبستگی خاص این نویسنده به شمیران دارد. رمان «پرکاه» در سال ۱۳۵۲ منتشر شد و همان سال هم مورد تایید اهالی قلم قرار گرفت. در این رمان پسری به نام شهرام از شمال شهر حرکت می‌کند و سفری را از شمال شهر تا میدان اعدام و بالعکس آغاز می‌کند. خط اصلی رمان مسائل و مشکلات موجود در جامعه شهری است. اسم او در هر منطقه بر مبنای رویکردهای متفاوت محله‌های تهران عوض می‌شود. سیمین دانشور گفته بود واقعاً نمی‌دانم چطور می‌شود در بیست و چهار ساعت یک رمان ۶۰۰ صفحه ای به نام «پرکاه» نوشت.

استخوان بندی داستان «پرکاه» برخورد و تلاقی دو خانواده از دو طبقه متفاوت است. اول: خانواده مشتکبر که روستایی بریده از زمینی است، و اکنون در کارخانه مونتاژ اتوموبیل نزدیک شهر بزرگ کارگر است. خانواده پر از بچه‌های قد و نیم قد است؛ که کارگر، دوره گرد، بلیط فروش یا دانش آموز هستند و بهر حال هر یک باید گوشه‌ای

از مخارج خانواده را بهر طریق که می‌دانند، تأمین کنند. مادر (خانم آقا) نیز کلفتی می کند. خانواده در یک اتاق اجاره‌ای متغفن و مفلوک زندگی می کنند. در این اتاق تندخویی، خشونت، خودپرستی، بی فرهنگی و بد دهنی صفت عمومی است. خانواده نمونه پرولتاریای فرومایه است. دوم : خانواده جهانگیرخان که از نظر امکانات مادی درست در نقطه مقابل اولی قرار دارد، جهانگیرخان مقام اداری مهمی دارد، و چندین سمت یا مقام در موسسات دیگر. با همسری بی بند و بار و خوشگذران (منیژه بانو). خانواده تک فرزندی (شهرام). با تفرعن و بی ریشگی مرسوم. بی فرهنگی، غربزدگی و عدم تعلق، در خانه‌ای مجلل که در آن ملال و نفرت از یکدیگر حکمرواست. خانواده، نمونه بورژوای منحط است. اما در میان آثار وی لحظه های انقلاب داستانی گیراست. که با ضرباهنگی تند خواننده ر با خود همراه می کند و یکی از بهترین رمان های انقلاب اسلامی با محوریت حوادث سال ۱۳۵۷ است.

گودینی، محمدعلی

او در سال ۱۳۳۵ در شهرکنگاور از توابع استان کرمانشاه متولد شده و در سیزده سالگی به شهر تهران آمده و اکنون نیز در این شهر زندگی می کند. دارای دیپلم تجربی بوده و در یک کارخانه کار می کند و در آنجا عضو شورای مرکزی انجمن اسلامی و نیز هیئت منصفه کارخانه است و در دو نشریه نیز مسئول صفحه ادبی بوده است. از آثار او، داستان صعود، در دومین دوره مسابقات بنیاد جانبازان رتبه دوم و داستان آجر بهمنی در سومین دوره همین مسابقات رتبه سوم را به‌دست آورده است. لبخند تلخ در مسابقات قلم زرین جزو پنج اثر اول انتخاب شده و داستان شیرین در دوره دوم جایزه عذرا رتبه دوم و در اولین دوره مسابقات ادبی کارفرمایان و کارگران رتبه سوم را به دست آورده است. آخرین اثر او رمان «تالار پذیرایی پایتخت»است که در جشنواره داستان انقلاب مورد تقدیر قرار گرفت. این

کتاب برگزیده جایزه کتاب فصل و در سومین دوره جایزه جلال هم تقدیر شد. از او در آینده نزدیک کتاب «زنی با کفش های مردانه» که به نوعی ادامه «تالار پذیرایی پایتخت» است منتشر می شود. آثار وی در مجموع عبارتند از: یک مشت خاک (داستان نوجوانان)، گوی نان (داستان نوجوانان، زیر چاپ)، لبخند تلخ، دستی در آسمان، راز عمارت متروک (رمان)، زنی با کفشهای مردانه (آماده چاپ)، نورد یکی است (مجموعه داستان)، سیلاب (مجموعه داستان) ، تالار پذیرایی پایتخت (رمان). از میان رمان های وی تنها تالار پذیرایی پایتخت دارای نقد مکتوب است که در اینجا ذکر خواهد شد.

مؤذنی، علی

علی مؤذنی متولد ۱۳۳۷ و فارغ التحصیل ادبیات نمایشی است و از جمله نویسندگانی است که کار نوشتن را به شکل حرفه ای دنبال می کند. او از جمله هنرمندانی است که در چند عرصه داستان کوتاه، رمان، داستان بلند، نمایشنامه، فیلمنامه قلم می‌زند همچنین وی در حوزه ساخت فیلم نیز فعالیت دارد. وی در حوزه ادبیات دفاع مقدس نیز رویکردی خاص به مسائل دارد. از جمله آثار وی که اغلب با اقبال منتقدان و مخاطبان روبرو شده‌اند و جوایزی را نیز از آن خود کرده‌اند می‌توان به موارد زیر اشاره کرد

رمان «ظهور» ، رمان برگزیده در سال ۷۸،کتاب «چهار فصل» ، شامل سه داستان بلند، کتاب «سفر ششم»، «ملاقات در شب آفتابی» (برنده جایزه کتاب سال ۷۶)، دلاویزتر از سبز»، یکی از برترین داستان‌های شناخته شده در مراسم بیست سال داستان نویسی، «ارتباط ایرانی»، رمان تحسین شده از طرف شورای نویسندگان روسیه. خورشید از سمت غروب، شب نامه، ملیکا، دوازدهم، مفرد مذکر غایب و ... . موذنی با توجه به تعداد آثاری که طی چند سال

اخیر نوشته و منتشر کرده، به عنوان یک نویسنده حرفه ای، در معنای فنی و فرهنگی کلام، شناخته شده است. مؤذنی را می توان یکی از انگشت شمار کسانی دانست که در حوزه ادبیات جنگ، چهره شاخص و درخشانی از خود نشان داده اند. کار و دیدگاه او در قلمرو داستان از اصالت و اقتدار و استقلال سخن می گوید. بارزترین مشخصه درونی و بیرونی داستان ها و رمان های مؤذنی ناظر بر هویتی مستقل در عرصه فرهنگ مذهبی است. شاید جوهره مذهبی آثار او را از این دیدگاه بتوان فراتر از انتزاع و حتی تعهدهای صرف اخلاقی برآورد کرد.

کتابشناسی ها و منابع و مآخذ

کتابشناسی رمان ها(بر اساس نام رمان)

۱. ارمیا، امیر خانی، رضا، سوره مهر، ۱۳۷۴

۲. اشکانه،حسن بیگی، ابراهیم: انتشارات، قدیانی ۱۳۸۴

۳. اندکی سایه احمد بیگدلی: انتشارات خجسته، ۱۳۸۴.

۴. بیوتن،امیرخانی، رضا: نشر علم، ۱۳۸۷

۵. پرونده ۳۱۲، صحرایی، اکبر: نشر شاهد، ۱۳۸۴

۶. پل معلق، بایرامی، رضا، انتشارات افق، ۱۳۸۱

۷. تالار پذیرایی پایتخت: محمد علی گودینی، سوره مهر، ۱۳۸۸

۸. دره جذامیان امیرفجر، میثاق: ، تهران، فردوسی، ۱۳۶۶، صفحه.۳۵۸

۹. دوشنبه های آبی ماه: کاتب، محمد رضا:، نشر صریر ۱۳۷۵

۱۰. دیلمزاد، رودگر، محمد: شهرستان ادب، ۱۳۸۹

۱۱. راز ناشناس ،آزاد، نورالدین: نشر شاهد، ۱۳۸۶

۱۲. ریشه در اعماق ،حسن بیگی، ابراهیم: انتشارات برگ ۱۳۷۳ و انتشارات محراب قلم ۱۳۷۹

۱۳. سال های بنفش، ابراهیم حسن بیگی ،انتشارات علم، ۱۳۸۵

۱۴. سفر به گرای ۲۷۰ درجه، دهقان، احمد: چاپ اول صریر. چاپ دوم سوره مهر ۱۳۷۵

۱۵. سوران سرد، افهمی، جواد، انتشارات سوره مهر، ۱۳۸۹

۱۶. سیاه چمن، فردی، امیرحسین: انتشارات کیهان، ۱۳۸۲

۱۷. شطرنج با ماشین قیلامت، احمد زاده، حبیب: ()، سوره مهر۱۳۸۴

۱۸. طوفانی دیگر در راه است، شجاعی، سید مهدی انتشارات: نیستان، ۱۳۸۶

۱۹. عریان در برابر باد، شاکری،احمد: انتشارات فرهنگ گستر، ۱۳۸۰

۲۰. قاعده بازی،زنوزی جلالی، فیروز: نشر علم، ۱۳۸۸

۲۱. کوچه اقاقیا، تجار، راضیه : سوره مهر ۱۳۸۳

۲۲. گلاب خانم،فراست، قاسمعلی: انتشارات قدیانی،۱۳۷۴

۲۳. لحظه های انقلاب، گلابدره ای، محمود: انتشارات عصر داستان، ۱۳۵۸ تجدید چاپ شده در ۱۳۹۰

۲۴. محمد رسول الله ،حسن بیگی، ابراهیم: انتشارات مدرسه، ۱۳۸۶

۲۵. مخلوق، زنوزی جلالی، فیروز: انتشارات علمی، ۱۳۷۹

۲۶. ملاقات در شب آفتابی، مؤذنی، علی: نشر قدیانی، ۱۳۷۴،

۲۷. من او،امیرخانی، رضا: انتشارات سوره مهر، ۱۳۷۸

۲۸. نخل ها و آدم ها، نعمت الله سلیمانی: انتشارات مرکز مطالعات و تحقیقات سپاه پاسدارن انقلاب اسلامی، ۱۳۸۰

۲۹. نخل‌های بی‌سر، قاسمعلی فراست: انتشارات امیرکبیر، ۱۳۶۳

۳۰. نغمه در زنجیر، امیرفجر، میثاق : انتشارات معاونت فرهنگی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۳۶۷.

۳۱. نه آبی نه خاکی، علی موذنی: نشر سوره، ۱۳۷۵،

۳۲. همزاد، آزاد، نور الدین : سوره مهر، ۱۳۸۳

کتابشناسی رمان ها(بر اساس نام نویسنده)

۱. احمد زاده، حبیب(۱۳۸۴): شطرنج با ماشین قیلامت: تهران، سوره مهر.

۲. افهمی، جواد(۱۳۸۹)، سوران سرد، تهران، انتشارات سوره مهر.

۳. امیرفجر، میثاق(۱۳۶۶)، دره جذامیان: تهران، فردوسی.

۴. ـــــ (۱۳۶۷): نغمه در زنجیر، تهران، انتشارات معاونت فرهنگی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.

۵. امیر خانی، رضا (۱۳۷۴)، ارمیا: تهران، سوره مهر.

۶. ـــــــ (۱۳۷۸) من او، تهران، انتشارات سوره مهر.

۷. ـــــــ (۱۳۸۷) بیوتن: تهران، نشر علم.

۸. آزاد نور، الدین(۱۳۸۳) همزاد: تهران، سوره ی مهر.

۹. ـــــــ(۱۳۸۶) رمان راز ناشناس: تهران، نشر شاهد،

۱۰. بایرامی رضا(۱۳۸۱) ، پل معلق، تهران، انتشارات افق.

۱۱. احمد بیگدلی(۱۳۸۴) ، اندکی سایه: تهران، انتشارات خجسته.

۱۲. تجار، راضیه (۱۳۸۳)، کوچه اقاقیا، تهران، سوره مهر.

۱۳. حسن بیگی، ابراهیم(۱۳۸۵)، سال های بنفش تهران، ،انتشارات علم.

۱۴. ـــــ (۱۳۷۹)ریشه در اعماق: تهران، انتشارات برگ ۱۳۷۳ و انتشارات محراب قلم.

۱۵. ـــــ (۱۳۸۴)، اشکانه: تهران، انتشارات قدیانی.

۱۶. ـــــ (۱۳۸۶)، محمد رسول الله: انتشارات مدرسه.

۱۷. دهقان، احمد(۱۳۷۵)، سفر به گرای ۲۷۰ درجه: تهران، چاپ اول صریر. چاپ دوم سوره مهر.

۱۸. رودگر، محمد(۱۳۸۹)، دیلمزاد، تهران، شهرستان ادب.

۱۹. زنوزی جلالی، فیروز(۱۳۷۹)، مخلوق: تهران، انتشارات علمی.

۲۰. ـــــ (۱۳۸۸)، قاعده بازی: تهران، نشر علم.

۲۱. سلیمانی، نعمت الله (۱۳۸۰)، نخل ها و آدم ها: تهران، انتشارات مرکز مطالعات و تحقیقات سپاه پاسدارن انقلاب اسلامی.

۲۲. شاکری، احمد(۱۳۸۰)، عریان در برابر باد: تهران، انتشارات فرهنگ گستر.

۲۳. شجاعی، سید مهدی(۱۳۸۶)، طوفانی دیگر در راه است: تهران، انتشارات نیستان.

۲۴. صحرایی، اکبر(۱۳۸۴)، پرونده ۳۱۲: تهران، نشر شاهد.

۲۵. فراست، قاسمعلی (۱۳۶۳)، نخل‌های بی‌سر: تهران، انتشارات امیرکبیر.

۲۶. ـــــ (۱۳۷۴)،گلاب: خانم تهران، انتشارات قدیانی.

۲۷. فردی، امیرحسین(۱۳۸۲): سیاه چمن: تهران، انتشارات کیهان.

۲۸. کاتب محمد رضا(۱۳۷۵) ، دوشنبه های آبی ماه: تهران، نشر صریر.

۲۹. گلابدره ای، محمود(۱۳۵۸)، لحظه های انقلاب: تهران، انتشارات عصر داستان، تجدید چاپ شده در ۱۳۹۰عصر داستان.

۳۰. گودینی، محمد علی (۱۳۸۸)، تالار پذیرایی پایتخت: تهران، سوره مهر.

۳۱. مؤذنی، علی(۱۳۷۴)، ملاقات در شب آفتابی: تهران، نشر قدیانی.

۳۲. ـــــــــ (۱۳۷۵)، **رمان نه آبی نه خاکی**: نشر سوره.

گروه زبان و ادبیات فارسی دانشگاه پیام نور

فصل چهارم: ادبیات منظوم دفاع مقدس

گروه زبان و ادبیات فارسی دانشگاه پیام نور

۴ـ۱. معرفی قالب‌های شعری:

پیش از ورود به بررسی دقیق‌تر آثار کنگره‌های شعر دفاع قدس خوزستان، لازم است شناختی کوتاه از قالب‌هایی که در این کتاب‌ها از آن‌ها استفاده شده و گاهی مانند «غزل» به عنوان پرکاربردترین قالب نمود یافته‌اند، به دست بدهیم.

پیش از آن نمود کلی قالب‌های موجود در کتاب‌های این پنج همایش و کنگره‌ی ادبی به صورت جدول آماری تقدیم می‌گردد:

بیشترین آمار در این رابطه مربوط به قالب غزل و قالب‌های آزاد(سپید و نیمایی) است.

در ادامه، به ترتیب به این قالب‌ها پرداخته ایم.

۳ـ۷ـ۱ـ غزل

شکلِ کلی غزل دفاع مقدّس، همان شکل اصیل غزل است و شاعرانِ این ژانر، به هیچگونه هنجارگریزی غیرمنطقی یا مخرب در بستر آن دست نزدند و تنها به دگرگونی‌هایی که بتواند به شاعر فضای بازتری برای سخن‌سرایی بدهد پرداخته‌اند. دگرگونی‌هایی که ضمن منطقی‌بودن، به زیبایی این قالب و اعتبار آن افزوده است:

پرکاربردترین شکلِ به کار گرفته در غزل دفاع مقدّس، شکل سنتی آن است که البته در غزل آزاد دچار آسیب و تخریب شده است (پست‌مدرنیزم). بیش‌تر غزل‌هایی که در این حوزه می‌شناسیم غزل‌هایی زیر این شکل است. شکل سنتی غزل، در دهه‌ی هفتاد شکل یکه‌تاز بوده است و تا آن‌جا که مطالعه شده است، تمام غزل‌های حوزه‌ی دفاع مقدّس در کتاب‌ها و کنگره‌های پیش از دهه‌ی هشتاد در شکل سنتی غزل سروده شده است. شکلی که در دهه‌ی هشتاد، فضایی نو و به روز را ارائه داده است:

بر زمین روزهای مسخ شده کش می‌آیند در نبود شما
عارفان آرزو به دل ماندند ره نبردند تا شهود شما
شاخه‌های درخت می‌گریند اشکها سبز برگها شانند
بر زمین اشکها فراوانند تا به جای است یاد بود شما

با نفوذ تگاه در تاریخ رخنه کردید در نیامده ها
عزمهاتان در آی آینده لحظه‌هایی است از وجود شما
بوی ضخم میان این لحظات درک این دردهای ناپیدا
افتضاح است در تمام جهان تا غریب است با خلود شما
بستر رودها ترک خوردند آب اندیشه ای است یاس آلود
غیر ممکن وجود خواهد داشت می‌شود گفت با نبود شما
نیستی حس چشمگیری نیست زندگی در دل فراموشی است
رفته اید و هنوز مبهوت است عشق در پهنه‌ی حدود شما
این زمین را چه می‌جود امروز هر چه داریم از شما اینجاست
میشود از زمین جدا نشویم مادر ماست این زمین آخر
حاصل هستی ام همین وطن است خاکی از جنس تار و پود شما
(اسدی، پلک خاطره: ۴۰ـ۴۱)

یا:

گوشی که زنگ خورد؛ گلی بود، هاج و واج ـ می‌گفت حال حاج‌علی باز بد شده...
جسم‌اش تمام زرد شده... رنگ باخته، سرد است آنچنان که بگویی جسد شده...
رفتم به سوی خانه چنان دستپاچه، گیج! خانه پُر از صداست، پر از آه و ناله نیز
غمگین کنار تخت، گلی ایستاده است با بغض کهنه‌ای به گلو بسته ـ سد شده
دیدم تلی از آتش و فریاد روی تخت ـ لرزان، کبود، زخم، دمل‌ریز، سوخته
چون نعشِ کشته‌ای که در آشوبِ روزِ جنگ در زیرِ سمّ وحشیِ اسبان لگد شده...
می‌گوی‌ام از فلانی از آ... سرفه می‌کند... با سرفه سرفه سرفه مرا می‌کند خطاب:
باید چگونه بارقه‌ی دوست را شناخت؟ با این زمانه‌ای که پر از دیو و دد شده!
اورژانس می‌رسد ـ دو سه همراه، باند، تخت... حاجی نفس، نفس، نَـ.. نفس‌های آخر است
در گوش من صداش ولی موج می‌خورد: بد، بدتر از گذشته شده، خوب، بد شده...!

این بار چندم است که تا مرگ می‌رود... این بار چندم است که حتی پزشک نیست!

این بار پنجم است کمیسیون، دوا، سند، این بار پنجم است که پرونده رد شده...!

(طیّب، عطر نام تو در دهان باد: ۱۹)

۳ـ۷ـ۲ـ قالب‌های آزاد

قالب‌های آزاد به مجموعه‌ی قالب‌های غیر از قالب‌های سنتی می‌گویند. یعنی قالب شعر نیمایی و قالب شعر سپید و همانندهای آن مانند شعر موج نو، شعر ناب، شعر خاکستری، حجم، طرح، هایکوِ ایرانی و... . اما در کنار شعر نیمایی، بیشتر به قالب سپید، هایکو و طرح پرداخته می‌شود.

در باره‌ی این موارد، تضیحات بیشتری می‌دهم:

۳ـ۷ـ۲ـ۱ـ قالب نیمایی

شعر نیمایی را علی اسفندیاری معروف به نیما یوشیج برساته و رسمی بخشیده است. تحولی که نیما انجام داد در دو حوزه فرم و محتوای شعر کلاسیک فارسی بود. با انتشار شعر افسانه نیما مرامنامه‌ی شعر نو را مطرح کرد که تفاوت بزرگ ساختاری و مفهومی با شعر کهن داشت□

پس از چندی شاعران دفاع مقدس نیز از این قالب بهره گرفتند:

از نخستین و معروف‌ترین شعرهای نیمایی دفاع مقدس ـ که به نام شعر سپی مطرح می‌شود ـ شعر زیر از قیصر امین‌پور است:

می خواستم شعری برای جنگ بگویم

دیدم نمی شود

دیگر قلم زبان دلم نیست گفتم□

باید زمین گذاشت قلم‌ها را

دیگر سلاح سرد سخن کارساز نیست

باید سلاح تیزتری برداشت

باید برای جنگ

از لوله تفنگ بخوانم

با واژه فشنگ

می خواستم

شعری برای جنگ بگویم

شعری برای شهر خودم- دزفول□□

دیدم که لفظ ناخوش موشک را

باید به کار برد

اما

موشک

زیبایی کلام مرا می کاست

گفتم که بیت ناقص شعرم

از خانه های شهر که بهتر نیست

بگذار شعر من هم

چون خانه های خاکی مردم

خردوخراب باشدو خون الود

باید که شعر خاکی و خونین گفت

باید که شعر خشم بگویم

شعر فصیح فریاد

□□هرچند ناتمام□

گفتم□

در شهر ما

دیوارها دوباره پر از عکس لاله هاست

اینجا وضعیت خطر گذرا نیست

اژیر قرمز است که می نالد

تنها میان ساکت شبها

بر خواب ناتمام جسدها

خفاشهای وحشی دشمن

گروه زبان و ادبیات فارسی دانشگاه پیام نور

حتی ز نور روزنه بیزارند

باید تمام پنجره‌ها را

با پرده های کور بپوشانیم

اینجا

دیوار هم

دیگر پناه پشت کسی نیست

کاین گور دیگری است که استاده است

در انتظار شب

دیگر ستار گان را

حتی

هیچ اعتماد نیست

شاید ستاره ها

شبگردهای دشمن ما باشند

اینجا

حتی

از انفجار ماه تعجب نمی کنند

اینجا

تنها ستارگان

از برجهای فاصله می بینند

که شب چقدر موقع منفوری است

اما اگر ستاره زبان می داشت

چه شعرها که از بد شب می گفت

گویا تر از زبان من گنگ

اری

شب موقع بدی است

گروه زبان و ادبیات فارسی دانشگاه پیام نور

هر شب تمام ما
با چشمهای زل زده می بینیم
عفریت مرگ را
کابوس آشنای شب کودکان شهر
هر شب لباس واقعه می پوشد
اینجا□
هر شام خا مشانه به خود گفتیم
شاید
این شام،شام آخر ما باشد
اینجا
هر شام خامشانه به خود گفتیم
امشب
در خانه های خاکی خواب آلود
جیغ کدام مادر بیدار است
که در گلو نیامده می خشکد؟
اینجا
گاهی سر بریده ی مردی را
تنها
باید ز بام دور بیاریم
تا در میان گور بخوابانیم
یا سنگ و خاک وآهن خونین را
وقتی به چنگ و ناخن خود می کنیم
در زیر خاک گل شده می بینیم□
زن روی چرخ کوچک خیاطی
خاموش مانده است

گروه زبان و ادبیات فارسی دانشگاه پیام نور

اینجا سپور هر صبح

خاکستر عزیز کسی را

همراه میبرد

اینجا برای ماندن

حتی هوا کم است

اینجا خبر همیشه فراوان است

اخبار بارهای گل و سنگ

بر قلبهای کوچک

در گورهای تنگ

اما

من از درون سینه خبر دارم

از خانه های خونین

از قصه ی عروسک خون آلود

از انفجار مغز سری کوچک

بر با لشیکه مملو رویاهاست

□□□□رویای کودکانه ی شیرین

از آن شب سیاه

آن شب که در غبار

مردی به روی جوی خیابان خم بود

با چشمهای سرخ و هراسان

دنبال دست دیگر خود می گشت

باور کنید

من با دو چشم مات خودم دیدم

که کودکی ز ترس خطر تند می دوید

اما سری نداشت

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

لختی دگر به روی زمین غلتید

و ساعتی دگر

مری خمیده پشت و شتابان

سر را به ترک بند دو چرخه

سوی مزار کودک خود می برد

چیزی درون سینه ی او کم بود... .

اما

این شانه های گرد گرفته

چه ساده و صبور

وقت وقوع فاجعه می لرزند

اینان

هر چند

بشکسته زانوان و کمر هاشان

استاده اند فاتح و نستوده

□ □بی هیچ خان و مان

در گوششان کلام امام است

□ □فتوای استقامت و ایثار□

بر دوششان درفش قیام است

باری

این حرفها داغ دلم را

دیوار هم توان شنیدن نداشته است

آیا تو را توان شنیدن هست؟

دیوار

دیوار سرد و سنگی سیار

آیا رواست مرده بمانی

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

در بند انکه زنده بمانی؟

نه

باید گلوی مادر خود را

از بانگ رود رود بسوزانیم

تا بانگ رود رود نخشکیده است

باید سلاح تیز تری برداشت

دیگر سلاح سرد سخن کارساز نیست □□□

(امین‌پور، از حنجره‌ی کارون: ۲۰ـ۲۷)

یا:

سال میثاق اقاقی با عروج نور

سال معراج شقایق

تا ستیغ کوه

سال پیوند تبار عاشقان

با چلچراغ عشق

سال پرپر گشتن گل‌های سوسن بود

سال تقطیع هزاران شاخه‌ی سبز صنوبر

با سقوط بی امان «بمب» و

جیغِ سردِ آهن بود...

(هرمزی، مهاجران فلق: ۲۰ـ۲۷)

۳ـ۷ـ۲ـ۲ـ شعرهای سپید و...

شعر سپید یا شعر منثور یا شعر آزاد معمولاً در مقابل شعر نیمایی معرفی شده است. هم از نظر قافیه و هم از نظر وزن. به طور کلی شعر سپید، گونه‌ای از شعر نو فارسی است که در دهه ۳۰ و با مجموعه‌ی هوای تازه از احمد شاملو ظهور پیدا کرد و خود شاملو نیز پیشرو این شعر است تا جایی که از شعر سپید، گاهی به شعر شاملویی تعبیر می‌گردد.

تفاوت عمده‌ی این آثار با نمونه‌های قبلی شعر نو در فرم شعر بود. در این سبک عموماً وزن عروضی رعایت نشده ولی آهنگ و موسیقی (درونی) نمود دارد

در دسته‌بندی شعر نو فارسی، گاهی به هر شعر که در قالبشعر نیمایی نگنجد شعر سپید می‌گویند اما از نظرگاه تخصصی اینگونه نیست و معمولاً از تقسیم بندی‌های دیگر مانند طرح، موج نو و هایکو(ایرانی) سخن به میان می‌آید

شاعران دفاع قدس به شدت از این ساختار بهره برده اند. حجم استفاده‌ی شاعران دفاع مقدس تا جایی است که قالبِ پس از قالب غزل از نظر بسامدی همین قالب شعر سپید و هم‌خانواده‌های آن است.

در جزر این خلیج
هماره نوک دکلی طلوع خواهد کرد
یادآور روزهایی که
کشتی‌ها بر این کناره پهلو می‌گرفتند
در هلهله‌ی مرغان دریایی و عرقریزان باربران.
مَد این خلیج را اما
نخل‌ها گریسته اند
آنهنگام که ناخدایان و ملاحان دیگر
زن و فرزند به آغوش نفشردند
در غروب آخرین سفر.
و خطوط سپیدی که هواپیماها
بر آسمان می‌کشیدند
انگار خطوط کژمژ نقاشی‌هایی بود
که کودکان
در دبستان‌های بی نام می‌کشیدند
آنهنگام که پشت نیمکت‌ها تکه تکه شدند
وخونشان زیباترین رنگ بوم بندر شد

گروه زبان و ادبیات فارسی دانشگاه پیام نور

(اینگونه می‌خواستند نقاشان جنگ!)

خدای را

که چه جزر و مَدّی دارد

این سنج و دمامی که ارواح غریق می‌نوازند

(حلالی، از حنجره‌ی کارون: ۲۰ـ۲۷)

شعر زیبای دیگری در قالب سپید دفاع مقدس:

یا:

گل یا پوچ کردیم

خون تمام سکانس را پر کرد

و ما در سکوت

حرف خمپاره‌ها را تر جمه کردیم

همه چیز از لالا یی مادر شروع شد

که صدایش رابه دست گرفت

ونخل‌ها را فتح نکرده... ....

هی پسرکفش هایت را بردار

اینجا مرز دلتنگی دختریست

که پاهایش راگم کرده

اینجا وضعیت رنگ چشم‌های شماست

وزمین هر چه فشنگ بالا می‌اورد

تانک‌ها عاشق نمی شوند

تو هیچ وقت صدای مرا

از تفنگ تشخیص نمی دهی

فقط وقتی چشم هایت را باز می‌کنی

وضعیت رنگ موهای من است

(شاطری، عطر نام تو در دهان باد: ۵۵)

یا شعر زیر که به ساختار آن، عنوان طرح داده اند:

اگر بغلت کنم

می ترکم

و برادرم را که قول داده بیاید

نمی بینم

تو عروسک خوبی نیستی

الکی می‌خندی

بعد همه را به کشتن می‌دهی! (مالکی، پلک خاطره: ۵۴)

۳ـ۷ـ۳ـ رباعی

رباعی قالبی ایرانی و اصیل است که قدمت آن را به دوران رودکی و از اختراعات او می‌دانستند. رباعی از کلمه‌ی رباع به معنی چهارتایی گرفته شده است. «رباعی شعری است چهار مصراعی که بر وزن لا حول و لا قوة الا بالله سروده می‌شود. سه مصراع اول رباعی تقریباً مقدمه ای برای منظور شاعر هستند و حرف اصلی در مصراع چهارم گفته می‌شود.»(دانشنامه‌ی رشد، رباعی)

معروف‌ترین رباعی‌سرا در تاریخ ادب فارسی حکیم عمر خیام نیشابوری است که مجموعه اشعار وی به رباعیات خیام مشهور می‌باشند. معروف‌ترین رباعی‌سرا در تاریخ ادب فارسی حکیم عمر خیام نیشابوری است که مجموعه اشعار وی به رباعیات خیام مشهور می‌باشند. رباعیات عطار، مولوی، اوحدالدین کرمانی و باباافضل کاشی نیز شهرت دارند. در دوران معاصر، نیما یوشیج به سرودن رباعی اشتیاق تمام از خود نشان داد و بیش از ۱۸۰۰ رباعی از او بجای مانده است. بعد از نیما، سایر شاعران نوپرداز همچون سیاوش کسرایی و منصور اوجی به این قالب توجه ویژه داشتند. در دوران معاصر، شاعرانی همچون سید حسن حسینی و قیصر امین‌پور در این قالب سروده‌اند

شاعران پایداری و دفاع مقدس از همان آغاز انقلاب و سپس دفاع مقدس به شدت از این قالب بهره گرفتند. تقریباً در تمام کتاب‌های دفاع مقدس می‌توان قالب رباعی را دید.

برخاستی و موج ز دریا برخاست

پیش قدمت غبار صحرا برخاست

وقتی میان خون فتادی ای دوست

خورشید به احترامت از جا برخاست

(سنگری، مهاجران فلق، ۵۶)

یا:

یک دسته بهار جاودان آوردند

در خاک دوباره آسمان آوردند

بعد از سپری گشتن ایامی دور

از تو دو سه تکه استخوان آوردند

(غفارزاده، عطر نام تو در دهان باد: ۶۰)

۳ـ۷ـ۴ـ دوبیتی

ساختار دوبیتی همان ساختار رباعی است با اختلاف در وزن. دوبیتی از قالب‌های ریشه‌دار شعر پارسی است. یک شعر یازده هجایی مرکب از چهار مصرع است که همه بر یک قافیه (جز مصرع سوم که آوردن قافیه در آن اختیاری است) می‌باشند. دوبیتی وزن تکامل یافته و عروضی شده نوعی از ترانه‌های دوازده هجایی قدیم ایران است. نامدارترین وزن دوبیتی، همان بحر هزج مسدّس مقصور(مفاعیلن مفاعیلن مفاعیل) و مشهورترین شاعر بر وزن نام برده، باباطاهر عریان است. باباطاهر و فایز دشتی بزرگترین دوبیتی‌سرایان ایرانی هستند □

در دوره‌ی معاصر، دوبیتی در وزن‌های متفاوتی سروده شد که غیر از وزن مشهور آن است. شاعران دفاع مقدس نیز از جمله‌ی شاعران معاصر بودند که از این ظرفیت به شکل تقریباً گسترده ای بهره بردند.

در اینجا چند نمونه از دوبیتی‌های دفاع مقدس تقدیم می‌شود:

شهاب از آسمان‌ها چید، آورد

محبت با خود از خورشید آورد

پدر دریا شد و چشمان مادر
صدف شد آب مروارید آورد
(غفارزاده، همان‌جا)

یا:

پس از عمری غریبی، بی‌نشانی
خدا می‌خواست در غربت نمانی
از آن سروِ سرافراز تو هر چند
پلاکی بازگشت و استخوانی
(موسوی، شهری در آسمان: ۹۵)

۳ـ۷ـ۵ـ مثنوی

مثنوی در ادبیات کهن، شعری است مقفّا و در اوزان کوتاه. یعنی هر بیت دارای دو قافیه‌ی مستقل است و می‌تواند ردیف هم داشته باشد. اما در دوره‌ی معاصر، این وزن‌ها گسترش یافتند و مثنوی‌هایی در اوزان معروف غزل هم داریم.

مثنوی دارای ابیات زیادی بوده و برای سرودن داستان‌ها و مطالب طولانی کاربرد دارد. مانند داستان‌های بلندی که در ادبیات فارسی در این قالب سورده شده است.

در این قالب هر بیت دارای قافیه‌ای جداگانه است و به همین دلیل به آن مثنوی گفته می‌شود. از بزرگترین سروده‌های ادبیات پارسی که در قالب مثنوی سروده شده اند،می‌توان به شاهنامه‌ی فردوسی می‌باشد. کلیله و دمنه رودکی و آفرین نامه‌ی ابوشکور بلخی نیز از اولین نمونه‌های مثنوی است.

تقریباً از قرن هفتم به بعد، پس از غزل، پرکاربردترین قالب شعری فارسی بوده است. از جمله دیگر سرایندگانی که از این قالب استفاده کرده‌اند می‌توان از مولانا جلال‌الدین بلخی نام برد که مطالب عرفانی خود را در قالب مثنوی سروده است. جامی و نظامی نیز از دیگر شاعران بزرگ این قالب اند. این قالب شعری خاص زبان فارسی است.

شاعران دفاع مقدس از این قالب در اندازه‌ی چشم‌گیری بهره بردند و آثار فراوانی در این قالب زیبا آفریده شده است. گاهی نیز بعضی از شاعران دفاع مقدس فقط به عنوان شاعران مثنوی سرای دفاع

مقدس معروف شده اند.

مادر بدون چادر گلدار، رو به در، از روز رفتنت شده تبدار، بیقرار
گل‌های کاغذی همه ساکت نشسته‌اند، گلدان سنگی از نگرانیت داغدار
دیوارهای خانه‌ی □ بی‌سرپرست را، هر روز صبح با لب خندان شمرده است
اسپند دود کرده بیایی دم غروب، که می‌شود بدون تو هر بار مرده است
مادر جلوی آینه، از توی قاب عکس چشمان قهوه‌ای تو را شانه می‌کند
اسم تو را که می‌برد احساس یک انار، روی لبان صورتیش دانه می‌کند
یلدای سال پیش بلند و سیاه بود، امسال دانه دانه سپید از نبودنت
تا سال بعد هم که نیایی سپیدتر، موهای لخت غم‌زده از دوری تنت
تنها و سر به زیر، درونش نشسته‌ام ـ تلخی انتظار تو را می‌مکم از او
بابا بیا! بدون تو نه ماه □ بی‌پدر... دیگر بس است خسته‌ام از این هزار تو
من قول می‌دهم به‌نگاهیت‌جان‌دهم، من قول می‌دهم که‌به‌عشقت شوم اسیر
بابا پلاک زخمی تاخورده را ببر، با آن شناسنامه برای دلم بگیر
(پژوهان فر، عطر نام تو در دهان تو: ۴۹)

یا:

شهر خونین سپیده می‌سوزد
دشت در خون تپیده می‌سوزد
گُر گرفته ست هر افق گویی
کوچه کوچه سپیده می‌سوزد
آسمان شرحه شرحه می‌نالد
کهکشان زین پدیده می‌سوزد
فتنه در باغ ارغوان افتاد
لاله‌ی داغ دیده می‌سوزد
زین سمومی که رفت از سر باغ

غنچه‌ی نو رسیده می‌سوزد
نخل آتش کلاله می‌افتد
سرو قامت کشیده می‌سوزد
هر نهالی که قامت افرازد
زین شقاوت خمیده می‌سوزد
در غم شهر خون دلم چونان
نخل آتش رسیده می‌سوزد
(کربلی، شهری در آسمان: ۹۵)

یا:

یازده سال انتظار و انتظار
یازده پاییز سخت بی بهار
یازده بار التماس جاده‌ها
مست دیدار به ره افتاده‌ها
آمد، اما شکل بابایش نبود
دیگر آن بابای زیبای نبود
دست‌هایی نیمه تا آرنج داشت
یادگار از کربلای پنج داشت
آمد و از خاطراتش حرف زد
از هجوم آب و آتش حرف زد
بارش خمپاره و توپ و تفنگ
بچه ی ده ساله و میدان جنگ
گفته بود از آنکه تنها مانده بود
همرهان رفتند و او جا مانده بود
مزربان جاده‌های شهر بود
مردی از آیین خرمشهر بود

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

مرد ما مرگ برادر دیده بود
بارها اجساد بی سر دیده بود
ما نفهمیدیم عمق درد را
بغض تلخ و گریه ی یک مرد را
ما ندیدیم التهاب آب را
انفجار و وحشت مرداب را...
ما خدا را سال‌ها گم کرده ایم
بارها در خود تلاطم کرده ایم
گرچه ماندیم و تنفس می‌کنیم
گاهی احساس تشخّص می‌کنیم
سرفه‌های خسته و خون گلو
پیکری افتاده بود آن رو به رو
چشم‌های خیس بابا خواب رفت
تا حریم لحظه‌های ناب رفت
در نگاه آخرش اعجاز کرد
بغض چندین ساله‌مان را باز کرد
روزهای رفته‌مان تکرار شد
قاب عکسی حرمت دیوار شد
(شجاع‌زاده، عطر نام و در دهان باد: ۷۰ـ۷۱)

یا در وزن‌های غزلی و با رویکرد نوتر و امروزی تر:

بچرخ باد صبا عطری از شلمچه بیار
که شد دوباره دل از بوی عافیت بیزار
گره بزن دلِ من را به بالهای جنون
که پر زنم به هوای جزیرهء مجنون

در آن فضا که نفس‌های عشق غوطه ور است
تمام وسوسه‌های _ رجیم _ بی اثر است
هنوز هر وجبش بوسه گاه خون خداست
هنوز ساحت آن خاک خسته، قبلهء ماست

اگر صدای خدا در پَر کبوترهاست
به لطف غیرت و جانبازی صنوبرهاست
(سپهری، از حنجره‌ی کارون: ۸۰)

۳ـ۷ـ۶ـ چارپاره

چارپاره همان دوبیتی است با اختلاف ساختاری کوچکی. یعنی مصراع نخست بیت نخست در محل قافیه دچار پارگی ساختاری شده و در چند بند با یکپارچگی مفهومی ارائه گردید. یعنی چند چارپاره به شکل چارپاره‌ی پیوسته در یک مضمون یکسان سروده می‌شد.

ن قالب در شعر کلاسیک فارسی تازه است و پس از مشروطیت در ایران رواج یافته‌است. چهارپاره از دوبیتی‌هایی با معنای منسجم تشکیل شده‌است، با این تفاوت که برخلاف دوبیتی، معمولاً مصرع‌های اول با مصرع‌های دوم و چهارم هم‌قافیه نیست و از لحاظ وزن نیز کافی است که مصرع‌ها هم‌وزن باشند.

از معروف‌ترین شعرایی که در این قالب طبع‌آزمایی کرده‌اند می‌توان از فریدون توللی، فریدون مشیری، مهدی سهیلی و پرویز خانلری یاد کرد

پس از آن در دوره‌ی دفاع مقدس نیز شاعران بسیاری از این قالب در این راستا بهره بردند. اما متأسفانه شاهد آثار درخشان و ماندگاری نیستیم.

نمونه‌هایی از این قالب در عرص ۀ دفاع مقدس:

امشب صدای همهمه می آید
در گوش کوچه زنگ زمین جاری ست
در قلبها شکوه تپش پیداست

شاید صدای نغمه ی بیداری ست

آیا کسی به نام شقایق هست
تا سر به راه دوست بیندازد
آیا کسی به نام پرستو هست
تا هجرتی دوباره بیاغازد

گل با گلوله روی زمین افتاد
فصلِ وجین خونی صحرا بود
بر جامه های ظلم و ستم آنک
خون گلوی زخمی فردا بود

با کوله بار خاطره‌ها گاهی
پروانه زین دیار سفر می کرد
تا فصل سبز عشق ز راه آید
صدلاله زین گذار گذر می کرد

در دست کودکان نجیب شهر
بس غنچه های تازه ونشکفته
آذین کوچه‌ها شده ایّامی ست
تصویر لاله های به خون خفته

از خانه مان پرنده ی سرخی رفت
تا در کویر عشق شود جاری
تا با رحیل عشق بپیوندد

گروه زبان و ادبیات فارسی دانشگاه پیام نور

خونش شود حماسه ی بیداری

امشب صدای همهمه می آید
در گوش کوچه زنگ زمین جاری ست
در قلبها شکوه تپش پیداست
شاید صدای نغمه ی بیداری ست

عطری ست مثل عشق خدا، شاید
بوی شکوفه های ظفر باشد
در گوش شب صدای کسی پیچید
شاید صدای پای سحر باشد
(زورقی، از حنجره ی کارون: ۷۳ـ۷۵)

یا:

با همه ارتعاش صدایش
روح آرام وآزرده‌ای درشت
راوی شهر در کوله بارش
خاطرات ترک خورده‌ای داشت

لحظه‌لحظه شمرده شمرده
جنگ را با فراز و فرودش
گریه می‌کرد و می‌شد روایت
شهر را با تمام وجودش

با گلویی که از بغض پربود
گاه برگوشه‌ای خیره می‌شد

گویی از دیدن شهر خونین
روز درچشم او تیره می‌شد

ظرف یک ماه با چشم خود دید
غافل از مدّ غم ضجّه‌هایش
چیزی از شهر باقی نمانده
جز همان مسجد و بچه‌هایش

مسجدی بود و یک نصف گنبد
بچه‌هایی که دلداده بودند
پای گلدسته‌هایش به سجده
نخل‌ها بی که افتاده بوده

خانه‌هایی در آغوش کوچه
کوچه‌هایی که دیگر نبودند
نخل‌های کنار خیابان
کاش این‌گونه □ بی‌سر نبودند

عطر جان‌بخش خون«قنوتی»
در نماز شهادت روان بود
غنچه‌ها نیز«فهمیده» بودند
فصل گل کردن نوجوان بود.
(زاهدی، عطر نام تو در دهان باد: ۷۶ـ۷۷)

۳ـ۷ـ۷ـ ترانه و انواع آن

ترانه قالبی است نو و مربوط به دوره ی معاصر. زبان ترانه، زبان گفتاری(محاوره) مردم است. یعنی همان زبان رسمی کشور به صورت شکسته. این زبان معمولاً زبان مردم پایتخت است.

اگرچه اشعاری وجود دارد که به آن‌ها ترانه و ترانه های ایران می گویند اما این اشعار مربوط به مردم کوچه و بازار و به گویش های محلی مردم مناطق است. مانند گویش خراسان، گویش دشتستان، گویش های لری و... .

ترانه‌ها و لالایی های پیش (و پس) از اسلام نیز ممکن است در حوزه ی ترانه از آن‌ها سخن گفته شود. اما چیزی که به طور رسمی در حال حاضر به نام ترانه شناخته شده است، اشعاری است در قالب چهارپاره ی پیوسته و یا غزل و مثنوی و گاه قالب‌ها و ساخت های دیگر (مثلاً تصنیف‌ها و ساخت های تصنیف گونه) که به زبان گفتاری و فارسی شکسته سروده می شود.

محتوای ترانه‌ها بیشتر عاشقانه و انتقادی(سیاسی) است. اما محتواهای دیگری نیز مانند ادبیات کودک و مضامین آموزشی با استفاده از ترانه‌ها ارائه می گردد.

از مضامین و محتواهای دیگری که در ترانه به کار گرفته و می شود، مضامین حماسی و پایداری است. اینگونه محتواها از کمی پیش از دوره ی مشروطیت در ایران رسمیت یافت و شاعران در دوره ی مشروطه به طور گسترده از آن بهره بردند.

پس از آن با وقوع انقلاب و تظاهرات و برنامه‌های انقلابی در سال ۱۳۵۶ به بعد با زمینه های پیش از آن، ترانه باز به شدت در کار شاعران قرار گرفت. ترانه های زیادی در بحبوحه ی انقلاب ۱۳۵۷ در حمایت از انقلابیون سروده شد.

این روند سپس به شکل نامنظمی ادامه یافت تا چندسال پس از وقوع جنگ تحمیلی عراق علیه ایران. اما به نوعی شکل ترانه از حالت های تصنیف‌وار به شکل چهارپاره ی پیوسته درآمد.

پس از چندی شاهد ترانه هایی در قالب غزل، مثنوی و دیگرقالب‌ها با محتوای آزاد بودیم و کم کم پای اینگونه قالب‌ها به ترانه ی دفاع مقدس نیز باز شد و آثار زیبایی آفریده شد.

تو از مجنون که نه! اصل جنونی
سفیر وعده‌های آسمونی
سراپا گوشم و تو با سکوتت
تموم روضه رو واسم می‌خونی

تو وایسادی سر حرفت که حالا
هنوزم حرفی از آدم بمونه
هنوزم با همه نامردمی‌ها
کسی باشه که از مردی بخونه

ببین کم کم یه حس ناامید و
به آهنگ غزل‌هامون سپردن
من و از من بگیر و عاشقم کن
بجنب تا آرزوهامون نمردن

بلند شو مرد، بیدارم کن از خواب
نگا کن راه خوبت ناتمومه
ببین دارن به حرفامون می‌خندن
بگو عاشق کیه، حق با کدومه؟

تو برگشتی اگر چه جسم پاکت
توی یک کیس ۀ کوچیک جا شد
تموم کوچه بوی عطر می‌داد
جلو پای تو وقتی شهر پا شد □ □ □

(آراسته‌نیا، عطر نام تو در دهان باد: ۹۲ـ۹۳)

یا:

سکوت □ بی‌دلیل شهرو بشکن
به فریاد تو محتاجیم ای مرد
پر از گرمای غیرت کن دلا رو
توی این فصل □ بی‌احساس خونسرد

به قاب عکس تو هی خیره میشیم
چه لبخند قشنگی رو لبت هست
به ما میگی که بال و پر درآریم
نمیشه قفل این زندونو نشکست

تو رفتی اما روی دوش ابرا
برامون جا گذاشتی ردپاتو
تو این آشفته بازار غریبی
هنوزم میشنویم سوز صداتو

با اشکات، با قنوت نیمه شبهات
شکستی مرزای جغرافیا رو
به ماها خون گرمت روی این خاک
نشون میده مسیر کربلا رو
(شفیعی، همان: ۹۲ـ۹۳)

هم اکنون ترانه ی دفاع مقدس به عنوان یک قالب مستقل و رسمی در کار شاعران حرفه ای و غیر حرفه ای و اهالی موسیقی دفاع مقدس در حال انجم و پیگیری است و در کتاب های فراوانی این ساختار را می بینیم.

۳ـ۷ـ۸ـ ساختارهای دیگر

اشعاری هستند که از ترکیب چندساختار مستقل برساخته شده اند. ساخت‌هایی مانند مثنوی‌غزل، غزل‌رباعی، چهارپاره‌غزل و... از این‌گونه ساختارهاست.

در ادامه، نمونه‌هایی از این ساختارها را در کنگره‌های تحت بررسی به همراه توضیحاتی کوتاه تقدذیم می‌کنم:

۳ـ۷ـ۸ـ۱ـ مثنوی‌غزل

در این شکل، شاعر پس از سرودنِ مثنوی به سرودن غزل می‌پردازد. شاعر گاه مثنوی خود را در حد یکی دو بیت و گاه به صورت بلند ادامه می‌دهد. مثنوی غزل، شکل مقابل غزل مثنوی است و از محبوبیت بالایی میان شاعران برخوردار است:

هوای دهکده این روزها غم انگیز است
بهار آمده اما هنوز پاییز است□
کویر همنفس آسمان نخواهد شد
دلی که پیر تو گردد جوان نخواهد شد
دلی که پل زده با درد اتفاق ات را
دلی که دائم از این جاده‌ها سراغ ات را□□□
□
چقدر از شب تلخم لالا لالایی ریخت
چقدر بر سرت آوار شیمیایی ریخت
چقدر دست تو را... پاا به پاا...زمین خوردی
چقدر در دل دشمن به پست مین خوردی
چه گریه‌ها که در آغوش من بهانه گرفت
چه تیرها که گلوی تو را نشانه گرفت
هنوز بر لبت (آن مرد زیر باران...) بود
هنوز خاطره هایت پر از دبستان بود
که چشم‌های تو مثل دوتا پرنده شدند
دوتا پرنده که یک عمر در تو پنهان بود
سفر به شانه ات انداخت کوله بارش را
سفر که شرحی از این قص ۀ پریشان بود
چقدر از تو گذشتن برای من سخت است
چقدر از «تو» گذشتن برایت آسان بود□

□

جواب نامه ام آمد اگرچه دیر آمد

به جای زنگِ در، آن شب صدای تیر آمد

صدای زنگ، که بین (سجود) من می‌خورد

صدای تیر که بر تار و پود من می‌خورد

دوید کودکی ات بیقرار در چشمم

شکست عکس تو با یک انار در چشمم

شکست و خون انارت به چادرم پاشید

دل تو آب شد و بر تصورم پاشید

(سلام) دادم و پیشانی ام به خاک افتاد

همین که پا شدم از گردنم پلاک افتاد

همین که پا شدم و... جانماز باقی بود

حیاط خانه پر از ارتش عراقی بود

دویدم و دلم انگار پشت سر جا ماند

دلم که پشت سر از ترس یک خبر جا ماند

خبر دوید و دلم را گرفت و چنگ انداخت

خبر به شان ۀ من تا ابد تفنگ انداخت

خبر مرا وسط چارچوب گم می‌کرد

خبر که خون جگر وارد سِرُم می‌کرد

خبر رسید و به دنیا اسیر برگشتم

جوانی از کف من رفت و پیر برگشتم

حیاط از تو به یکباره دور شد با من

حیاط روز و شبش سوت و کور شد با من

حیاط با کمی از کودکی ت راضی شد

دوید با تو و مشغول سنگ بازی شد

دوید و سنگ خیالت به گیجگاهم خورد

و چشم شهر به پیراهن سیاهم خورد
کنار چفیه و ساک ات نشست و جار کشید
غمی که دور دلم سیم خاردار کشید
غمی که در سرش آژیرهای قرمز داشت
غمی که بر سر من بی امان هوار کشید
غمی که دور من از این جهان توو در توو
فقط به وسعت سجاده ام حصار کشید
کسی که طرح جهان را کشید، بعد از تو
تمام سهم مرا (خانه تا مزار) کشید
مپرس مادر پیرت چگونه تاب آورد
چه‌ها مپرس که از دست روزگار کشید
کنار عکس تو با زندگی کنار آمد
کنار عکس تو از زندگی کنار کشید□□□
(شعبانی، عطر نام تو در دهان باد: ۵۵)

نمونهٔ مقابل این ساختار، ساختِ **غزل‌مثنوی** است. در این شکل شعری، شاعر، نخست غزلی می‌سراید و در ادامه، یک مثنوی در همان وزن می‌آورد با یک مفهوم در تمام شکلِ شعری.

غزل‌مثنوی اگرچه سابقه‌اش به دهۀ هفتاد می‌رسد اما از آغاز دههٔ هشتاد و از حوزهٔ غزلِ مدرنِ آزاد بود که این شکل شعری گسترش گرفت و با ظهور رسمی جریان غزل پست‌مدرن (۱۳۸۲) این شکل به همراه دیگر شکل‌های برساخته و بعضاً آشفته و پریشان رواج یافت:

بر روی آب و آه و عطش می‌نگارمت
تا در میان باغ تغزل بکارمت
می‌خواهم آسمان‌تر از این واژه‌های سرخ
بر شانه‌های آبی دریا ببارمت
آن‌قدر عاشقی که سبک بال می‌روی

مهلت بده که در غزل خود ببارمت!
پروازکردی و دلت از واژه‌ها برید
از کوچه‌باغ‌های زمین بی‌هوا برید
از خط عشق ردشدی و مرزها شکست
دیوار صوتی دل تو بی‌صدا شکست
از پشت سنگرت تب و آتش زبانه زد
موی تو را اصابت یک تیر شانه زد.
(افسانه نوری، هم سرو، هم صنوبر: ۲۲۶)

۳ـ۷ـ۸ـ۲ـ چارپاره‌غزل

شاعر در این ساختار، از شکل چهارپارهٔ پیوسته و شکل غزل بهره برده و آن دو را با هم به کار می‌گیرد. یعنی شعر همزمان هم دارای ویژگی‌های چهارپاره و هم دارای ویژگی‌های قالب غزل است.

این ساختار بسیار کمیاب است
رویِ تاریخِ شهر من، تا ریخت
آسمان، موجِ اتفاقاتش
گاه باران به مزرعه بارید
گاهی از غیب می‌رسید آتش
ما پر از اتفاقِ خوب و بد
ما پر از قصرهای ویرانیم
زیرِ بارانِ آب یا آتش
تا ابد، مثلِ مرد می‌مانیم
رودِمان را اگر چه دزدیدند
دل به خورشید می‌دهم مِن بعد
راد، بشکوه، ایستا، نستوه
دستِ رد می‌زنم به غم مِن بعد
انقلاب است و شهر بنزین را

می‌کند با فتیله در بطری
جنگ می‌آید و همین کوچه
می خورد بمب! بمبِ نُه متری
بمبِ بعدی دوازده متر است
کوچه اما، نهایتا شش متر
دختری پشت میزِ خیاطی
پارچه، نخ، جنازه، خون، کِش، متر
ما پر از اتفاقِ خوب و بد
پر زِ تقویم‌های خاکستر
پدر از جبهه بر نمی‌گردد
خب، طبیعی ست بشکند مادر

***

تن به این رودخانه باید زد، باید آبی شوم که سلولم
بشکند، بغضِ انجمادش را، در قبالت هنوز مسئولم
من برایت هنوز می‌جنگم، من برایت هنوز می‌میرم
من که کاری نکرده ام جانم، من نباشم. تو باش، دزفولم
شهرِ رزهای سرخ؛ روی قبر، پایداری، دفاع، موشک، صبر
فکر کن ما شعار می‌دادیم. فکر کن من به " هیچ " مشغولم
«وَند، اما به پا کَنِشتُم جنگ، نَمگُرختُم الف اگر دسفیل
دونَه آیا جنابِ تِهرونی، معنیِ: "دا"، "گُلُم"، "وِری رولَم"؟»
در قبالت هنوز مسئولم
من نباشم. تو باش دزفولم
فکر کن؛ من به "هیچ" مشغولم
دا"، "وِری دا"، "گُلُم"، "وِری رولَم □
ما درختیم، باد می‌داند

ایستادیم، تا وطن باشد
ایستادیم و نیز می‌مانیم
مَرد باید که با وطن باشد □

۳ـ۷ـ۸ـ۳ـ غزل‌رباعی

رباعی، خود، قالبی است که بخش فراوانی از گسترش و موفقیت امروزی خود را از عرصهٔ ادبیات دفاع مقدّس به دست آورده است. برخی از شاعران، ابتدا از حوزهٔ غزلِ آزادِ پس از دههٔ هفتاد، به سرودن غزل‌هایی در وزن رباعی پرداختند. پرداختی که در تمام موردهای دیده شده ـ حتی آن‌جا که شاعر تازه‌کار می‌نموده است ـ کاری موفق و دلنشین آفریده است. بیش‌ترین کارهای اینگونه را در حوزهٔ غزل آزاد دیده‌ام و پس از آن در حوزهٔ غزل دفاع مقدّس. شکلی که پیوندی زیبا میان غزل و رباعی است؛ دو قالب قدرتمند شعر امروز که هر دو از شعرِ سپید پیش پاافتاده‌اند.

در این شکل، شاعر از طرح سنتی غزل خارج نمی‌شود و در همان ریخت کلاسیک، غزل را در وزنِ رباعی می‌سراید.

در شعر دفاع مقدس نمونه‌های فروانی از اینگونه ساخت وجود دارد به یک نمونه از این ساختار اکتفا می‌کنیم:

شب بود و سکوت و سنگر و دیگر هیچ
او بود، شهاب پرپر و دیگر هیچ
در بارش خون، عبور از جادهٔ عشق
این بود تمام باور و دیگر هیچ
در بهت کویر، تشنگی یارش بود
دریای دعای مادر و دیگر هیچ
بی تاب‌تر از همیشه قلبش پر بود
از شوق زلال کوثر و دیگر هیچ

در دشت پر از ستاره تنها و غریب
او بود و شهید بی سر و دیگر هیچ
(عراقی، مهاجران فلق: ۷۴)

۴-۲.تحلیل پیوندهای موسیقی و مضمون در شعر جنگ

مقدمه

از آنجا که یکی از راه‌های اثرگذاری بر نفوس، موسیقی شعر است، موسیقی شعر باید با موضوع و مضمون آن رابطه متناسب و معقول داشته باشد: به عبارت دیگر شاعر باید هماهنگی میان این عنصر شعری را با موسیقی آن رعایت کند تا تاثیر القا و دل‌انگیزی شعر دوچندان گردد. پس اگر در شعری غمگین آهنگ شاد و یا در اوج شادی، آهنگی محزون به کار رود، از تاثیر و نتیجه القای آن مطلب بر مخاطب کاسته می‌شود.

با شروع جنگ موضوعات و مضامین جدیدی در عرصه شعر و شاعری وارد شد و شاعران جنگ برای القا و بیان مفاهیم مورد نظر خود از انواع موسیقی شعر (بیرونی، کناری و میانی) بهره جستند. بی‌شک سهم شاعران جنگ در استفاده مناسب از موسیقی شعر برای بیان موضوعات و مضامین، چشم‌گیر و غیرقابل انکار است و تناسب موسیقی با محتوای شعر سبب ماندگاری تاثیر آن بر مخاطب شده است.

جوش و خروش حاصل از اوزان مطنطن، واژگان باصلابت و الفاظ استوار در رجزها، فخرها و اعتراض گونه‌های شعر جنگ، تاثیر شگرفی بر مخاطب گذاشته و اوزان آرام موسیقی کناری مناسب و واژگان نرم و لطیف، غم و اندوه را بر چهره شعر جنگ و مخاطب آن نشانده است که اکنون به بررسی جنبه‌های سه‌گانه موسیقی شعر جنگ می‌پردازیم.

پیوند موسیقی شعر با موضوعات و مضامین شعر جنگ

رابطه موضوع و مضمون با موسیقی در شعر مساله‌ای است که از دیرباز اهمیت فراوان داشته است. شاعران سلف از جمله منوچهری، ناصرخسرو، خاقانی، مولوی، سعدی و حافظ همواره این رابطه را حفظ کرده و با استفاده ماهرانه از موسیقی شعر در القای هر چه بیشتر مضمون خود کوشیدند.

هماهنگی میان انواع موسیقی با موضوع و مضمون در شعر جنگ نیز دیده می‌شود و شاعران جنگ از موسیقی به عنوان وسیله و ابزاری برای بیان مقصود خود استفاده کرده‌اند. این شاعران به وسیله انتخاب وزن و استفاده ماهرانه و تنوع در چارچوب وزن، اصوات موجود در شعر خویش را با محتوای آن تطبیق می‌دهند و از این رهگذر موسیقی بیرونی را وسیله‌ای برای انتقال مفاهیم مورد نظر خویش می‌سازند.

شاعر در انتخاب موسیقی کناری (قافیه و ردیف) و تناسب آن با موضوع و درونمایه باید دقت کند. این هماهنگی در کنار تنوع گونه‌ها و ساختار موسیقی کناری در شعر جنگ همچون اشعار گذشتگان (فردوسی از شاعرانی است که با استفاده از موسیقی کناری، مفهوم شعر را برای خواننده مسجم می‌کند و یا خاقانی در قصیده‌ای که در رثای فرزندش سروده با تکرار ردیف "بگشاید" عقده بسته گلوی شاعر را نشان می‌دهد و از خواننده طلب گشایش این عقده را می‌کند) رعایت شده است.

تنوع قافیه در شعر (کلاسیک و نو) جنگ مشتمل بر قافیه‌های بدیعی (متجانس، اعنات، متضاد، ردالقافیه، معموله و قافیه‌های میانی) و انواع ردیف در اشعار کلاسیک به صورت ردیف‌های کناری، حاجب، آغازین و میانی است و به طور کلی ردیف در شعر نو جنگ به دو صورت ردیف کناری (بدون قافیه و قافیه‌دار) و ردیف آغازین است و گاه در این اشعار، حاجب نیز دیده می‌شود. هماهنگی‌های آوایی (تکرار صامت‌ها و مصوت‌ها) میان قافیه و ردیف به موسیقی کناری شعر جنگ غنای خاصی بخشیده است.

نقش عمده موسیقی و تناسب آن با موضوع و مضمون شعر را موسیقی میانی (موسیقی حاصل از ارتباطات لفظی و تناسبات معنایی واژگان) برعهده دارد؛ زیرا در قالب‌های سنتی نمی‌توان همواره بنا به مضمون، وزن را تغییر داد. (وزن شاهنامه در تمام اثر یکسان است؛ بنابراین حکیم توس از تناسب‌های گوناگونی که میان واژگان وجود دارد برای بیان مضمون خود کمک می‌گیرد. او در حالی که دشمن را با زشت‌ترین واژه‌ها تحقیر می‌کند با تتابع اضافات از دوست تجلیل می‌کند ولی می‌توان با به کارگیری ترکیبات نرم و خشن، گونه مختلف صامت‌ها و مصوت‌ها و همچنین صنایع لفظی و معنوی، ارتباط میان مضمون و واژگان شعری را حفظ کرد).

صورت‌های مختلف موسیقی میانی در شعر جنگ مشتمل بر:

۱- توازن آوایی: تکرار منظم و هماهنگ صامت‌ها و مصوت‌ها میان دو واژه متوالی و گاه

میان تمامی واژگان در سطح مصراع یا بیت.

۲- توازن واژگانی: به طور کلی توازن واژگان در دو سطح تکرار آوایی کامل (تکرار آغازین، تکرار واژگان در میان مصرع‌ها یا ابیات، صنایع ردالصدر الی العجز و رد العجز الی الصدر، جناس تام و مرکب) و تکرار آوایی ناقص (آرایه‌های سجع و جناس).

۳- توازن نحوی: که شامل صنایع لف و نشر، اعداد و تنسیق الصفات است هر یک از این صنایع خود در حقیقت گونه‌ای از تکرار مصوت کوتاه به حساب می‌آید.

۴- توازن معنایی: که صنایعی چون: مراعات نظیر، تضاد، متناقض نمایی، استخدام، ایهام، تلمیح و تشبیه بدیعی را در بر می‌گیرد.

۱- پیوند موسیقی شعر با رجزهای حماسی

۱-۱- موسیقی بیرونی رجزهای حماسی

رجزهای حماسی شعر جنگ مشتمل بر دو مضمون کلی است: یکی بیان دلاوری‌های رزمندگان، شهیدان و افتخارات کشور و دیگر دعوت به مبارزه و جهاد، تشویق و تقویت روحیه رزمندگان برای نبرد. موسیقی بیرونی این رجزها را اوزان آرام و هیجانی، کوتاه و شاد و دوری تشکیل می‌دهد. بحوری که برای این مضامین به کار رفته به ترتیب اهمیت عبارتند از: رمل، رجز، متقارب، هزج، مجتث، خفیف، مشاکل و مضارع.

به عنوان نمونه وزن شعر زیر (فعولن فعولن فعولن فعول) و متناسب با رجزهای حماسی است:

بزن طبل خون در پگاه ظفر که آمد به میدان پگاه ظفر

گذشتند از خان تاریخ تلخ دلیران آورد گاه ظفر

۱-۲- موسیقی کناری رجزهای حماسی

در این اشعار بیشتر از کلماتی چون: بشتاب، برخیزید، کن و بزنید، که مناسب با جهاد است، در ردیف و قافیه‌های آنها استفاده می‌شود؛

چنانکه در شعر :

برخیز و درفش فتح پرباره اختر زن

و زباره بر آ چون مهر بر تارک خاور زن

اسفند صفت روزی از بستر شب‌سوزی
تا شعله برافرزوی بر سینه مجمرزن

قرار گرفتن فعل امر «زدن» در ردیف و استفاده از قافیه‌های میانی (روزی، سوزی و افروزی) موسیقی کناری شعر را مضاعف کرده است.

۳-۱- موسیقی میانی رجزهای حماسی

توازن‌های گوناگون در این اشعار متناسب با موضوع است. به طوری که بسامد صامت‌های منقطع انفجاری بیش از صامت‌های سایشی است. مصوت‌های بم(،او) نیز نقشی خاص در القای مضمون دارند. واژگان و ترکیب‌ها همسو با موضوع است که تعدادی از آنها عبارت است از: لشگر آهن، سلاح سرخ، رزمگاه ایثار و آوای دلیران. تکرار جمله، تکرار واژه بدون فاصله و با فاصله، قطع‌های به جا در ادبیات و استفاده از صنایع گوناگون، دعوت به مبارزه و دلاوری‌های رزمندگان را به ذهن متبادر می‌سازد.

در شعر ذیل بسامد صامت‌های (گ، د، چ، ب، ت) که از صامت‌های منقطع طنین‌دار هستند بیش از دیگر صامت‌هاست. تکرار جمله «گاه سفر آمد برادر» به عنوان ردیف آغازین در ابتدای جمله متناسب با موضوع است.

گاه سفر آمد برادر گام بردار
چشم از هوس از خورد و از آرام بردار
گاه سفر آمد برادر ره دراز است
پروا مکن بشتاب همت چاره‌ساز است

و یا استفاده مناسب حسن حسینی از جناس مرکب (نهر روان و نهروان) و جناس مضارع (عزم و جزم) و تکرار واژه «کفر» بدون فاصله و همراهی آن با فعل «بتازید» در بندهای ذیل به غنای موسیقی میانی و القای مضمون افزوده است.

یاران شب زنده‌دار
- نهر روان عاشق و وفادار-
روانه می گردند
با عزم جزم مقاتله با قوم نهروان
بر کفر، کفر هزار چهره بتازید
که اینک زمان

زمانه عشق است

۲- پیوند موسیقی شعر با فخر

۲-۱- موسیقی بیرونی فخر

ستایش دلاوری‌ها و حماسه باشکوه رزمندگان مفاخره به مقام امام(ره)، شهیدان و جانبازان، ستایش عظمت پدران و مادران شهدا و همه مردم ایران از مهم‌ترین مضامین موضوع فخر در شعر جنگ است. موسیقی بیرونی این موضوع را علاوه بر اوزان شاد، آرام، هیجانی و دوری، اوزان موقری چون مفاعلن، فعلاتن، مفاعلن، فعلان» تشکیل می‌دهد. بحوری که کاربرد بیشتری در این موضوع دارد به ترتیب عبارتند از: رمل، هزج، مجتث، مضارع، متقارب، خفیف، سریع، مقتضب.

فاطمه راکعی در ستایش عظمت و استقامت پدران شهید از وزن موقر «مفاعلن فعلاتن مفاعلن فع لان (فع لن)» استفاده می‌کند و می‌گوید:

بلندقامت صبر ای شکوه بی‌مانند
به دست‌بوسی تو اهل عشق می‌آیند
به بی‌کرانگی‌ات رشک می‌برد هامون
به استقامت تو غبطه می‌خورد الوند

۲-۲- موسیقی کناری فخر

در این موضوع، واژگانی که در قافیه و ردیف قرار می‌گیرد، ستایش‌وار، مفاخره‌آمیز است. ضمایر جمع کاربرد فراوانی در این اشعار دارد و ترکیباتی که در پایان مصاریع و ابیات به کار رفته با محتوا هماهنگ است.

در ابیات ذیل به ترتیب محمود شاهرخی با استفاده از قافیه «آفرین» و پرویز بیگی حبیب‌آبادی با انتخاب قافیه‌های متجانس (دود و درود) این موضوع را برجسته می‌کنند:

مرحبا ای ارتش ایران زمین
بر شما شورآفرینان آفرین

و یا:

هر سوی خاک زخمه آتش سرود دود
رزم‌آوران به رزم غریبانه‌تان درود

۲-۳- موسیقی میانی فخر

شاعران جنگ از گونه‌های مختلف موسیقی میانی (توازن‌آوایی، واژگانی، نحوی و معنایی) برای بیان مضامین فخر استفاده کرده‌اند. در این اشعار صامت‌های خشنی چون: «گ، ژ، پ و د» در کنار صامت‌های ملایم و نرمی چون: «ر، ل، و ن» قرار می‌گیرد و مصوت بم «ُ» نمود خاصی دارد. واژگان و ترکیب‌های هوشمند و باعظمتی از قبیل شورآفرینان، آسمان مردان خاکی‌پوش، بی‌مرگ‌سواران و می‌فروش عشق در اشعار مفاخره‌ای شعر جنگ نیز مشاهده می‌شود.

تکرار جمله در ابتدای بندها، تکرار واژگان و در توازن نحوی و معنایی استفاده مناسب از صنایعی چون: تنسیق الصفات، گونه‌های مختلف سجع و جناس، تضاد و ایهام شعرهای این موضوع را آهنگین ساخته است.

نستوه، نستوه، مردا! این شیر دل، تکاور
بشکوه، بشکوه، مرگا! این از وطن پاسداری
بنویس از آنان که گفتند: یا مرگ یا سرافرازی
مردانه تا مرگ رفتند، بنویس! بنویس! آری

موسیقی حاصل از صامت‌های سایشی «س، ش، ن و ر» و صامت‌های مقطع «گ، ک، ت و د» و تکرار واژگان «نستوه و بشکوه» در ابتدای مصاریع و استفاده از واژگانی چون «شیردل، سرفراز، مردانه و تکاور» و قافیه‌هایی که به «آری» تاییدکننده و تصدیق‌کننده است، ختم می‌شود، عظمت حافظان وطن را برجسته کرده است.

قیصر امین‌پور در شعر ذیل رویش شهیدان را در ل کویر خکشیده و تقدیده معجزه می‌داند. وی با استفاده از موسیقی حاصل از توازن آوایی □□□ (آب تازه) و تتابع اضافات (دل داغ کویر) این موضوع را بیان می:ند.

باز کن چشم و ببین
آیت تازه‌ترین معجزه را
در دل داغ کویر
چه گلی کاشته‌اند!

۳- پیوند موسیقی شعر با دلتنگی برای وطن، شهیدان و شهادت

این موضوع بخش وسیعی از سروده‌های جنگ را در بر می‌گیرد که گاه با تنهایی، تحسر، فخر، اعتراض و آرمان همراه شده است.

۳-۱- موسیقی بیرونی دلتنگی برای وطن، شهیدان و شهادت

موسیقی بیرونی این مضمون را اوزان آرام و غمگین، آرام و هیجانی و دوری تشکیل می‌دهند و بحور آن به ترتیب عبارتند از: رمل، محنث، مضارع، خفیف، رجز، مفتضب و متقارب.

گویی شفق به سوگ عزیزان نشسته است سیلاب اشک راه به هر خنده بسته است

حزن غریب و رنگ غریبانه غروب گویی نشسته است به پیشانی جنوب

در ابیات فوق از وزن «مفعول فاعلات مفاعیل فاعلن» استفاده شده که با مضمون هماهنگ است.

۳-۲- موسیقی کناری دلتنگی برای وطن، شهیدان و شهادت

موسیقی کناری این مضمون را واژگانی تشکیل می‌دهند که غم‌انگیز و همراه با ناله و حنین است. افعال منفی در این مضمون نمود خاصی دارد.

در ابیات ذیل آهنگ ردیف‌های «گریه کردیم تو را» و «نگریم» و قوافی که به صامت «ز» و مصوت پایدار «آ» که هر دو متناسب اندوه هستند، ختم شد چهره شعر و مخاطب آن را محزون کرده است:

شب‌های دراز گریه کردیم تو را صد قبله نماز گریه کردیم تو را

و یا:

زمین در خواب دید یک آسمان گل چگونه بر این خواب زیبا نگریم

۳-۳- موسیقی میانی دلتنگی برای وطن، شهیدان و شهادت

همسویی توزان‌های حاصل از موسیقی میانی در این مضمون، غم و اندوه، ناله و اشک را منعکس کرده است. در این اشعار تکرار مصوت بلند «آ» بیش از دیگر مصوت‌هاست. استفاده شاعران از واژه‌ها و ترکیب‌هایی چون: سیلاب اشک، نغمه محزون، الفبای ناله و تمنای گریه، تکرار واژگان متناسب با موضوع و به کارگیری صنایعی چون: تشابه الاطراف، تتابع الاضافات، گونه‌های مختلف سجع و جناس، تضاد و لف و نشر در القای مضمون موثر بوده است.

به عنوان مثال در بندی از شعر مجتبی تونه‌ای تقابل «اشک و لبخند» و تکرار واژه «غریب» در ذیل فعل «باریده است» به غنای موسیقی میانی و تداعی مضمون غم و غربت افزوده است.

حالی

مرثیه اشک می‌خوانم

وقتی
لبخند کودکانت
به غارت رفته
و بر سرت ویرانی باریده است
غریب
غریب
غریب

سهیل محمودی در ابیات ذیل از صنعت لف و نشر مرتب (توازن نحوی) برای ساختن و القای مضمون استفاده می‌کند.

چه محنت‌ها که در راهت کشیدیم
سلامت‌سوز غم‌هایی که دیدیم
غم هجر و ره درد و ملامت
کشیدیم و بریدیم و شنیدیم

۲- پیوند موسیقی شعر با دلتنگی توأم با فخر به وطن، شهیدان و شهادت و مردم ایران

۲-۱- موسیقی بیرونی دلتنگی توام با فخر

موسیقی بیرونی این مضمون را به دلیل همراه شدن دو مضمون غم و شادی، توازن آرام و غمگین، آرام و هیجانی، تند و شاد و دوری تشکیل می‌دهد. بحور این مضمون به ترتیب عبارتند از: رمل، هزج، مضارع، محنث، متقارب، رجز، سریع و خفیف.

احمد عزیزی از وزن سه رکنی و معتدل «فاعلاتن فاعلاتن فاعلن» برای بیان مضمون دلتنگی و مفاخره به وطن استفاده می‌کند:

سرزمین کربلا آهنگ من　　خاک عاشورایی گلرنگ من
جلگه رودابه خیز پر پلنگ　　مادر من شهربانوی قشنگ
مادر گرینده من در ارس　　مادر تنهایی من در طبس

۲-۴- موسیقی کناری دلتنگی توأم با فخر

آهنگ حاصل از واژگان غمگین و باشکوه، موسیقی کناری این مضمون را تشکیل می‌دهد. ردیف‌های به کار رفته بیشتر فعلی و ضمایر جمع هستند.

تو آن ستاره سرخی که خفته در خاک است

چراغ نام تو روشن به بام افلاک است
کشیدم نقش تو در قاب صبحدم خورشید
فلق ز داغ تو خونین دل و جکر چاک است

نصرالله مردانی با هم‌قافیه ساختن «افلاک و چاک» مفهوم شعر خود را بیان می‌کند.

۳-۴- موسیقی میانی دلتنگی توأم با فخر

در این مضمون، شاعر در کنار واژگان حزن‌انگیز از واژگان، مفاخره‌آمیز نیز استفاده می‌کند. توزیع صامت‌های سایشی و طنین‌دار و نرم و ملایم یکسان است. تکرار جمله، واژه و صنایع تتابع اضافات، تنسیق الصافت، تناقض، تضاد، ایهام و تلمیح متناسب با مضمون و درونمایه اشعار است.

در شعری از محمدحسین جعفریان می‌خوانیم:

خسته و غمگین و زهرآلود شاعری با یادتان هر شب
در سکوتم بغض ترکانده است ای بسیجی‌های کوچک سال

شاعر با آوردن صفات «خسته، غمگین و زهرآلوده و تکرار مصوت‌های «ُ- و ای» و صامت‌های «ت، غ، د، س، ش و ر» اندوه بزرگی را به مخاطب القا می‌کند.

۵- پیوند موسیقی شعر با دلتنگی و تحسر برای شهیدان و شهادت، جبهه و روزهای سرخ قهرمانان

۱-۵- موسیقی بیرونی دلتنگی و تحسر

موسیقی بیرونی این مضمون بیشتر اوزان آرام و غمگین، آرام و هیجانی و دوری و بحور متنوع آن به ترتیب کاربرد عبارتند از: رمل، هزج، مضارع، مقتضب، مجتث، رجز، متقارب، مجتث مقلوب، مشاکل، سریع و خفیف

دوست دارم سوگوار لاله‌ها باشم دو روزی
تا که زخمی آشنا را مبتلا باشم دو روزی
شور یادی آشنا دارد دل سحرت نصیبم
می‌توانم با خیالی خوش رها باشم دو روزی

وزن شعر، فاعلاتن فاعلاتن فاغعلاتن، و هماهنگ با مضمون است.

۲-۵- موسیقی کناری دلتنگی و تحسر

موسیقی کناری مضمون دلتنگی و تحسر را واژگانی حسرت‌گونه غمگین می‌سازند؛ همچنین قیود مقدار و افعال منفی در ردیف‌های این شعر بسیار است.

زهره نارنجی از فعل منفی «نداشت» در ردیف و قافیه‌های متجانس الگو گناه، که به «آه» ختم شده است برای القای محتوای شعر استفاده می‌کند:

گرچه محو بهار بودم لیک
باغ چشمم گل نگاه نداشت

داغدار دل شهید توأم
که به جز عاشقی گناه نداشت

۳-۵- موسیقی میانی دلتنگی و تحسر

همسویی موسیقی میانی با مفهوم دلتنگی و تحسر، تاثیر عمیقی بر مخاطب شعر جنگ گذاشته است. در این اشعار توالی مصوت‌های «آ و ای» صامت‌های سایشی و روان، واژگان تحسیرانگیزی چون: آه سحر، وادی حسرت و دل حسرت نصیب، تکرار جمله در آغاز بندها، تکرار واژه، سجع، جناس و تضاد آهنگ شعر را با محتوا هماهنگ کرده است.

یک شب از شدت اندوه خواهم مرد
ور دست دل مجروح خدا خواهم مرد

در .....ذیل از قیصر این پور موسیقی حاصل از تکرار صامت " ش، ....." و مصوت "آه" تکرار واژه بر ..... در ابتدای مصراع ها و تکرار آوایی ناقص جناس .....) میان دو واژه " کاش و شکح " متناسب دبا مضمون غاست:

رفتار کعبه های روان
و شانه های صبر تماشایی است
.....
بر شانه های اشک.....

۶- پیوند موسیقی شعر با دلتنگی، تحسر و اعتراض به زمانه و کمرنگ شدن ارزش‌ها

۱-۶- موسیقی بیرون دلتنگی، تحسر و اعتراض

اعتراض به کم‌رنگ شدن ارزش‌ها و طعنه به بی‌دردان جامعه در سروده‌های جنگ با دلتنگی و تحسر همراه است. موسیقی بیرونی این مضمون را وزن‌های آرام و غمگین، تند و کوتاه، خوش‌آهنگ و دوری تشکیل می‌دهد و محور آن عبارت است از: رمل، هزج، محنث، متقارب، مضارع، رجز، منسرح، خفیف و مشاکل.

در شعر ذیل مصطفی علیپور از وزن معتدل «فاعلاتن فعلاتن فعلاتن فع لن» برای بیان تحسر و اعتراض خود نسبت به فراموشی ارزش‌ها استفاده می‌کند.

دل به سر که سپاریم ازین زودی‌ها
رفته از خاطره‌ها نیز جوانمردی‌ها
هیچ‌کس هیچ‌کسی را نسروده است اینجا
می‌کند درد دل از این همه بی‌دردی‌ها

۲-۶- موسیقی کناری دلتنگی، تحسر و اعتراض

استفاده از واژگان تحسیرآمیز و اعتراض‌گونه در ردیف‌ها و قوامی این مضمون، همچنین به کاربردن ضمیر «ها» در پایان کلمات قافیه سبب تناسب میان موسیقی کناری با مضمون دلتنگی تحسر و اعتراض شده است؛ چنانکه قادر طهماسبی با قرار دادن جمله «چه باید کرد» در ردیف و قوافی که به

«ها» ختم شده، برگشت آ ن "آه" را به ذهن متبادر کرده و دلتنگی، تحسر و اعتراض خود را نسبت به اوضاع بیان می‌کند.

گر نماند به گوشه جگری
داغی از لاله‌ها چه باید کرد
راستی دوستان اگر روی
پنبه شد رشته‌ها چه باید کرد

۳-۶- موسیقی میانی دلتنگی، تحسر و اعتراض

همسویی و هماهنگی موسیقی میانی با مضمون تحسر و اعتراض در اشعار کلاسیک و نو جنگ که حاصل گونه‌های متقاوت توازن جمله: تکرار صامت‌های طنین‌دار و گاه آرام، تکرار مصوت‌های « ِ – و ای»، که با ناله و شکایت تناسب دارد، کاربرد واژگانی چون: خیل بی‌تبار، نگین خدعه، مردم نامردم و فراموشی لاله‌ها، تکرار جمله و واژه، تناسب، ایهام تناسب و تضاد است، مضمون شعر را برجسته کرده است.

تناسب میان بلوار کشاورز و کشاورزی، جناس مضارع بین دو واژه «کالا و بالا، و تضاد میان «بالا و پایین» در بندهای ذیل با دلتنگی، تحسر و اعتراض پیوند دارد.

من خبر موثق دارم
هنوز در بیمارستان‌های بلوار کشاورز
هیچ کشاورزی پذیرش نمی‌شود
گرانفروشان فربه و فربه‌تر می‌شوند
در ذهن‌شان مدام قیمت کالا
بالا می‌رفت و
و قیمت خون
می‌آمد پایین

۷- پیوند موسیقی شعر با دلتنگی، تحسر و آرمان (انتظار، شهادت، بازگشت روزهای جبهه و جنگ و آبادانی دوباره وطن)

۱-۷- موسیقی بیرونی دلتنگی و تحسر و آرمان

انتظار فرج مهدی موعود (عج)، آرزوی شهادت، حسرت روزهای جنگ و جبهه و آرزوی آبادی شهرهای ویران وطن از جمله آرمان‌های شاعران جنگ است. موسیقی بیرونی این اشعار را اوزان خوش‌آهنگ و شاد، آرام و هیجانی و موقر تشکیل می‌دهد و بحور آن به ترتیب اهمیت عبارت است از: رمل، رجز، متقارب، متدارک، خفیف، مجتث، مقتضب.

رضا اسماعیلی حسرت و آرزوی شهادت را در قالب مثنوی و با وزن سه رکنی و هماهنگ با درونمایه چنین می‌سراید:

کاشکی یک شب بهاری می‌شدیم
غرق آواز قناری می‌شدیم
ساکن هم در کوچه باغ سینه‌ها
داغ می‌چیدیم از آیینه‌ها

۲-۷- موسیقی کناری دلتنگی و تحسر و آرمان

تناسب موسیقی کناری در اشعاری که آرمان شاعران را با د لتنگی بیان می‌کند، بسیار است. قیود و حروف تمنی و افعال مستقبل نمود خاصی رد ردیف‌های این اشعار دارد.

همایون علیدوستی با قرار دادن جمله «هوس است» در ردیف و حیدر یغمایی با ردیف «می‌سازمت» به ترتیب خواهش و آرمان خود را بیان می‌کند.

مثل آینه بودنم هوس است
از هوس دل زدودنم هوس است

و یا:

عاقبت ای خاک جانبش وطن می‌سازمت
گر هزاران ره شوی ویرانه من می‌سازمت

۳-۷.موسیقی میانی دلتنگی و تحسر و آرمان

تناسب میان آهنگ حاصل از توازن‌های چهارگانه موسیقی میانی در اشعار جنگ، آرمان شاعران را منعکس می‌کند. کاربرد واژگانی چون: گل امید، انتظار، گل نرگس و نگاه منتظران و صنایعی چون تکرار، تتابع اضافات، سجع، جناس و تلمیح بیانگر معنی و محتوای شعرهای آرمانی جنگ است.

تکرار جمله «دوست داشتم شبی» و تکرار صامت‌های سایشی و روان «س، ش، ر» برجسته می‌کند:

دوست داشتم شبی در حضور روشن ستاره‌ها
ناپدید می‌شدم
دوست داشتم شبی شهید می‌شدم

۸- پیوند موسیقی شعر با حسرت توأم با فخر

۱-۸- موسیقی بیرونی حسرت توأم با فخر

حسرت شاعران جنگ گاه همراه فخر است؛ یعنی چون از شهیدان سخن می‌گویند به عظمت آنان می‌بالند و برای خود دریغ و افسوس می‌خورند. موسیقی بیرونی این موضوع را اوزان آرام، موقر و دوری تشکیل می‌دهد و بحور آن عبارت است از: مجتث، مضارع و رمل.

ای خوش آنان کاندرین نامهربان دنیای بد
عمر را در کار خوب مهربانی کرده‌اند
آن کسان کاندر جهان زین گونه نیکو زیستند
راست چونان چون شهیدان زندگانی کرده‌اند

وزن شعر «فاعلاتن فاعلاتن فاعلاتن فاعلن» و متناسب با موضوع است.

۲-۸- موسیقی کناری حسرت توأم با فخر

استفاده مناسب از موسیقی کناری، درونمایه اشعاررری را که در بر گیرنده حسرت و فخر هستند برجسته کرده است. قافیه‌های بدیع و ضمایر متصل جمع و افعال منفی در ردیف این اشعار به جا و خوب انتخاب شده است، چنان‌که تکرار کلمات هم‌قافیه‌ای که به «آری» ختم شده، در بند ذیل شعر را موزون و آهنگین ساخته است:

تو با آن زخم کاری
که در شقیقه داری
به «نه» گفتی «آری»
و ما به خواری
زمزمه کردیم «آری»

۳-۸- موسیقی میانی حسرت توأم با فخر

موسیقی میانی این موضوع را تکرار مصوت کوتاه، تکرار صامت‌های سایشی و کوبشی، تکرار جمله در آغاز بندها، تکرار واژگان، صنایع جناس، سجع، تناسب، تضاد و ایهام تشکیل می‌دهد. به عنوان مثال در بیت:

صخره‌های ساحل صبر و نجابت بوده‌اند
با هجوم موج غم‌ها سرگرانی کرده‌اند

تکرار صامت‌های «س و ص» که هم‌آوا و هم‌مخرج هستند صدای برخورد امواج به ساحل و سهمگینی و عظمت دلیرمردان را تداعی می‌کند و تکرار صامت « » حسرت ضمنی شاعر را در بیت بیان می‌کند.

۹- پیوند موسیقی شعر با جنگ، دفاع و باورهای مذهبی- عرفانی

۱-۹- موسیقی بیرونی جنگ، دفاع و باورهای مذهبی- عرفانی

یکی دیگر از موضوعات شعر جنگ دفاع است؛ دفاعی سرشار از معنویت و نور برای آزادی ستمدیدگان و براندازی ظالمان، موسیقی بیرونی این موضوع مشتمل است بر اوزان آرام، موقر و باصلابت و بحور آن عبارت است از مجتث، رمل، هزج، رجز، خفیف و مضارع

پیکار علیه ظالمان پیشه ماست
جان در ره دوست دادن اندیشه ماست
هرگز ندهیم تن به ذلت هرگز
در خون زلال کربلا ریشه ماست

وزن شعر «مفعول مفاعلن مفاعیل فعولن» و در قالب رباعی است. این وزن از اوزان آرام و معتدلی است که از آن برای اغلب موضوعات و مضامین استفاده می‌کنند

۲-۹- موسیقی کناری جنگ، دفاع و باورهای مذهبی- عرفانی

قافیه و ردیف‌های این موضوع را بیشتر واژگان باصلابت و معنوی تشکیل می‌دهند. فعل و ضمیر در این اشعار بسیار است. در شعر ذیل ردیف «همه» و قوافی «بستند، گسستند و شکستند» بر همگانی بودن جهاد و عظمت آن دلالت دارد:

با نیت عشق بار بستند همه
از خانه و خانمان گسستند همه
لبیک چو گفتند به سردار سحر
یکباره حصار شب شکستند همه

۳-۹- موسیقی میانی جنگ، دفاع و باورهای مذهبی- عرفانی

تناسب توازن‌های موسیقیایی میان واژگان در این اشعار به تداعی موضوع مورد بحث می‌انجامد؛ چنانکه کاربرد صامت‌های انفجاری و غنه‌ای، واژگان و ترکیب‌هایی چون تسخیر نور، آزمون الهی، ویران ظلم و صنایعی چون جناس، سجع و تضاد به القای موضوع و آهنگ اشعار افزوده است.

اینجا
ایمان، تفنگ را
بر دوش می‌کشد
شلیک می‌کند
ایمان، حماسه را
آغاز می‌کند

تکرار صامت‌های منقطع «گ و گ» و تکرار واژه «ایمان» صلابت و معنویت جنگ را تداعی می‌کند.

۱۰- پیوند موسیقی شعر با نوید فتح و پیروزی

۱-۱۰- موسیقی بیرونی نوید فتح و پیروزی

موسیقی بیرونی موضوع نوید فتح و پیروزی را، که با شادی و گاه با دلتنگی همراه است، اوزان ریتمیک، شاد و موقر تشکیل می‌دهد. بحور این موضوع به ترتیب عبارتند از: رمل، رجز، مجتث، سریع، متقارب، هزج و مضارع.

زنده‌یاد سپیده کاشانی شور و هیجان درونی خود را در قالب مثنوی و وزن شاد «مفتعلن مفتعلن فاعلن» چنین بیان می‌کند:

لحظه پیروزی تو عید ماست
سرخ گل تو گل امید ماست
باد مبارک به تو این فتح نور
تهنیت ازما به تو این شوق و شور

۲-۱۰- موسیقی کناری نوید فتح و پیروزی

واژگانی که در ردیف‌ها و قوافی این موضوع قرار می‌گیرد نویدبخش و نویددهنده هستند؛ چنانکه دو بیت زیر قافیه‌های «پیروزی و نوروزی» تداعی‌کننده موضوع است. «نوروزی» آغازی نو «طلوع و گشایشی» دوباره را به ارمغان می‌آورد.

روح سرخ خاک کم کم بوی پیروزی گرفت
دامن خونین صحرا رنگ نوروزی گرفت

۳-۱۰- موسیقی مبانی نوید فتح و پیروزی

موسیقی میان واژگان همانند موضوعات دیگر شعر جنگ در این اشعار نیز هماهنگ با موضوع است. ذکر واژگان و ترکیباتی چون صبح ظفر، کشتی فتح، فروغ نصرت و میلاد خورشید که هر کدام به نحوی بیانگر فتح و پیروزی است؛ همچنین کاربرد صنایعی چون تناسب، سجع، تسمیط و **تتابع** اضافات به غنای موسیقی میانی واژگان افزوده است.

زکریا اخلاقی مژده فتح و پیروزی را با استفاده از صنعت تناسب و تشبیه‌های بسیار زیبا چنین بیان می‌کند:

در گلستان شهادت باغبان پیر ما
با ورق‌های شهادت فال پیروزی گرفت

و با استفاده از واژه‌های شاد و سجع متوازن در بیت ذیل آهنگ شادی و پیروزی را به همراه دارد:

مژده پیروزی تو دلنواز
خنده پیروزی تو دلفریب

۱۱- ناهماهنگی‌های موسیقی بیرونی با موضوعات شعر جنگ

به‌رغم تناسبی که میان موضوعات، مضامین و موسیقی شعر جنگ وجود دارد، گاه مشاهده می‌شود که شاعران جنگ همخوانی میان وزن و موضوع را رعایت نمی‌کنند؛ البته این نقص و عدم هماهنگی گاه با استفاده مناسب شاعر از موسیقی کناری و میانی برطرف شده است. این ناهماهنگی‌ها را بدین شکل می‌تواند تقسیم‌بندی کرد:

۱-۱۱- در رجزهای حماسی: اوزان مفعول فاعلات مفاعیل فاعلن (آرام و غمگین) و فاعلاتن فاعلاتن فاعلاتن فاعلن (آرام و معتدل).

۲-۱۲- فخر: مفعول فاعلات مفاعیل فاعلان (آرام و غمگین) و مفعول فاعلات مفاعیل (آرام و معتدل).

۳-۱۳- دلتنگی و تحسر: اوزان مستفعلن مستفعلن مستفعلن فع لن (خوش‌آهنگ و شاد)، مفاعیل،مفاعیل مفاعیل فعولن (تند و شاد). مفتعلن مفتعلن فاعلان (تند و شاد) و مستفعلن فعولن مستفعلن فعولن (دوری و تند)

۴-۱۱- دلتنگی، تحسر و اعتراض: اوزان مفعول مفاعیل مفاعیل مفاعیل (تند و شاد) و فعولن

فعولن فعولن فعل (تند و شاد)

۵-۱۱- نوید فتح و پیروزی: وزن مفعول فاعلات مفاعیل و فاعلان (آرام و غمگین)

به عنوان مثال:

سرما گذشت و باغچه آخر شکوفه کرد
بندر به گل نشست و سراسر شکوفه کرد
گل داد کوه با همه صخره‌واری‌اش
وقتی که شانه‌های برادر شکوفه کرد

ملاحظه می‌شود وزن شعر، آرام و غمگین است و با موضوع شعر، که نوید فتح و پیروزی است، تناسبی ندارد؛ اما موسیقی کناری، یعنی ردیف «شکوفه کرده و صامت «ر» در پایان هجای قافیه، که بر استمرار شکوفایی دلالت دارد و همچنین رعایت انواع توازن‌های حاصل از موسیقی میانی واژگان از شدت وزن محزون شعر کاسته است.

نتیجه‌گیری

به طور کلی می‌توان از حاصل مجموعه مطالب مذکور درباره پیوند موسیقی شعر با موضوعات و مضامین در شعر جنگ چنین نتیجه‌گیری کرد:

۱. جنبه‌های موسیقی شعر در شعر جنگ به سه صورت موسیقی بیرونی، کناری و میانی است که شاعران از هر سه جنبه برای القای موضوعات و مضامین جنگ استفاده کرده‌اند.

۲. رابطه میان این سه نوع موسیقی موضوع شعر چنان عمیق است که شاید نتوان حد فاصلی میان آنها قائل شد؛ با وجود این می‌توان گفت: موسیقی میانی مهم‌ترین نقش را در القای مضمون و تاثیر بر ذهن مخاطب برعهده دارد و در این میان انواع دیگر موسیقی (کناری و بیرونی) در کنار موسیقی میانی به القای مضامین و موضوعات کمک می‌کنند.

۳. بحور رایج شعر جنگ عبارت است از: رمل، هزج، مجتث و مضارع در حالی که «رایج‌ترین توازن در شعر فارسی هزج، رمل و خفیف است».

۴. در اشعاری که مفهوم دلتنگی دارند ردیف فعلی به دو صورت ماضی و منفی بسیار است.

۵. مهم‌ترین رکن موسیقی میانی را در اشعار جنگ صنعت تکرار تشکیل می‌دهد.

۶. این شاعران به خوبی توانسته‌اند موضوعات و مضامین جنگ را با توجه به ابعاد موسیقی و اصول نقد ادبی به مخاطب منتقل کنند؛ چنانچه تنوع موسیقی کناری و توازن‌های حاصل از موسیقی میانی در این اشعار، با وجود نوپایی شعر جنگ، به وضوح مشهود است و بسیاری از اشعار از بعد موسیقی کناری منسجم و ماهرانه پرداخته شده‌اند؛ اما عدم هماهنگی میان موسیقی بیرونی و موضوعات در بعضی موارد، با وجود تنوع چشمگیر اوزان، تاثیر مستقیمی در کاهش القای مضمون به مخاطب داشته است که گاه با استفاده مناسب شاعر از موسیقی کناری و میانی این نقص برطرف شده است.

۴-۳. شاعران برگزیدهٔ دفاع مقدس

از زمان جنگ و پس از آن، شاعران فراوانی که غالبا جوان بودند- اشعاری انقلابی سرودند که به برخی از آنان در ذیل اشاره می‌شود:

«محمدرضا آقاسی، محمدعلی مودب، قیصر امین‌پور، مهرداد اوستا، سیدحسن حسینی، حمید سبزواری، محمود شاهرخی، علیرضا قزوه، سپیده کاشانی، نصرالله مردانی، محمدرضا عبدالملکیان، علی معلم دامغانی، سیدعلی موسوی گرمارودی، سیمیندخت وحیدی، سلمان هراتی، عبدالجبار کاکایی، سعید بیابانکی، قادر طهماسبی، احمد عزیزی، مصطفی علیپور، حسین اسرافیلی، سیدعلی‌اکبر میرجعفری، پرویز بیگی حبیب‌آبادی، فاطمه راکعی، زهره نارنجی و...»

از بین این شاعران، شاعران مشهوری که از آغاز انقلاب و یا حتی مدتی قبل شروع به سرودن اشعاری مرتبط با عناصر و ارزش‌های انقلاب اسلامی نمودند؛ می‌توان از قیصر امین‌پور، سعید بیابانکی، سید حسن حسینی، فاطمه راکعی، قادر طهماسبی، محمدرضا عبدالملکیان، احمد عزیزی، علیرضا قزوه، سپیده کاشانی و عبدالجبار کاکایی نام برد که در ادامه این شاعران و آثارشان معرفی شوند.

قیصر امین‌پور

قیصر امین‌پور در دوم اردیبهشت ۱۳۸۸ در گتوند در روستایی از توابع دزفول به دنیا آمد. تحصیلات ابتدایی را در گتوند و متوسطه را در دزفول سپری کرد و در سال ۵۷ در رشته دامپزشکی دانشگاه تهران پذیرفته شد ولی پس از مدتی از این رشته انصراف داد. او همچنین از جمله شاعرانی بود که در شکل‌گیری و استمرار فعالیت‌های واحد شعر حوزه هنری تا سال ۶۶ تاثیرگذار بود. وی طی این دوران مسوولیت صفحه شعر هفته‌نامه سروش را برعهده داشت و اولین مجموعه شعر خود را در سال ۶۳ منتشر کرد. امین‌پور در سال ۱۳۶۳ در رشته تاریخ در دانشگاه تهران مشغول به تحصیل شد. اما این رشته نیز نتوانست او را اقناع سازد و آن را رها کرد. او در سال ۱۳۶۳ بار دیگر در رشته زبان و ادبیات فارسی به دانشگاه رفت و این رشته را تا مقطع دکتری گذراند و در سال ۷۶ پایان‌نامه دکتری خود به راهنمایی دکتر محمدرضا شفیعی‌کدکنی با عنوان «سنت و نوآوری در دوره معاصر» دفاع کرد. قیصر امین‌پور، تدریس در دانشگاه را در سال ۱۳۷۶ و از دانشگاه الزهرا آغاز کرد و سپس در سال ۶۹ در دانشگاه تهران مشغول به تدریس شد. وی

همچنین در سال ۶۸ موفق به کسب جایزه نیما یوشیج، موسوم به مرغ آمین بلورین شد و در سال ۸۲ به عنوان عضو فرهنگستان زبان و ادبیات فارسی برگزیده شد.

قیصر شاعری بود که جنگ را از نزدیک حس کرده بود و بارها شاهد بمباران شهرش دزفول زمان جنگ از سوی بعثیان عراقی بود. «او همراه شاعران در جبهه حضور یافت و با ادراک جبهه گفت. «شعری برای جنگ» از مشهورترین سروده‌های او و سروده‌های دفاع مقدس است. (سنگری، ۱۱۴:۱۳۸۹)

«در کوچه آفتاب، تنفس صبح، ظهر روز دهم، مثل چشمه مثل رود، آینه‌های ناگهان، به قول او، گزینه اشعار، گل‌ها همه آفتابگردانند. سنت و نوآوری در شعر معاصر و شعر کودکی از دیگر اشعار و کتاب های این شاعر و استاد دانشگاه است. «دستور زبان عشق» آخرین دفتر در قیصر امین‌پور است که در تابستان ۱۳۸۶ در تهران منتشر شد.

سنگری در توصیف شعر و زبان شعری او می‌نویسد: «شعر قیصر سرشار از تصویرهای تازه، مضمون‌های نو، برداشت شگفت و غافلگیرکننده از مسایل و پدیده‌هاست. سلامت زبانی و ساختار نحو سالم در شعر را در کمتر شاعری همچون وی در شعر پس از انقلاب می‌توان سراغ گرفت. شعر قیصر تعقید و پیچیدگی لفظی دیده نمی‌شود.» (همان)

او پس از تصادف سال ۷۸ از بیماری‌های مختلف رنج می‌برد و دو عمل جراحی قلب و پیوند را پشت سر گذاشت. و سرانجام در روز هشتم آبان سال ۱۳۸۶ بر اثر بیماری درگذشت. شایان یادآوری است. امین‌پور از جمله طرفداران و به نوعی بنیانگذاران شعر متعهد در انقلاب اسلامی است. (بیگی حبیب‌آبادی، ۱۲۳:۱۳۸۲)

سعید بیابانکی

سعید بیابانکی متولد سال ۱۳۴۷ در اصفهان است که تحصیلات خود را در رشته مهندسی کامپیوتر در دانشگاه اصفهان گذرانده و دارای دو فرزند و ساکن اصفهان است. وی از سال ۱۳۶۴ به صورت جدی به شعر پرداخته و هم‌اکنون در حوزه هنری تهران سردبیر سایت واحد ادبیات و مسوول انجمن شعر طنز حوزه هنری است. وی با نشریاتی از جمله جام‌جم، همشهری و فصل‌نامه شعر حوزه هنری همکاری دارد. کتاب‌های شعر بیابانکی عبارتند از ردپایی بر برف، نیمی از خورشید، نه ترنجی نه اناری، باغ دوردست، نامه‌های کوفی و جامه‌دران. در زمینه شعر کودک نیز پنج کتاب دارد. مجموعه آوازهای گشمده وی زیر چاپ است. او اولین معلم خود را سرایدار دوران مدرسه خود می‌داند که شاعر بوده و استعداد ایشان را شناخته و به او در این وادی کمک نموده است. بیابانکی بیشتر شعر کلاسیک به ویژه غزل، رباعی و... سروده و کمتر به شعر سپید پرداخته است. او همچنین تسلط خوبی در شعر طنز دارد به طوری که مسوولیت انجمن‌های ماهانه شعر طنز در حوزه هنری تهران برعهده اوست.

سیدحسن حسینی

سیدحسن حسینی در اول فروردین ۱۳۳۵ در محلهٔ سلسبیل تهران به دنیا آمد. دوران کودکی و

تحصیلاتش را در زادگاهش گذراند و برای ادامه تحصیل در رشته کارشناسی تغذیه به مشهد رفت. دوره کارشناسی ارشد و دکتری خود را نیز در تهران و در رشته زبان و ادبیات فارسی به پایان رساند. وی سرودن و نوشتن را از سال ۱۳۵۲ در مطبوعات قبل از انقلاب و به ویژه در مجله فردوسی آغاز کرد. در سال ۱۳۵۸ به همراه تعدادی از دوستان خود حوزه اندیشه و هنر اسلامی را تاسیس کرد که وی و قیصر امین‌پور مسئولیت بخش ادبیات و شعر این حوزه را برعهده داشتند.

سیدحسن حسینی در زمان جنگ، همراه کاروان شاعران بارها در جبهه حضور یافت و به شعرخوانی برای رزمندگان پرداخت. او همچنین در دوران جنگ تا چند سال پس از آزادی خرمشهر مسئول رادیو ارتش بود؛ اما با طولانی شدن جنگ به حوزه هنری بازگشت. پس از مدتی به دلیل برخی اختلافات با مدیر حوزه همراه با قیصر امین‌پور استعفای خود را نوشتند و به تدریس در دانشگاه الزهرا پرداختند. وی چند سال نیز در دانشگاه آزاد ورامین تدریس کرد. حسینی از سال ۱۳۷۸ تا چند سال در واحد ویرایش رادیو حضور داشت. بخشی از آثار منتشرشده وی عبارتند از: «همصدا با حلق اسماعیل»، «حمام روح «ترجمه»، «براده‌ها»، «بیدل، سپهری و سبک هندی»، «گنجشک و جبرئیل، مجموعه شعر سپید و نیمایی (عاشورایی)»، «گزیده شعر جنگ و دفاع مقدس، با انتخاب و توضیح»، مشت در نمای درشت (معانی و بیان در ادبیات و سینما».

سیدحسن حسینی در نهمین روز سال ۱۳۸۳ درگذشت. وی علاوه بر شعر، در نقد و در ادبیات نیز دستی تواناست. شعر وی سرشار از مضمون‌های بدیع، تصویرپردازی‌ها و اندیشه ای والاست. سیدحسن حسینی در غزل، مثنوی، رباعی، دوبیتی و قالب نیمایی و سپیده‌های ماندگاری از خویش به یادگار گذاشت.

فاطمه راکعی

فاطمه راکعی شاعر، محقق، مترجم در سال ۱۳۳۳ در زنجان به دنیا آمد و تا پایان سال چهارم دوره در زادگاهش بود. پس از آن به همراه خانواده به تهران نقل مکان کرد و در این شهر به تحصیل پرداخت. راکعی دارای مدرک لیسانس مترجمی زبان، فوق‌لیسانس و دکترای زبان انگلیسی است.

راکعی فعالیت‌های علمی و اجرایی فراوانی داشته از جمله: معاونت پژوهشی دانشگاه، مدیریت گروه زبان و ادبیات انگلیسی دانشگاه الزهرا، مدیریت گروه زبان و ادبیات فارسی دانشگاه، معاونت آموزشی و پژوهشی دانشکده الهیات و ادبیات دانشگاه الزهرا، نمایندگی ششم و نایب‌رئیس کمیسیون فرهنگی، ریاست کمیته امور زنان و امور خانواده، ریاست کمیسیون زنان و... .

مجموعه‌های شعری او عبارتند از: سفر سوختن، ناخنکی به زندگی، آواز گلسنگ، دیروز با ما بود، سنجاقک‌ها، رویای رنگین و مادرانه‌ها.

بنا به گفته راکعی، او سرودن شعر را از دوران دبیرستان شروع کرد؛ اما درواقع، سرایش رسمی را از دهه ۶۰ آغاز می‌کند.

در (فرید) طهماسبی

طهماسبی متخلص به فرید در تاریخ نهم شهریورماه ۱۳۳۱ در شهر میانه و در خانواده‌ای متوسط و مذهبی متولد شد. مادر او اهل میانه و پدرش از تبار داغستان شوروی بود. فرید تحصیلات ابتدایی تا متوسطه را در شهر میانه گذراند. او که فردی مذهبی بود از همان دوران نوجوانی فعالیت‌های مذهبی شرکت می‌کرد و همین امر سبب شد ساواک مانع فعالیت‌های او گردد. همچنین به دلیل استعداد و ذوق شعری که داشت همراه با دوستانش در حدود سال ۱۳۴۷ اولین من شعر با نام «انجمن نظامی گنجوی» را در میانه تشکیل داد که البته مدتی بعد به دلیل مخالفت‌های خانواده تعطیل شد. از هجده سالگی برای ادامه تحصیل به دانشگاه‌های زاهدان و اصفهان رفت و در رشته روانشناسی تحصیل نمود. در اصفهان نیز در انجمن شعر صائب شرکت می‌نمود و اشعارش را در آنجا می‌خواند.

در زمان پیروزی انقلاب اشعاری می‌سرود که در تظاهرات گفته می‌شد. او که قبل از انقلاب به عکاسی مشغول بود؛ پس از انقلاب این شغل را کنار گذاشت و تصمیم گرفت به جبهه برود؛ اما پاره‌ای مشکلات خانوادگی مانع حضور او گردید. با این حال او با سرودن اشعاری برای تهییج و روحیه دادن به رزمندگان، خالصانه در خدمت انقلاب بود. لذا شعر را آلوده به امورمالی نکرد و با خلوص به فعالیت‌های ادبی به دفاع از آرمان‌های اسلام و انقلاب می‌پرداخت. مدتی نیز در جهاد دانشگاهی در کلاس‌های فوق‌برنامه به تدریس مشغول بود. طهماسبی شاعر مثنوی معروف «شهادت» با مطلع «سبکباران خرامیدند و رفتند»، اکنون در حوزه هنری سوره به عنوان کارشناس شعر مشغول فعالیت است. اگرچه چشمانش او را درگیر بیمارستان کرده؛ اما هرگز در کار علمی خویش کوتاهی ننموده است. طهماسبی در سومین کنگره ملی تجلیل از ایثارگران به عنوان مروج فرهنگ ایثار و شهادت مورد تقدیر و تجلیل قرار گرفت.

آثار شعری او عبارتند از: «عشق بی‌غروب»، «به‌رنگ خون»، «شکوفه‌های فریاد»، «پری ستاره‌ها»، «پری‌شدگان»، «ترینه‌ها»، «پری بهانه‌ها». او همچنین رمانی با نام «تلاوت» را نوشته است. این شاعر و نویسنده در این رمان بر این باور است که هر انسان آیه و نشانه‌ای از خداوند است که باید خویش را تلاوت نماید.

محمدرضا عبدالملکیان

عبدالملکیان در چهاردهم خرداد ۱۳۳۱ در نهاوند دیده به جهان گشود و تحصیلات خود را تا دیپلم در همانجا ادامه داد. در سال ۱۳۵۴ از دانشکده کشاورزی همدان به دریافت مدرک مهندسی کشاورزی نایل آمد. اولین شعر او به هنگام تحصیل در کلاس دهم (۱۷ سالگی) در مجله امید ایران و اولین مجموعه شعرش در سال ۱۳۵۴ انتشار یافت. در سال ۱۳۵۷ در موسسه مطالعات و تحقیقات اجتماعی دانشگاه تهران مشغول به کار شد. عبدالملکیان در تهران همراه با شاعران در محافل شعری و نیز در جبهه‌های جنگ حضور می‌یافت.

از مجموعه اشعار اوست: مه در مه، ریشه در ابر، ردپای روشن باران، مهربانی، آوازهای اهل آبادی،

ساده با تو حرف می‌زنم. شعر عبدالملکیان بیشتر در قالب‌های نیمایی است. عاطفه و تخیل سیال در شعر، زبان نرم، تکرار شاعرانه و گاه غیرشاعرانه و پرداختن به مقوله‌هایی چون روستا، مردمی و ارزش‌های دفاع مقدس از محورها و ویژگی‌های عمده شعری اوست.» (برای ع بیشتر ر.ک. سنگری، ۱۳۸۹: ۹۹ و ۱۰۰ با تخلیص)

صمد عزیزی

صمد عزیزی در ۴ دی ۱۳۳۷ در سر پل ذهاب در استان کرمانشاه به دنیا آمد و بخشی از کودکی را در میان عشایر و چادرنشینان این منطقه گذراند. وی پیش از رفتن به مدرسه خواندن و نوشتن را یاد گرفت. عزیزی قبل از پیروزی انقلاب اسلامی ایران به دعوت شمس آل‌احمد به تهران رفت و دیداری نیز با شهید آیت‌الله مطهری داشت. همزمان با آغاز جنگ به همراه خانواده به تهران نقل مکان کرد و سپس برای مدتی ساکن شهرستان نور شد. سپس در تهران اقامت گزید. به همکاری با روزنامه جمهوری اسلامی پرداخت. این شاعر کرمانشاهی که از ۱۵ اسفندماه ۱۳۸۱ در پی عارضه قلبی و سپس مغزی در بیمارستان امام علی کرمانشاه بستری شد و پس از چند روز به بیمارستان امام خمینی(ره) منتقل و سپس به علت کافی نبودن امکانات این بیمارستان مرکز بزرگ درمانی امام رضا(ع) انتقال یافت و هنوز در کما به سر می‌برد. جالب است بدانیم او نیز به این مساله در اشعارش اشاره نموده است:

غربت ای فرجام من! اینجا خوش است/ مرگ در این دره تنها خوش است/ لاشه‌ای افتاده و سنگی بر او/ ناله مجروح دلتنگی بر او/ می‌رسد از انقراض نورها/ فوج‌های تیره شب کورها؟ خیمه تاریکشان بر خواب خاک/ هر کدام آوازشان از یک مغاک/ لاشه‌ای خندید و گوری باز شد/ مرگ من در زندگی آغاز شد (۱۳۷۵: ۷۱-۷۵)

عزیزی شعرها و نثرهای متعددی دارد. او همچنین آثاری در قالب شطح دارد که در میان ادیبان فارسی کمتر به آن پرداخته شده است. از آثار او می‌توان به این موارد اشاره نمود: «کفش‌های مکاشفه، شرجی آواز، خواب‌نامه و باغ تناسخ، ملکوت تلکم و...» او بیشتر در قالب مثنوی شعر می‌سراید؛ هر چند از غزل نیز غافل نیست.

از جمله ویژگی‌های شعر عزیزی زبان خاص شعری او است که ضمن تاثیرپذیری از تصویرپردازی‌های بدیل، مولوی‌گونه اشعار خویش را آمیخته با عرفان و سماع‌وار می‌سراید. چنان‌که خود نیز به این امر اعتراف می‌کند:

شاعری می‌گفت با من کاملم/ وارث آیینه‌های بیدلم/ گفتمش در مثنوی شادی خوش است/ شعرهای بیدل‌آبادی خوش است/ تو اگر نی میزنی با نا بزن/ کوک بیدل باش و مولانا بزن (۱۳۷۵: ۸۹-۱۰۲)

احمد عزیزی سرودن شعر را تقریباً همزمان با انقلاب آغاز نمود.

علیرضا قزوه

علیرضا قزوه متولد ۱۳۴۲ در شهرستان گرمسار است که برای ادامه تحصیل و دریافت مدرک کارشناسی حقوق قضایی به شهر قم رفته و تا سال ۱۳۶۹ در این شهر بوده است. او کارشناسی ارشد خود را در رشته ادبیات فارسی از دانشگاه آزاد واحد تهران مرکزی و دکتری را در رشته فیلولوژی از دانشگاه دولتی ملی تاجیکستان دریافت نمود. وی همچنین با راه‌اندازی نخستین جشنواره شعر فجر قدمی جدی برای معرفی و ارتقای شعر ایران برداشته است.

از سال ۱۳۷۷ تاکنون مناصبی همچون وابسته فرهنگی در تاجیکستان، ریاست شورای شعر وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، مدیریت مرکز تحقیقات فارسی دهلی نو، ریاست مرکز آفرینش‌های هنری حوزه هنری و... داشته است. برخی از مهم‌ترین مجموعه اشعار وی به شرح زیر است:

«از نخلستان تا خیابان، شبلی و آتش، قطار اندیمشک و ترانه‌های جنگ، عشق علیه‌السلام، با کاروان نیزه، انگشتری سوم خاتم، من می‌گویم شما بگریید، چمدان‌های قدیمی قزوه، صبح بنارس»

سپیده کاشانی

سپیده کاشانی فرزند حسین در سال ۱۳۱۵ در کاشان متولد شد. وی شعر سرودن را از سال ۱۳۴۸ آغاز کرد و در سال ۱۳۵۲ دفتر شعر «پروانه‌های شب» را انتشار داد. وی در این مجموعه که در قالب شعر آزاد و غزل سروده، به جشن‌های ۲۵۰۰ ساله شاهنشاهی تاخته است. مجموعه دوم او «سخن آشنا» است که پس از مرگ شاعر توسط پسرش در سال ۱۳۷۳ به چاپ رسیده است. در همین سال حوزه هنری سازمان تبلیغات اسلامی، گزینه شعر جنگ از سپیده کاشانی را با نام «هزار دامن گل سرخ» منتشر کرد. همچنین گزیده اشعار وی توسط انتشارات نیستان در سال ۱۳۷۸ به چاپ رسید.

از دیگر آثار او، یادداشت‌های وی طی دو سفر به جنوب در سال‌های جنگ تحمیلی است. نوشته‌های سفر اول با شب عاشورای ۵۹ از خونین‌شهر آغاز می‌شود و یادداشت‌های سفر دوم یادنامه‌ای از فتح‌المبین است. سپیده کاشانی در این سفر پرخطر به همراه شاعران حوزه هنری، پس از عملیات فتح‌المبین به جبهه‌های جنوب و غرب رفته است و از نزدیک حوادث جنگ، پیکرهای سوخته شهدا را با چشم دیده و درباره آن‌ها اشعاری حماسی سروده و یا مطالبی را نوشته است.

سپیده کاشانی در مجموعه‌ای که پس از مرگش گردآوری و چاپ شد. اشعار گوناگون اجتماعی سروده است؛ از جمله قطعه «فرزند بیگناه» به یاد کشتار کودکان فلسطینی، «رستخیز ستارگان» در وصف پیروزی انقلاب، مثنوی «سلام بر آبادان» و... درواقع، سروده‌های او در دوران جنگ نقش زیادی در برانگیختن روحیه مبارزه و شهادت‌طلبی جوانان داشته است. سپیده کاشانی در سال ۱۳۷۱ بر اثر بیماری درگذشت.

عبدالجبار کاکایی

عبدالجبار کاکایی سال ۱۳۴۲ در ایلام به دنیا آمد. این شاعر و منتقد ادبی اکنون پس از شاعری در حوزه‌های انقلاب و دفاع مقدس، چهره یک ترانه‌سرا را نیز به خود گرفته است. علاوه بر این در

کارنامه او نه ماه عضویت در شورای ترانه وزارت ارشاد دیده می‌شود که البته به علت اعتراض به عملکرد شورا از آن استعفا داد.

کاکایی سرودن شعر ار همزمان با انقلاب و شروع جنگ تحمیلی آغاز نمود و تاکنون نیز ادامه دارد. بر همین اساس اشعار او را می‌توان در دو دوره زمان جنگ و پس از آن تحلیل و بررسی مضمونی نمود. کاکایی علاوه بر شعر و ترانه، چند اثر تحقیقی نیز از خود به جا گذاشته و از پژوهشگران حوزه ادبیات پایداری بوده است.

برخی مجموعه شعرهای کاکایی عبارتند از: آوازهای واپسین، مرثیه روح، سال‌های تاکنون، حتی اگر آیینه باشی، فرصت نایاب، حق با صدای توست، حبس سکوت و... .

گروه زبان و ادبیات فارسی دانشگاه پیام نور

فهرست منابع

۱. احمدزاده، حبیب. (۱۳۸۷). *شطرنج با ماشین قیامت*، تهران: سوره مهر، چاپ سیزدهم.

۲. اخلاقی، زکریا، بیسیم‌های شرقی، چاپ دوم، تهران، حوزه هنری، ۱۳۷۸

۳. ادبیات داستانی دفاع مقدس و هویت ایرانی ـ اسلامی(۱۳۸۸)، سعیدی، مهدی؛ رضایی، سیده نرگس، « رویکردهای ادبیات داستانی جنگ با تاکید بر داستان‌های انسان‌محور»، تهران: پژوهشگاه جهاد دانشگاهی

۴. اسماعیلی، رضا، حنجره سرخ عشق، چاپ اول، تهران، حوزه هنری، ۱۳۷۶

۵. اکبری شلدره ای، فریدون(۱۳۸۲)، در آمدی بر ادبیات داستانی پس از پیروزی انقلاب اسلامی، تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی.

۶. امیری خراسانی، احمد؛ حسن پور، عسگر. (۱۳۸۹). مؤلفه‌های پایداری در سیمای شخصیت‌های دفاع مقدس. *نشریه ادبیات پایداری*، کرمان.

۷. امین‌پور، قیصر، آیینه‌های ناگهان، چاپ اول، تهران، حوزه هنری، ۱۳۷۵

۸. ایرانی، ناصر. (۱۳۶۴). *داستان: تعاریف، ابزارها و عناصر*، تهران: کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان، چاپ اوّل.

۹. ایشانی، طاهزه(۱۳۹۵) *گفتمان فرهنگی، سیاسی و اقتصادی در شعر دفاع مقدّس* . انتشارات پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

۱۰. آبرامز، ام. اچ. (۱۳۶۶). *مروری بر تاریخچه رمان*، ترجمه محسن سلیمانی، تهران: انتشارات برگ.

۱۱. آوینی، سید مرتضی(۱۳۸۴)، مبانی نظری هنر، قم: انتشارات نبوی.

۱۲. بارونیان، حسن. (۱۳۸۷). *شخصیت پردازی در داستان‌های کوتاه دفاع مقدّس*. تهران: بنیاد حفظ آثار و نشر ارزش های دفاع مقدّس ، چاپ اوّل.

۱۳. برومند، فیروزه. (۱۳۸۴). *کتاب شناسی دفاع مقدس* (۱۳۷۹-۱۳۵۹)، تهران: قدیانی وصریر.

۱۴. بصیری، محمدصادق(۱۳۸۸)، *سیر تحلیلی شعر مقاومت در ادبیات فارسی از آغاز تا عصر پهلوی، کرمان: انتشارات دانشگاه شهید باهنر*

۱۵. بنیاد حفظ آثار و ارزش‌های دفاع مقدس، سفرنامه آسمان، مجموعه شعر دفاع مقدس، چاپ اول، تهران، ۱۳۷۶

۱۶. بیگی حبیب‌آبادی، پرویز (به کوشش)، گل غزل گلوله (مجموعه شعر دفاع مقدس)، چاپ اول، تهران، بنیاد حفظ آثار و ارزش‌های دفاع مقدس، ۱۳۷۳
۱۷. بیگی حبیب‌آبادی، پرویز، شقایق‌های اروند، مجموعه شعر دفاع مقدس، چاپ اول، ۱۳۷۶
۱۸. بیگی حبیب‌آبادی، پرویز، غریبانه، چاپ اول، تهران، سپهر، ۱۳۶۹
۱۹. پارسانیا،حمید(۱۳۷۹)،حدیث پیمانه پژوهشی در انقلاب اسلامی، تهران: انتشارات معارف
۲۰. پارسی نژاد، کامران(۱۳۸۷)، هویت شناسی ادبیات و نحله های ادبی معاصر، تهران: کانون اندیشه جوان.
۲۱. تندرو صالح، شاهرخ، نسترن‌های سوخته، چاپ اول، تهران، برگ، ۱۳۷۰
۲۲. حسینی، سیدحسن، همصدا با خلق اسماعیل، چاپ اول، تهران، حوزه هنری، ۱۳۶۳
۲۳. حنیف، محمّد؛ حنیف، محسن. (۱۳۸۸). *کندوکاوی پیرامون ادبیات داستانی جنگ و دفاع مقدّس*، تهران: صریر، چاپ اوّل.
۲۴. دلاور، علی(۱۳۸۹)، مبانی نظری و عملی پژوهش در علوم انسانی و اجتماعی، تهران: انتشارات رشد.
۲۵. دهقان، احمد. (۱۳۹۲). *سفر به گرای ۲۷۰ درجه*، تهران: سورهٔ مهر، چاپ هفدهم.
۲۶. راش، مایکل(۱۳۷۷)، **جامعه وسیاست** (مترجم منوچهر صبوری)، تهران: انتشارات سمت.
۲۷. رزمجو، حسین. (۱۳۷۰). *انواع ادبی و آثار آن در زبان فارسی*، مشهد: انتشارات آستان قدس رضوی.
۲۸. رضی، احمد؛ عبداللهیان، فائقه. (۱۳۹۰). تحلیل عناصر داستانی در رمان شطرنج با ماشین قیامت، *نشریه ادبیات پایداری*، دانشگاه شهید بهشتی کرمان، سال دوم، شمارهٔ سوم و چهارم.
۲۹. زهیری، علی‌رضا (۱۳۸۱)، انقلاب اسلامی و هویت ملی، قم: انجمن معارف اسلامی ایران.
۳۰. سلیمانی، نعمت الله. (۱۳۸۰). *نخل‌ها و آدم‌ها*، تهران: سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، چاپ اوّل.
۳۱. سنگری، محمدرضا (۱۳۹۱) ساحت‌های مطالعاتی ادبیات انقلاب اسلامی، تهران: دفتر حفظ و نشر آثار دفاع مقدس.
۳۲. شاکری، احمد(۱۳۹۱)، گام نهادن بر شیب تند، تهران: خانه کتاب.
۳۳. شاهرخی، محمد و مشفق کاشانی، مجموعه شعر جنگ، چاپ اول، تهران، سپهر، ۱۳۶۷
۳۴. شاهرخی، محمود، از غبار کاروان، چاپ اول، تهران، کیهان، ۱۳۷۰
۳۵. شفیعی کدکنی، محمدرضا، موسیقی شعر، چاپ چهارم، تهران، آگاه ۱۳۷۳
۳۶. شکردست، فاطمه (۱۳۹۴)،جریان شناسی نقدها و پژوهش های ادبیات داستانی انقلاب اسلامی ایران، رسالهٔدکتری، دانشگاه پیام نور، به راهنمایی دکتر مصطفی گرجی

۳۷. عیدی وند، مستانه(۱۳۹۴)، بررسی کنگره های شعر دفاع مقدس خوزستان، پایان نامۀ کارشناسی ارشد ، دانشگاه پیام نور، به راهنمایی دکتر حسین یزدانی
۳۸. فلکی، محمود. (۱۳۸۲). *روایت داستان: تئوری‌های پایه داستان نویسی*، تهران: بازتاب نگار.
۳۹. فورستر، ادوارد مورگان. (۱۳۸۴). *جنبه‌های رمان*، ترجمه‌ی ابراهیم یونسی، تهران: نگاه، چاپ پنجم.
۴۰. قبادی، حسینعلی (۱۳۸۹)*ادبیات فارسی، انقلاب اسلامی و هویت ایرانی*، ناشر پژوهشگاه علوم انسانی و جهاد دانشگاهی
۴۱. کوثری، مسعود. (۱۳۸۲). *تأملاتی در جامعه شناسی ادبیات*، تهران: مرکز بازشناسی اسلام و ایران، چاپ اوّل.

گروه زبان و ادبیات فارسی دانشگاه پیام نور

هشت

گروه زبان و ادبیات فارسی دانشگاه پیام نور